



رهتوشه راهیان نور

طرح هجرت تابستان ۱۳۹۱

«ویژه کودکان و نوجوانان»

تهیه و تدوین:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی و تبلیغی
اداره چاپ و نشر

عنوان و پدیدآور: ره توشه راهیان نور: طرح هجرت تابستان ۱۳۹۱ ویژه کودکان و نوجوانان / تهیه و تدوین دفتر تبلیغات اسلامی حوزه عملیه قم، معاونت فرهنگی تبلیغی، اداره چاپ و نشر؛ مؤسسه عمار ولایت

مشخصات نشر: قم: عصر غیبت، ۱۳۹۱

مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص.

۳۰۰۰۰ ریال

شابک: 978-600-5603-26-2

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع: اسلام - تبلیغات - راهنمای آموزشی

موضوع: اسلام - مسائل متفرقه

موضوع: تعلیمات دینی - راهنمای آموزشی

شناسه افزوده: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه عملیه قم. معاونت فرهنگی تبلیغی. اداره چاپ و نشر

شناسه افزوده: مؤسسه عمار ولایت

۱۳۹۱

رده بندی کنگره: BP ۸ / ۹۷

۲۹۷/۰۲

رده بندی دیویی:

ره توشه راهیان نور

تابستان ۱۳۹۱

ویژه کودکان و نوجوانان

تهیه و تدوین: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم - معاونت فرهنگی و تبلیغی - اداره چاپ و نشر

مؤلفین: مهدی سلیمانی آشتیانی، علیرضا زنگوئی و محمد حسن زنگوئی

ناشر: عصر غیبت

صفحه آرای: اکبر اسماعیل پور

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی

شمارگان: ۵۵۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۱

تلفن: ۷۷۴۷۹۹۴ - ۰۲۵۱ - ۷۷۴۳۱۷۶ - ۰۲۵۱

درگاه وبسایت معاونت فرهنگی و تبلیغی: www.Samta.ir

پست الکترونیکی: samta@dte.ir

فهرست مطالب

۷	پیش‌گفتار
۹	سخنی با مربیان و مبلغان
۱۱	گلستان عترت: مناسبت‌های ماه شعبان
۱۲	کوچه باغ اول: بوی سیب
۱۶	کوچه باغ دوم: بوی گل یاس
۲۰	کوچه باغ سوم: زینت گلستان
۲۳	کوچه باغ چهارم: ۷۲ گل
۲۷	کوچه باغ پنجم: گل‌های سرخ
۳۱	کوچه باغ ششم: دو باغبان
۳۵	کوچه باغ هفتم: شکفتن آخرین گل
۴۰	کوچه باغ هشتم: امام مهربانی
۴۵	کوچه باغ نهم: بهشت دنیا
۵۰	کوچه باغ دهم: میعادگاه منتظران
۵۳	کوچه باغ یازدهم: مسجد بهشت منتظران
۵۷	کوچه باغ دوازدهم: وظایف منتظران گل‌نرگس
۶۱	بوستان قرآن: مناسبت‌های ماه مبارک رمضان
۶۲	کوچه باغ سیزدهم: آداب میهمانی
۶۷	کوچه باغ چهاردهم: سفره رحمت
۷۱	کوچه باغ پانزدهم: فضیلت تلاوت قرآن

۷۶	کوچه باغ شانزدهم: نماز جماعت
۸۰	کوچه باغ هفدهم: دست های آسمانی
۸۴	کوچه باغ هجدهم: صداقت
۸۹	کوچه باغ نوزدهم: دروغ
۹۳	کوچه باغ بیستم: مادر گل ها
۹۸	کوچه باغ بیست و یکم: گل بخشنده
۱۰۲	کوچه باغ بیست و دوم: باغبانی لاله ها
۱۰۷	کوچه باغ بیست و سوم: غنچه های شکر
۱۱۲	کوچه باغ بیست و چهارم: شمیم ولایت
۱۱۷	کوچه باغ بیست و پنجم: شب قدر
۱۲۲	کوچه باغ بیست و ششم: انسان قرآنی (حضرت علی علیه السلام)
۱۲۶	کوچه باغ بیست و هفتم: آفت گل ها
۱۳۰	کوچه باغ بیست و هشتم: شادی و نشاط
۱۳۴	کوچه باغ بیست و نهم: باغ بهشت
۱۳۹	کوچه باغ سی ام: فرار از جهنم و جهنمیان

پیش‌گفتار

۱. موضوع اوقات فراغت و چگونگی مفیدسازی آن به ویژه برای جوانان و سنین پایین‌تر با همه حساسیت و اهمیتی که دارد از جمله موضوعاتی است که علیرغم تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌های فراوان هنوز در جامعه ما به طور کامل به فرهنگی صحیح و عمومی تبدیل نشده و گاهی این فرصت‌گرانها به تهدیدی پر خسارت مبدل می‌شود. تبیین ارزش عمر و اهمیت وقت و برشماری نحوه بهره‌برداری از فرصت‌ها از نکات خطیر و مهمی است که به مخاطبان کمک می‌کند از سرمایه ارزشمند وقت به ویژه اوقات فراغت غفلت نورزند و آن را تباه نسازند. متون اسلامی در این خصوص مشحون از راهکارها و هشدارهایی است که از جمله آنهاست:

امیرالمومنین علیه السلام: الفرص تمرّ مرّ السحاب فانتهزوا فرص الخیر!

امیرالمومنین علیه السلام: بقية عمر المرء لا قيمة لها^۱.

ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام: ان الله عزوجل يبغض العبد النّوام الفارغ^۲.

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم با بکارگیری تجربیات ارزشمندی که حاصل نوزده سال اجرای طرح هجرت تابستانی است امسال نیز با کیفیت و وسعت بیشتری این طرح عظیم را با مشارکت سازمان محترم تبلیغات اسلامی، نیروی مقاومت بسیج، آموزش و پرورش و همراهی حدود سه هزار نفر از مبلغان ارجمند و فرهیخته اجرا می‌نماید. امید است مجریان اصلی این طرح که مبلغان و مربیان مجرب و محترم می‌باشند با اهتمام و تلاش بیشتر به مخاطبان خویش بپردازند و قبل از آن‌که نونهالان، نوجوانان و جوانان عزیز تحت تأثیر جریان‌های انحرافی قرار گیرند ذهن و روح آنان را با معارف ناب اسلامی و آداب الهی مانوس و تقویت نمایند.

۲. شکل‌گیری و ظهور رو به رشد فرقه‌ها و نحله‌های انحرافی چه آنان که منسوب به دین مبین اسلام و یا ادیان ابراهیمی‌اند و چه آنان که صریحاً خود را نقطه مقابل توحید می‌دانند اقتضا می‌کند مبلغان عزیز ضمن اطلاع از شگردها و مشخصات اینگونه رهنمان اعتقادی و نقد عالمانه و با رعایت این‌که به طرح و تبلیغ آنان نینجامد مخاطبان خویش را در برابر چنین شیطان صفتان آگاه و حفظ نمایند.

۳. گستره اجرای طرح هجرت به گستردگی ایران بزرگ اسلامی است. گرچه مشترکات

۱. انساب الاشراف للبلاذری؛ حدیث ۵۶، ص ۱۱۵.

۲. میزان الحکمه؛ ج ۳، ح ۲۱۱۴.

۳. همان.

فراوانی در بین مردم شریف و مناطق مختلف این سرزمین وجود دارد، اما بدیهی است که هر منطقه اقتضائات خاص و ویژگی‌های متفاوتی نیز دارد که موفقیت تبلیغ و پرهیز از خطاهای احتمالی منوط به رعایت این ویژگی‌هاست. لذا داشتن حساسیت‌های مذهبی و قومی و شناسایی نقاط ضعف و قوت فرهنگی در هر منطقه از ضرورت‌هایی است که مبلغ را به انتخاب موضوع سخن و بکارگیری روش‌های مناسب رهنمون می‌سازد.

۴. اهتمام اصلی مبلغان گرامی در طرح هجرت انتقال مفاهیم و گستره‌های ناب اسلامی به مخاطبان خاص (دانش آموزان) در قالب کتب تدوین یافته ره‌توشه و مخاطبان عام در قالب محافل دینی با اقامه جماعت، سخنرانی و معاشرت با توده مردم می‌باشد اما این فعالیت‌های فرهنگی در زمانی اتفاق می‌افتد که از سویی انقلاب شکوهمند اسلامی منشاء بیداری اسلامی در بین ملت‌های مسلمان منطقه (و در حال سرایت به سایر مناطق جهان) شده است و از سویی دشمنی‌ها و توطئه‌ها بر ضد ایران، شیعه، اسلام و معنویت‌گرایی روز به روز شدت، تنوع و فزونی می‌یابد. در چنین شرایطی بر هر مبلغ آگاه و وظیفه‌شناسی است که بصیرت مخاطبان خود را ارتقاء بخشد و آنان را در جبهه حق استوار سازد.

در این راستا توجه کامل به رهنمودهای رهبر حکیم و فرزانه انقلاب و رعایت شاخصه‌های ذیل به مبلغان ارجمند توصیه می‌شود:

- ارائه گفتمان نشاط، امید، خودباوری و انسجام ملی.

- تبیین و تقویت اصل ولایت فقیه و نقد دموکراسی‌های مدل آمریکایی و نظام‌های لیبرال
- بیان پیشرفت‌های علمی و جنبش تولید علم به خصوص در زمینه‌های نانو تکنولوژی پزشکی، صنایع دفاعی، هوافضا، سلول‌های بنیادی، بیوتکنولوژی، هسته‌ای و ...
- عطف توجه مخاطبان به لزوم مصرف کالاهای داخلی، اهمیت دادن به تولید و پرهیز از ادامه و تشدید وابستگی‌های اقتصادی به قدرت‌های بیگانه.

۵. هم‌زمان شدن اجرای طرح هجرت با ماه‌های شعبان و رمضان بهترین فرصت را برای مبلغان گرامی فراهم می‌آورد تا با بهره‌مند شدن از فضای پرمعنویت و مناسبات مهم این دو ماه در زدودن غبارهای انحراف و سوق دادن دل‌ها به یاد الهی توفیق بیشتری یابند.

در پایان از همه دست اندرکاران محترم تهیه، تدوین و چاپ کتب ره‌توشه به ویژه برادر ارجمند جناب آقای نورالهی مدیر اداره چاپ و نشر معاونت فرهنگی و تبلیغی و مؤسسه عمار ولایت صمیمانه تقدیر و تشکر می‌نمایم.

احمد زاده‌وش

معاون فرهنگی و تبلیغی

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

سخنی با مربیان و مبلغان

دوران نوجوانی، دورانی است که در آن شخص نه کودک به حساب می‌آید و نه هنوز به درستی بالغ شده است. وی در مرز بین این دو مرحله؛ یعنی کودکی و بزرگسالی قرار دارد و با انتظارات خاص هر دو دوره روبرو است. اگر کاری کودکانه کند، او را ملامت می‌کنند که بزرگ شده و از سوی دیگر در زمره بزرگسالان محسوب نمی‌شود.

نوجوان در این مقطع سنی می‌تواند قضایای منطقی را درک کند و استدلال علمی در او قوی می‌شود. ساده‌اندیشی دوران طفولیت از بین می‌رود و نوجوان به سنجش و ارزیابی مسائل می‌پردازد تا در نظام ذهنی خود آنها را دوباره بسازد. از این رو شاید در مورد برخی امور متعارف شک کند نه اینکه آنها را نفی کند، بلکه می‌خواهد آنها را دوباره بازسازی کند و زیربنایی استدلالی برای آنها بیابد. از این رو والدین و مربیان نباید از شک و تردیدهای نوجوان دچار نگرانی و اضطراب شوند، بلکه باید او را برای رسیدن به یقین یاری کنند.

برنامه‌ریزی جمعی و شرکت در گروه‌های همسال می‌تواند به او کمک کند تا مسائل را بهتر شکافته و اعتقاد سازی نماید. از این رو ایام فراغت تابستان و ماه مبارک رمضان فرصت خوبی است تا یک مربی دینی بتواند در گذر گروهی از نوجوانان یاریگر آنان باشد و در جلسات و کلاس‌هایی نوجوانان را از گذرگاه شک به اقامتگاه یقین برساند.

دروس پیش رو با این رویکرد تدوین شده تا همراه با اعتقاد سازی، با بیانی لاین برخی مسائل اعتقادی و احکامی را نیز بیان سازد. امید است که کمک خوبی برای مربیان و روحانیون عزیز در کلاس‌ها و جلسات باشد.

از آنجا که قرآن، سیره و روایات اهل بیت علیهم‌السلام، یادگار پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و منبع اصلی متون ما محسوب می‌شوند؛ بنابراین دروس در دو بخش گلستان عترت (۱۲ درس) و بوستان قرآن (۱۸ درس) آماده شده‌اند.

عناوین دروس نیز به اقتضای مناسبت‌ها و تناسب سنی مخاطبین انتخاب شده‌اند.

از ویژگی‌های این دروس انطباق با روش‌های کلاس‌داری است؛ به گونه‌ای که هر درس از بخش‌های ذیل تشکیل شده است:

الف) شعر شروع؛

ب) ایجاد انگیزه؛

ج) متن اصلی درس با استفاده از روش‌های تقسیم، توجیه، تحلیل و توضیح؛

د) تنوع و رفع خستگی؛

ه) تکلیف؛

و) دعای پایانی.

نکات مهم:

۱. از آنجا که متن آماده شده، متن درسی نیست که در اختیار مخاطبان قرار گیرد و فقط در دست مبلغین محترم قرار می‌گیرد، زبان متن، زبان نوجوانی و کودکی نیست. تنها بخش شروع، تنوع، تکلیف و دعا که برای مخاطب گفته می‌شود، به زبان مخاطب آورده شده است.

۲. در این ره‌توشه سعی شده خلاقیت مربی مد نظر قرار گیرد؛ بنابراین مبلغین محترم متناسب با فرهنگ‌ها، سطح علمی و مذهبی مخاطبان، چینش محتوا و ادبیات نوجوان را تغییر دهند.

۳. دروسی که در بوستان قرآن قرار دارد، با آیه‌ای متناسب با متن شروع شده است که مربیان می‌توانند با صوت زیبا این آیات را بخوانند و فضای کلاس را قرآنی نمایند.

۴. در انجام تکالیف سعی شده خانواده‌ها نیز دخیل باشند تا افزون بر همکاری خانواده‌ها در تربیت دینی کودکان، فضای منازل مخاطبین نیز درگیر مسائل دینی گردد؛ بنابراین نقش والدین مورد تأکید قرار گیرد.

در پایان بر خود لازم می‌دانیم که از مسؤولین و اساتید خود در مرکز آموزش‌های تخصصی تبلیغ و حوزه علمیه سفیران هدایت کمال تشکر و قدردانی را داشته باشیم. امید است با کمک‌های فکری خود زمینه را برای ترویج و نهادینه کردن فرهنگ دینی در کشور فراهم سازید.

مؤلفین

بهار ۹۱

گلستان عترت

مناسبت های ماه شعبان

کوچه باغ اول: بوی سیب

به نام خداوند رنگین کمان
خدای من و تو، خدای جهان
خدای مکان و خدای زمان
خداوند بخشنده مهربان

ستایش خدا را که در گلستان زیبای زندگی کوچه باغی آفرید که هر گوشه‌اش را بنگریم، مهر و محبت او در آن شکوفا گشته و بوی عطر سیب کربلایش انسان را مدهوش ساخته است.

ایجاد انگیزه

روزی پیامبر اسلام ﷺ در راه کودکی را دیدند. آن کودک را در آغوش گرفتند و او را مورد مهر و محبت خود قرار دادند. یاران رسول خدا دلیل این مهر و محبت را سؤال کردند. حضرت فرمودند: من او را دوست دارم؛ زیرا او حسین را دوست دارد. خودم دیدم که او خاک زیر پای حسینم را برداشت و بر چهره‌اش گذاشت. الان جبرئیل به من خبر داد او از یاران حسین در کربلا خواهد بود.^۱

راستی اگر ما اکنون و پس از سال‌ها، امام حسین علیه السلام را دوست داشته باشیم، برای زیارت آن حضرت مشتاق باشیم و در ایام ولادت آن حضرت مراسم جشن برپا کنیم، پیامبر اسلام ما را دوست خواهد داشت؟

آیا ما از دوستان امام حسین علیه السلام هستیم؟

برای نشان دادن محبت خود به امام حسین علیه السلام باید اعمال و رفتار ما شبیه و مانند رفتار آن حضرت باشد. رفتار آن حضرت با بزرگترها و برادران و خواهران خود می‌تواند به ما شیوه صحیح زندگی را نشان دهد.

۱. مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۴۴، ص ۲۴۲.

متن

*** امام حسین علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم**

قال رسول الله: نور عینی حسین منی انا من حسینی

در محبت امام حسین علیه السلام نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همین بس که تمام هستی و خانواده‌اش را برای زنده نگه‌داشتن سنت رسول خدا فدا کرد و برای هدایت امت پیامبر به شهادت رسید. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز نسبت به امام حسین علیه السلام محبت خاصی داشتند و از ایشان با تعبیر مختلفی؛ مثل «یکی از جوانان بهشت»، «گل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»، «محبوب من»، «فرزندم» و... یاد کرده‌اند و نهایت محبت خویش را به آن حضرت بدین وسیله بیان کرده‌اند: «يَا بُنَيَّ إِنَّكَ لَكَبِيءٌ طُوبَى لِمَنْ أَحَبَّكَ وَ أَحَبَّ ذُرِّيَّتَكَ»: ای پسر، تو جگرگوشه منی. خوشا به حال آن که تو را و ذریه تو را دوست بدارد.

امام حسین و امام حسن علیهما السلام

*** امام حسن و امام حسین علیهما السلام مصداق کامل ادب بودند.**

وقتی امام حسن در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌خواستند پدر بزرگوارشان را صدا بزنند، با تعبیر «یا اباالحسین» صدا می‌کردند و امام حسین علیه السلام آن حضرت را «اباالحسن» می‌خواندند و هر دو رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را پدر صدا می‌کردند؛ اما چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رحلت کردند، آن دو بزرگوار علی علیه السلام را پدر خواندند.

*** همکاری برادرانه در آموزش وضو**

در دوران کودکی روزی امام حسن و امام حسین علیهما السلام دیدند که پیرمردی وضو می‌گیرد؛ اما وضوی او اشکال دارد. برای آنکه او را متوجه اشتباه خود کنند و در عین حال به گونه‌ای این کار را انجام دهند که پیرمرد ناراحت نشود، هر دو جلو آمدند و به پیرمرد گفتند: «تو بین ما قضاوت کن که کدام یک از ما دو نفر وضویمان کامل است». آن گاه هر دو شروع به وضوگرفتن کردند. وقتی وضوی آن دو تمام شد، پیرمرد متوجه اشتباه خود شد و رو به آن دو کرد و گفت: «وضوی هر دوی شما کامل است و وضوی من درست نبود. اکنون شیوه صحیح وضوگرفتن را از شما بزرگواران آموختم».

آیا شما نیز می‌توانید وضوی صحیح و درست را آموزش دهید؟

امام حسین علیه السلام و حضرت زینب سلام الله علیها

رابطه امام حسین و خواهرشان حضرت زینب بسیار زیبا و جالب است. علاقه و محبت آن دو از همان ابتدای تولد حضرت زینب علیها السلام تا آخرین لحظات جدایی آنان در کربلا ادامه پیدا کرد.

حضرت زینب علیها السلام هنگام تولد چشمان خود را بسته بود و تنها زمانی که در بغل و دامن امام حسین علیه السلام قرار گرفتند، چشمان خود را باز کرد. بعدها نیز از یکدیگر بیش از سه روز جدا نشدند و در کربلا نیز همراه یکدیگر بودند.

* برخی از ویژگی‌های امام حسین علیه السلام که در کسی دیگر وجود ندارد:

۱. کسی که یک قطره اشک برای امام حسین علیه السلام بریزد، خداوند گناهان او را می‌بخشد.
۲. خوردن خاک حرام است، مگر خوردن خاک و تربت امام حسین به نیت تبرک.
۳. پیش از دفن امام حسین علیه السلام در خاک کربلا، پیامبران برای زیارت می‌آمدند.
۴. نه امام از نسل ایشان هستند.
۵. امام حسین بهترین مریبان را دارد.

شما می‌توانید مریبان امام حسین علیه السلام را نام ببرید؟

* روزی حسین علیه السلام مشغول بازی بود و پیامبر صلی الله علیه و آله گوشه‌ای نشسته بودند و با لذت به بازی ایشان نگاه می‌کردند. بعد از چند لحظه حسین علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: پدر بزرگ! من چیزهایی دارم که شما ندارید.

پیامبر صلی الله علیه و آله با کنجکاوی پرسیدند: حسین جان! شما چه چیزهایی داری که من ندارم. حسین علیه السلام فرمود: من یک پدر بزرگ خوب مثل شما دارم که شما ندارید. من یک پدر خوب مثل علی علیه السلام دارم که شما ندارید. من یک مادر خوب مثل فاطمه علیها السلام دارم که شما ندارید. اشک در چشمان پیامبر صلی الله علیه و آله حلقه زد، لحظه‌ای مکث کردند و سپس فرمودند: آری حسینم، خانواده و اصل و نسبی که تو داری، هیچ کس ندارد.

۶. استجابت دعا در حرم امام علیه السلام:

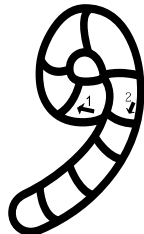
محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى عَوَّضَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ مِنْ قَتْلِهِ أَنْ جَعَلَ الْأَمَامَةَ فِي نَسْلِهِ (ذُرِّيَّتِهِ)، وَالشَّفَاءَ فِي تَرْبَتِهِ، وَاجَابَةَ الدُّعَاءِ عِنْدَ قَبْرِهِ»: خداوند متعال در عوض شهادت امام حسین علیه السلام، امامت را در نسل او و شفا را در تربت او و اجابت دعا را در نزد قبر او قرار داد.

تنوع: (جدولی به شکل کلمه وضو طراحی گردد)

بچه‌ها خوب می‌دانیم که در وضو:

۱. جای مسح سر و پاها باید..... باشد.(خشک)

۲. برای خواندن وضو می‌گیریم.(نماز)



۳. وضو را باطل می کند. (خواب)
 ۴. مسواک زدن قبل از وضو..... است. (مستحب)
 ۵. جای مسح سر و پاها نباید باشد. (خیس)
 ۶. اگر کسی دستش بشکند، برای نماز باید وضوی..... بگیرد. (جبیره‌ای)

شد زنده اسلام از نور حسین
 بقیة الله چشم تو روشن
 حافظ دین خدا، آمد خوش آمد
 که کرده طلوع، نور حسینی
 آمد به دنیا، افتخار دین
 فرزند حسین آمد خوش آمد
 بقیة الله، چشم تو روشن
 از ولادتِ فخرِ عابدان
 حضرت عباس، یاور حسین
 بقیة الله، چشم تو روشن
 تبریک به شیعه، مژده به مولا
 تبریک به پاسدار، مژده به سرباز
 با هم گردیده، این سه ولادت
 بقیة الله، چشم تو روشن

آمد به دنیا، حضرت حسین
 عالم هستی گردیده روشن
 شهید کربلا آمد، خوش آمد
 تبریک به روح پاک خمینی
 ماه چارم، زین العابدین
 سید سجاد، آمد خوش آمد
 عالم هستی، گردیده روشن
 تبریک به شما ای آزادگان
 آمد به دنیا، نور عالمین
 عالم هستی، گردیده روشن
 تبریک با حمد مژده به زهرا
 تبریک به شهید، مژده به جانباز
 تبریک به رهبر، مژده به امت
 عالم هستی گردیده روشن

دعا

الهی بحق الحسین، اشف صدر الحسین، بظهور الحجة.
 خداوندا به حق امام حسین، با ظهور امام زمان سینه امام حسین علیه السلام را شفا ده.

تکلیف

۱. در مقابل پدر و مادر خود وضو بگیرد.
۲. سعی کنید برای برادر و یا خواهر خود کار نیکی را انجام دهید و به آنها احترام کنید.
۳. ارادت قلبی خود را نسبت به امام حسین علیه السلام در جمله‌ای کوتاه بیان کنید؟

کوچه باغ دوم: بوی گل یاس

ز شب‌نم لاله‌ها را آبرو داد

به نام آن‌که گل را رنگ و بو داد

ایجاد انگیزه:

چرخ‌های هواپیما از باند فرودگاه جدا شد و کم‌کم اوج گرفت و مشهد را به مقصد تهران ترک کرد. در انتهای مسیر پرواز وقتی هواپیما به تهران نزدیک می‌شد، چراغ «لطفاً» کمربنده را ببندید» روشن شد و همه کمربندها را بستند؛ ولی لحظه‌ای بعد بلندگوی هواپیما با دعوت مسافران به رعایت خونسردی، اعلام کرد به دلیل نقص فنی چرخ‌های هواپیما باز نمی‌شود. سپس مسافران را به آمادگی برای سقوط احتمالی و خروج از پنجره اضطراری دعوت کرد.

به برج مراقبت فرودگاه نیز اعلام شده بود تا تدابیر لازم برای مواجهه با سقوط هواپیما و انفجار آن را به کار گیرند. همه مسافران مشغول گریه و توسل بودند؛ ولی فریاد یک ارمنی با لهجه خاص، همه را به خود آورد. او فریاد می‌زد: «ای ابوالفضل مسلمان‌ها! کمک کن که چرخ‌های هواپیما باز شود! ما را نجات بده!» از ناله این فرد ارمنی که خالی از هر گونه ریا و تظاهر بود، شوری در دل همه مسافران افتاد و لحظه‌ای بعد، از اتاق خلبان به همه اطلاع دادند که چرخ‌های هواپیما باز شده‌اند و هواپیما با سلامت کامل، همه سرنشینان را خود را در باند فرودگاه تهران بر زمین نشانده.^۱

متن

در تاریخ تشیع بزرگ‌مردانی جلوه می‌کنند که هرچند مقام معصومان را ندارند؛ ولی در بسیاری از ویژگی‌ها پیرو آنان هستند.

۱. دکتر غلامرضا باهر؛ ریاست بیمارستان آیت‌الله گلپایگانی قم، برگرفته از: چهره درخشان قمر بنی هاشم؛ ص ۵۳۱.

در این میان حضرت ابوالفضل علیه السلام جایگاه والایی دارند که زبان توان بیان آن را ندارد. ایشان ویژگی‌های نیک را از پدر و مادر به ارث برده و در مکتب سه امام بزرگوار پرورش یافته است. واژگان شجاعت، دانش، وفا و ادب و ... با نام ایشان معنا می‌یابند.

۱. شجاعت

در مکتب اسلام شجاعت فقط به قوت بدنی تفسیر نمی‌شود. در کتب حدیث آمده است رسول اکرم صلی الله علیه و آله هنگامی که در مدینه از مکانی عبور می‌کردند، جمعی از جوانان مسلمان را دیدند در حالی که سنگی را به علامت وزنه‌برداری برمی‌داشتند و با این قلمه سنگ بزرگ، وزنه‌برداری می‌کردند. هر یک از آنها تلاش می‌کرد تا سنگ را بیشتر بالا ببرد. پیغمبر اکرم آنجا ایستادند و فرمودند: آیا دلتان می‌خواهد من داور این مسابقه باشم؟ همه خوشحال شدند و گفتند: چه از این بهتر، یا رسول الله! شما داور مسابقه باشید و حکم کنید کدام یک از ما قوی‌تر و زورمندتریم. فرمود: بسیار خوب، من داور می‌شوم. احتیاج ندارد سنگ را بردارید! هنوز سنگ را برنداشته‌اید، من معیاری به دست شما می‌دهم که کدام یک از شما قوی‌تر هستید. پرسیدند: کدام یک قوی‌تر هستیم؟ فرمود: آن کسی که نفسش او را به سوی معصیتی ترغیب کند و در او میل یک معصیت باشد و در مقابل این میل ایستادگی کند؛ اینکه انسان از چیزی خوشش بیاید و گناه و معصیت باشد؛ ولی در مقابل نفس خود ایستادگی کند.^۱

باز پیغمبر فرمود: «أَشَجَّ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ»^۲: از همه مردم شجاع‌تر و دلاورتر و دلیرتر آن کسی است که بر هوای نفس خود پیروز شود.

حضرت عباس علیه السلام شجاعت را از پدر به ارث برده است. در کربلا، امام حسین علیه السلام شجاعت حضرت ابوالفضل را با جمله‌ای کوتاه، تفسیری بلند فرمود. آن‌گاه که با دیدن بدن غرقه به خون برادر فرمود: چشم‌هایی که دیشب از ترس تو نخواهیدند، امشب به خواب خواهند رفت.^۳ و در زیارتنامه حضرت می‌خوانیم: السلام علیک یا عبدالصالح المطیع لله؛ حضرت ابوالفضل مصداق بنده صالح و مطیع خداست.

۲. دانش و بینش

حضرت عباس علیه السلام در عرصه دانایی و معرفت، شخصیت برجسته‌ای است. درباره دانش

او گفته شده است: وَقَدْ كَانَ مِنْ فُقَهَاءِ أَوْلَادِ الْأَئِمَّةِ.^۴

۱. مجموعه آثار استاد شهید مطهری؛ ج ۲۳، ص ۲۷۲.

۲. مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۷۰، ص ۷۶.

۳. حائری مازندرانی؛ معالی السبطين؛ ج ۱، ص ۴۴۳.

۴. مامقانی؛ تنقیح المقال؛ ج ۲، ص ۱۲۸.

عباس علیه السلام زلال معرفت را جرعه جرعه از دست ساقی کوثر، علی علیه السلام نوشیده و به بینشی ژرف رسیده بود. هنگامی که هنوز بیشتر از پنج بهار را ندیده بود، روزی بر زانوی پدر نشسته، درس معرفت می‌گرفت. پدر به او شماردن را می‌آموزد و می‌فرماید: فرزندم! بگو یک. عباس علیه السلام می‌شمارد. پدر می‌گوید: بگو دو! پاسخ عباس علیه السلام از مفهوم شمارش بسیار عمیق‌تر است. در پاسخ می‌گوید: پدر خجالت می‌کشم با زبانی که یکتایی پروردگرم را ستوده‌ام و او را یکتا شمرده‌ام، بگویم دو! پدر دست تحسین بر سر کودک خود می‌کشد و چشمان او را می‌بوسد.^۱

این‌گونه است که امام صادق علیه السلام فرمود: «كَانَ عُمْنًا الْعَبَّاسُ نَافِذَ الْبَصِيرَةِ»^۲: عموی ما عباس بینشی ژرف داشته‌است.

۳. ادب

یکی از ارزش‌های والای انسانی و اسلامی، رعایت ادب و فروتنی نسبت به افرادی است که در مقایسه با انسان دارای برتری باشند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام به این ارزش والا بسیار سفارش می‌کرد و فرموده است: «لَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ»^۳: هیچ میراثی گران‌بهرتر از ادب نیست.

حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام در طول عمر خود هرگز برادرانش را به اسم یا کنیه صدا نمی‌زد، بلکه با تعبیرهایی مؤدبانه؛ مانند فرزند پیامبر خدا، مولای من و سرور من جایگاه بلند ایشان را پاس می‌داشت و مانند دیگر دوست‌داران بدون در نظر گرفتن برادری خویش، آنان را مورد خطاب قرار می‌داد. وی هرگز بدون اجازه در محضر امام حسین علیه السلام نمی‌نشست و پس از اجازه گرفتن نیز بسیار فروتنانه - به صورت دو زانو - در گوشه‌ای می‌نشست.^۴

شما چگونه در کنار پدر و مادر می‌نشینید؟ و چگونه آنها را صدا می‌زنید؟

شعر

علی را اشجع الناس آفریدند
یکی کردند و عباس آفریدند

برای باغبان یاس آفریدند
وفاداری و مردی و شجاعت

۱. ذبیح الله محلاتی؛ ریاحین الشریعة؛ ص ۳، ج ۵۴.

۲. اعیان الشیعة، ج ۷، ص ۴۳۰.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳.

۴. معالی السبطين، ج ۱، ص ۴۴۳.

تنوع

شناسنامه گل یاس

نام:.....

لقب‌های معروف:

کنیه:.....

پدر و مادر:

زمان و مکان ولادت:

زمان و مکان شهادت:

مدت عمر:

آرامگاه:.....

قاتل:

دعا

خیلی اشکش را توی چشمش نگه می‌داشت، همسرش فقط یک‌بار گریه‌اش را دید. وقتی امام رحلت کرد، دوستش می‌گفت: « ما که توی نماز قنوت می‌گیریم، از خدا می‌خواهیم خیر دنیا و آخرت را به ما اعطا کند و یا هر حاجت دیگری که برای خودمان باشد؛ اما صیاد شیرازی تو قنوتش هیچ چیزی برای خودش نمی‌خواست. بارها می‌شنیدم که می‌گفت: «اللهم احفظ قاعدنا الخامنه‌ای»؛ بلند هم می‌گفت از ته دل.

تکلیف

۱. اگر به زیارت حضرت عباس علیه السلام بروید، از ایشان چه چیزی درخواست می‌کنید؟
۲. از بزرگ‌ترهای خود بخواهید تا کرامتی از قمرینی‌هاشم برای شما بیان کنند.
۳. متن را حفظ کنید و به کمک بزرگ‌ترها یک قطعه شعر زیبا در مورد حضرت ابوالفضل بنویسید.

کوچه باغ سوم: زینت گلستان

به نام آنکه دلها خانه اوست دل پروانهها کاشانه اوست

ایجاد انگیزه:

در مدینه قحطی و خشکسالی شده بود و مردم به صحرا و بیابان می‌رفتند. دعا می‌کردند و نماز می‌خواندند. می‌گویند من غلامی را در خلوت و تنهایی دیدم که نماز می‌خواند و عبادت می‌کرد. از خشوع و گریه‌ای که می‌کرد و مناجاتی که با حق داشت و از دعائی که کرد، بارانی آمد که مجذوب او شدم و شک نکردم که آمدن باران، از دعا و نماز او بوده است. به دنبالش به راه افتادم و با خود گفتم هر طور هست من باید صاحب این غلام شوم و صاحب او شوم؛ برای اینکه غلام او باشم. به تعقیب او پرداختم، آمد و به خانه امام زین‌العابدین علیه السلام وارد شد. می‌گوید: خدمت حضرت سجاد علیه السلام رفتم و گفتم: آقا شما یک غلامی دارید، من این غلام را می‌خواهم از شما بخرم، نه برای اینکه غلام من باشد، می‌خواهم من خدمت‌گزار او باشم، منت‌گذارید و او را به من بفروش. حضرت فرمود: آن را به تو می‌بخشم. آن غلام را حاضر می‌کنند. حضرت می‌فرمایند: ای غلام، این شخص مالک تو است. غلام یک نگاه حسرت‌باری به او کرد و گفت: تو که بودی که آمدی و مرا از مولایم جدا کردی؟

می‌گوید: من به او گفتم قربان تو، من تو را نگرفتم برای این که خدمت‌گزار خودم قرار بدهم؛ من تو را گرفتم برای اینکه خدمت‌گزار تو باشم برای اینکه من در تو چیزی دیدم که در کسی دیگر ندیده‌ام، من جز برای اینکه خدمت‌گزار باشم، هیچ قصد و غرضی نداشتم. من می‌خواهم از محضر تو استفاده بکنم و بهره ببرم. بعد جریان را به او گفت: اما او شیرینی مناجات با خدا را با هیچ چیزی عوض نکرد.^۱
آری او غلامی از غلامان سید الساجدین، امام زین‌العابدین علیه السلام بود که در مقام دعا و مناجات این چنین گوی سبقت را از دیگران ربوده بود.

۱. شهید مطهری؛ داستان راستان.

متن

امام سجاد علیه السلام در ماه شعبان سال ۳۸ هجری به دنیا آمدند. پدر بزرگوارشان نام زیبایی "علی" را برای ایشان برگزید تا یاد و نام جد بزرگوارشان امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خاطره‌ها زنده بماند و فرزند گرامیشان امام باقر علیه السلام در وصف ایشان چنین فرمودند:

«پدرم هیچ‌یک از نعمت‌های الهی را یاد نمی‌کرد، مگر آنکه سر به سجده می‌نهاد. هیچ حادثه ناگواری از او رد نمی‌شد، جز آنکه سجده می‌کرد. هیچ نیرنگ حيله‌گری از او دفع نمی‌گردید، مگر آنکه سر به سجده می‌نهاد. از هیچ نماز واجبی فراغت نمی‌یافت، مگر اینکه به سجده می‌رفت. هرگز موفق به اصلاح و آشتی بین دو نفر نمی‌شد، جز آنکه سجده شکر به جای می‌آورد. نشانه‌های سجود در تمام اندام سجده‌اش آشکار بود. از این رو ایشان را «سجاد» نامیدند»^۱.

امام سجاد علیه السلام در زمانی که دشمنان محراب را با خون اولیای خدا گلگون می‌ساختند و حق‌گویان برخاسته از محراب را مورد سخت‌ترین آزارها قرار می‌دادند از محراب نیایش، مکتبی سرشار از آموزش و پرورش پدید آوردند و نجوهای پنهانیش را رساتر از هر فریاد به گوش غفلت‌زدگان و راه‌گم‌کردگان زمانش و نیز فرزندان آینده اسلام رساند.

دعاهای حضرت سیدالسادین علیه السلام در مجموعه‌های ارزشمندی همچون: صحیفه سجادیه، مناجات خمسه عشر، دعای ابوحمزه ثمالی، نیایش‌های روزانه و... گرد آمده است. صحیفه سجادیه که از ارزنده‌ترین آثار اسلامی است، دربردارنده ۵۷ دعا است که مشتمل بر دقیق‌ترین مسائل توحیدی، عبادی، اجتماعی و اخلاقی است و به آن زبور آل محمد صلی الله علیه و آله نیز می‌گویند.

مهم‌ترین نکته‌ای که در نیایش‌های امام سجاد علیه السلام جلب توجه می‌کند، اهتمام آن حضرت به صلوات بر محمد و آل اوست. صلوات بر محمد و آل محمد، بیش از تمام دعاها در صحیفه سجادیه تکرار می‌شود، به گونه‌ای که اکثر موارد در صدر و ذیل و متن دعا، بارها این دعای مستجاب بیان می‌شود و دیگر حاجات و نیازهای انسان، در جوار آن درخواست می‌گردد.

کشف ویروس وبا

رابرت کخ پزشک آلمانی برای اولین بار در سال ۱۸۸۳ میلادی باکتری وبا را جداسازی و شناسایی کرد. این باکتری ۳۰ سال پیش از آن، به دست کالبدشناس ایتالیایی فیلیپ

۱. شیخ صدوق؛ *علل الشرایع*؛ ج ۱، ص ۲۳۳.

پاسینی جدا و شناسایی شده بود؛ ولی نتایج کارهای وی ناشناخته بود. جان اسنو و رابرت کخ نتیجه آزمایش‌های پیشین پاسینی را نمی‌دانستند و برای این کشف سرشناس شدند. کشف محل رشد ویروس و عامل انتقال ویروس مدت‌ها نامعلوم بود و برای کشف آن عوامل مختلفی چون خاک و هوا و ... بررسی شده بود؛ اما مدت‌ها قبل در صحیفه سجادیه، دعای ۲۷ در قطعه دوازده، به صراحت به ارتباط بین آب و وبا اشاره شده است.

«وامزج میاهم بالوباء و اطعمتهم بالأدواء»: خدایا آب‌های آنان را به وبا آلوده کن و غذای آنان را با درد مخلوط کن.

تنوع

گلی از گلستان احکام

طهارت	ط	مقدمات نماز
برطرف کردن عین نجاست	ب	
ستر عورت	س	
وقت‌شناسی	و	
قبله‌شناسی	ق	
مکان‌شناسی	م	

دعا

حضرت سجاد علیه السلام وقتی به فقیری چیزی می‌داد، دست خودش را می‌بوسید و در برخی روایات گاهی دست سائل را می‌بوسید. وقتی از ایشان می‌پرسیدند، می‌فرمود: مگر نه اینکه خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: «وهو یاخذ الصدقات»: و خداست که صدقه‌ها را می‌گیرد. ظاهرش دست سائل یا گیرنده است، حقیقتش خدا می‌گیرد، این دست متبرک شد؛ بنابراین دستم را می‌بوسم که این خیر با این دست جاری شد.

خدایا به ما توفیق بده تا به نیازمندان کمک کنیم و به آنها احترام بگذاریم.

تکلیف

۱. چند لقب از القاب امام سجاد علیه السلام را نام ببرید؟
۲. از زبان کبوتران قبرستان بقیع به کبوتران حرم امام رضا نامه‌ای کوتاه بنویسید.

کوچه باغ چهارم: ۷۲ گل

به نام خدای بزرگ که پروانه را آفرید
به روی دو بال او خط و خال زیبا کشید
خدایی که با یاد او لب غنچه‌ها باز شد
نوک زرد بلبل از او پر از شعر و آواز شد

سپاس خدای را که در این جهان پرپیچ و خم، امامانی بس مهربان و فداکار برایمان فرستاد تا در سراسییبی و سربلندی روزگار همراه و همدم ما باشند.

ایجاد انگیزه:

پیامبر اسلام در مدت رسالت خود بسیار زحمت کشیدند. قرآن مجید در چند جا از زحمت بیش از اندازه پیامبر تمجید می‌کند:

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ»^۱ هر آینه پیغمبری از خودتان به سوی شما آمده است که زیان‌کاری شما بر او گران می‌آید و او بر هدایت شما علاقه‌ای شدید دارد و عطوفت و محبتش نسبت به مؤمنان عظیم است.

«مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى»؛ یعنی ای طه! یا ای ماه شب چهارده! ای محمد! ما فرو فرستادیم بر تو قرآن را، برای آنکه تو در رنج افتی.
و آیاتی دیگر از قرآن مجید... .

۱. توبه: ۱۲۸.

در مقابل زحمات و رنج‌هایی که پیامبر در راه هدایت انسان‌ها متحمل شده‌اند، وظیفه ما چیست؟

متن:

قرآن کریم برای جبران زحمات پیامبر ﷺ محبت و مودت به اهل بیت را معرفی می‌کند: «قل لا استلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی»^۱. حتی اهل سنت هم طبق احادیث‌شان این نکته را قبول دارند و در شعر شافعی چنین آمده است:

«یا اهل بیت رسول الله جبکم فرض من الله فی القرآن انزله کفاکم من عظیم القدر انکم من لم یصل علیکم لا صلاة له»^۲ ای خاندان پیامبر خدا! محبت شما فرض و واجب است که در قرآن آن را نازل فرموده است. در عظمت قدر شما همین بس که هر کس در [نماز] بر شما درود و صلوات نفرستد، نمازش صحیح نیست. هر چه محبت و دل‌باختگی و ارتباط قلبی بیشتر باشد، تبعیت، هم‌رنگی، همراهی و همدلی هم بیشتر خواهد شد.

نمونه هم‌رنگی:

هفتم تیر ما را به یاد روزهای غم‌انگیز می‌اندازد. بله، این روز ما را به یاد روز عاشورا و کربلا می‌اندازد. می‌دانیم که ۷۲ تن از بهترین یاران انقلاب به همراه شهید بهشتی در این روز به شهادت رسیدند.

یاران امام حسین علیه السلام نیز ۷۲ تن بودند. چه شباهت زیبایی! شهیدان هفتم تیر نیز هدفی مثل هدف شهیدان عاشورا داشتند. آنها هم مثل شهیدان کربلا برای حفظ اسلام مبارزه می‌کردند و در این راه به شهادت رسیدند. از طرفی مانند امام حسین علیه السلام در حالی که بسیار مظلوم بودند، شهید شدند. این شباهت‌ها نشان از محبت و علاقه شدید است.

کدام یک از شما با شهید بهشتی آشنا هستید؟

شهید بهشتی مردی بود که از علم فراوانی بهره می‌برد. او به بسیاری از زبان‌های خارجی آشنایی داشت و یکی از بهترین دانشمندان انقلاب بود.

۱. شوری: ۲۳.

۲. ابن حیون؛ شرح الاخبار فی فضایل ائمه الاطهار؛ ج ۲، ص ۴۸۹.

آثار محبت اهل بیت علیهم‌السلام در روایات:

حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند:

«محبت من و اهل بیت من در هفت جا سود می‌بخشد؛ هفت جایی که هول و هراس آنها عظیم است. هنگام مرگ، در قبر، هنگام برخاستن از قبر، هنگام تحویل نامه اعمال، هنگام حسابرسی اعمال، هنگام سنجش اعمال و هنگام عبور از صراط».

* موجب از بین رفتن گناهان؛

* پاک‌سازی دل؛

* کمال دین و موجب برخورداری از شفاعت؛

* سبب نور و ایمنی در قیامت و ثبات در صراط؛

* نجات از آتش دوزخ و سبب بهشتی شدن؛

* محشور شدن با اهل بیت علیهم‌السلام.

حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این باره می‌فرمایند: «خداوند به هر کس محبت از اهل بیت مرا روزی کند، به خیر دنیا و آخرت رسیده و بی‌شک اهل بهشت است».

نشانه‌های محبت به اهل بیت:

۱. نام ائمه اطهار علیهم‌السلام را با تکریم و احترام یاد کردن؛
۲. همراه اسم‌شان درود و صلوات فرستادن؛
۳. به زیارت حرم شریف‌شان رفتن؛
۴. به احترام نام امام زمان (عج) برخاستن و دست بر سرنهادن؛
۵. خواندن احادیث شریف آن بزرگواران؛
۶. روز میلاد ائمه علیهم‌السلام را جشن گرفتن و بزرگ‌داشتن؛
۷. روز وفات‌شان حریم نگه‌داشتن و حرف‌های خنده‌دار و برخوردهای شاد نداشتن، در غم و اندوه‌شان حالت غم‌داشتن تأثیرگذار است.

این حالات خصلت شیعه است

«شِبَعْتُنَا خُلِقُوا مِنْ فَاضِلِ طِينَتِنَا، يَفْرَحُونَ لَفَرْحِنَا وَ يَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا»: شیعیان ما را از اضافه سرشت ما آفریده شده‌اند. با شادی ما شاد می‌شوند و برای اندوه ما اندوهگین می‌شوند.

تنوع: (هم خوانی)

پیامبر خوب ما نور خدا محمد
چراغ راه مردم، رهبر ما محمد
ما دوستان همیشه گوییم یا محمد
ما پیرو تو هستیم، صلی علی محمد
ما دوستان همیشه، گوییم یا محمد
قلب تو پاک و روشن، از نور دین و ایمان
یار نگهدار تو، باشد خدا و قرآن
بگو تو یا محمد، صلوات بر محمد

دعا:

خدای خوب و مهربان، ما را از دوستداران اهل بیت پیامبر خودت قرار بده و ما را در زندگی و آخرت هم‌رنگ اهل بیت قرار بده.

تکلیف:

۱. چند نمونه دیگر از کارهایی که می‌توانیم برای نشان‌دادن محبت به اهل بیت انجام دهیم، را نام ببرید.
۲. با کمک پدر و مادر چند نمونه از آثار صلوات را که در روایات بیان شده بنویسید.

کوچه باغ پنجم: گل های سرخ

هست بسم الله الرحمن الرحيم نقطه توحید و خط مستقیم

(در آغاز این درس سوره حمد به صورت همخوانی تلاوت می گردد)

ما سوره حمد را در طول روز در نماز چند بار تکرار می کنیم؟

سوره حمد اولین سوره قرآن و تنها سوره ایست که نیمی از آن صحبت خدا با بندگانش و نیمه دوم آن صحبت بندگان با خداوند متعال است. یکی از این دعاها: « اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ »^۱ است.

معنای این آیات چیست؟

کسانی که نعمت های الهی به آنان رسیده، چه کسانی هستند؟

خداوند متعال خود جواب می دهد: « وَ مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلِيَكَ رَفِيقًا »^۲ کسانی که خدا و پیغمبرش را اطاعت نمایند، همراه با اشخاصی هستند که پروردگار نعمت خود را به آنان مرحمت فرموده است؛ یعنی پیغمبران، درست کاران، شهیدان و نیکان، آنان چه خوب دوستان و همراهانی هستند.

پس راه راست، راه چهار گروه از انسان هاست: ۱. پیامبران ۲.

چهارمین گروه از کسانی که راه مستقیم را طی کرده اند، شهدا هستند که می توانند

برای ما بهترین دوست و رفیق باشند.

۱. فاتحه: ۶-۷.

۲. نساء: ۶۹.

اما چگونه با شهدا دوست شویم؟

متن:

* همراه با شهدای محراب

در یک روز گرم کویری ناگهان رادیوی جمهوری اسلامی ایران خبری غمناک را چنین اعلام می‌کند:

«ساعت ۱/۵ بعدازظهر امروز (جمعه یازدهم تیر ماه ۱۳۶۱) عالم ربانی، مجاهد خستگی ناپذیر، آیت‌الله صدوقی، یار امام امت و نماینده امام و امام جمعه یزد با دهان روزه، در محراب نماز به شهادت رسید...».

آری، چند لحظه پس از پایان نماز جمعه با زبان روزه در سن ۷۵ سالگی، به فیض شهادت نائل گشت و بدین‌سان دفتر عمر سراسر زهد و تلاش او بسته شد.^۱

* آخرین نماز:

زمان به سرعت می‌گذشت و موقع نماز ظهر فرا رسید. برای خواندن نماز، بچه‌ها خودشان را آماده می‌کردند که ناگهان یکی از رزمندگان متوجه یک نوجوان شانزده‌ساله بسیجی می‌شود که به شدت می‌لرزد. او می‌گوید: ابتدا فکر کردم که بر اثر اصابت گلوله توپ موجی شده است؛ اما کمی جلوتر که رفتم، دیدم تمام پهنای صورتش خیس است و در حال خواندن نماز است. مدتی به چهره‌اش خیره شدم. به نظرم خیلی بزرگ‌تر از سن و سال خود نشان می‌داد تا به حال کسی را در این حالت ندیده بودم. او پس از خواندن نماز با حالتی مصمم به سمت خاکریز سنگر خود رفت، در چشمانش چیزی بود که من را مجذوب خود ساخته بود. در حال دورشدن از او بودم که ناگهان صدای سوت خمپاره‌ای را از پشت سر شنیدم، خمپاره درست کنار رزمنده نوجوان بسیجی به زمین خورد و زمانی که به بالای سرش رسیدم داشت ذکر یا حسین یا حسین علیه السلام می‌گفت.^۲

چه نقطه اشتراکی در این دو خاطره وجود دارد؟

قبول هر عبادت در گرو نماز است **یگانه راه راستین اقامه نماز است**

آری در هر دو خاطره اهمیت نماز نشان داده شده و نشان می‌دهد یکی از اهداف شهدا از مجاهدت در راه خدا، برپایی نماز است.

۱. سید محمد مکی؛ یادواره سومین شهید محراب آیت‌الله صدوقی؛ ص ۴.
۲. داستان معنوی؛ ص ۳۱۳۹ - ۳۱۴۰.

اگر بخواهیم با شهدا رفیق باشیم و صراط مستقیم را بپیماییم (همان راهی که تمام مسلمانان در هر جای جهان، در هر روز حداقل ده بار از خداوند متعال هدایت به آن راه را می‌خواهند) باید اهل بیت پیامبر را دوست داشته باشیم و از دستورات و احکام دین پیروی کنیم و به عبارتی دیگر شیعه واقعی باشیم. مهم‌ترین نشانه شیعیان واقعی اقامه نماز است.

شیعیان واقعی پادشاهایی دارند از جمله:

۱. همنشینی با اهل بیت علیهم‌السلام

علی علیه‌السلام فرمود: «هر که ما را دوست بدارد، در روز قیامت با ما خواهد بود و اگر کسی سنگی را دوست داشته باشد، خداوند او را با آن محشور خواهد کرد»^۱.

۲. رسیدن به بهترین جای بهشت

آن بزرگوار فرمود: «اهل بهشت به منازل شیعیان ما [در بالاترین درجات آن] نگاه می‌کنند؛ همان طوری که انسان به ستارگان می‌نگرد»^۲.

۳. قبولی کارهای نیک

اگر انسان تمام کارهای خیر و اعمال نیک را انجام داده و واجبات الهی را به جای آورد؛ اما از اهل بیت و ولایت و محبت آنان دور باشد، هیچ‌یک از اعمال و نیکی‌های او ثمره‌ای نخواهد داشت.

امیرمؤمنان علیه‌السلام فرمود: «هر کس ما اهل بیت را دوست داشته باشد، ایمان او مفید بوده و اعمالش مورد پذیرش قرار خواهد گرفت؛ اما اگر کسی محبت ما اهل بیت را در دل نداشته باشد، از ایمان خویش بی‌بهره بوده و کارهای نیک و اعمال دینی او مقبول نخواهد بود؛ گرچه روزها روزه گرفته و شبها به عبادت بپردازد»^۳. در کلام دیگری آن بزرگوار به قنبر فرمود: «ای قنبر! به خدا قسم کسی که در دل یقین به ولایت ما خانواده داشته باشد، برای او از عبادت هزار سال بهتر است. اگر بنده‌ای هزار سال خدا را عبادت کند، خداوند عبادت او را نخواهد پذیرفت تا اینکه ولایت ما اهل بیت را قبول داشته باشد». آن‌گاه حضرت با تأکید بر اهمیت موضوع ادامه می‌دهد: «اگر بنده‌ای هزار سال خداوند را عبادت کند و اعمال نیک هفتاد و دو پیامبر را هم به جا آورد، خداوند از او نخواهد پذیرفت تا

۱. مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۷۴، ص ۳۸۳.

۲. مجلسی؛ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۸، ص: ۱۴۸.

۳. صفار؛ بصائر الدرجات؛ ص ۳۶۴.

اینکه ولایت ما را بپذیرد و گرنه خداوند او را به صورت به جهنم خواهد انداخت.»^۱

۴. زیباشدن و فرار از زشتی

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «از زیباترین نیکی‌ها دوستی با ما اهل بیت علیهم السلام و زشت‌ترین بدی‌ها مخالفت و دشمنی با ما است.»^۲

تنوع:

رابطه این اعداد را با نماز بیان کنید:

..... : ۲۴۴۳۴

..... : ۱۷ و ۱۱

..... : ۲۲۲۳۲

..... : ۱۷ و ۳۴

دعا:

خدایا! صدایم را بشنو، هنگامی که تو را صدا می‌زنم؛ دعایم را گوش کن، آن هنگام که تو را می‌خوانم. من با نمازهایم رو به سوی تو می‌آورم. توجهی کن تا هرگز از خانه تو نوامید برنگردم.

تکلیف:

۱. از میان شهدا برای خود رفیقی انتخاب و به او نامه بنویسید.
۲. با همکاری والدین خود نام چهارتن از شهدای محراب را بنویسید.

۱. میرزا حسین نوری؛ مستدرک؛ ج ۱، ص ۱۶۸.

۲. آمدی؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ ص ۲۱۷.

کوچه باغ ششم: دو باغبان

به نام آن که باشد مهربان تر
برای ما ز بابا و ز مادر

ایجاد انگیزه

در روز یازدهم شعبان سال سی و سوم هجرت ستاره‌ای پرفروغ در آسمان خاندان عصمت درخشان شد. این دُرّ درخشان کسی جز علی اکبر نبود که در شهر مدینه و در بیت امامت دیده به جهان گشود. حضرت امام حسین علیه السلام نام وی را علی نامید؛ اما هر کسی بر او می‌نگریست، انگشت حیرت به دندان می‌گرفت؛ زیرا گویی پیامبر صلی الله علیه و آله را نظاره‌گر است. عده‌ای از مردم مدینه که نسبت به پیامبرش شوق و علاقه داشتند، گاهی دسته دسته به منزل علی اکبر می‌رفتند و به شوق سید پیامبران او را زیارت می‌کردند. علی اکبر هم با کرامت خاصی از آنان پذیرایی می‌نمود و وسایل مهمان‌نوازی را به بهترین وجه تدارک می‌دید.^۱

اما آنچه علی اکبر علیه السلام را بزرگ و با شکوه می‌سازد، ایمان ایشان است که سبب شد جانانه در راه اسلام بجنگد و در راه اسلام به شهادت رسد.

اما آنچه علی اکبر علیه السلام به این مقام رساند، چه بود؟

یکی از دلایل جاودانه‌شدن ایشان وجود دو باغبان مهربان بوده که همواره به فکر پرورش این نوگل بوستان ولایت بوده‌اند. پدر و مادری که ایشان را تربیت نموده و در فراگیری دین به ایشان بسیار کمک کردند.

۱. علی بن الحسین الاکبر؛ محمد علی عابدین؛ ص ۴۲ و نهضت الحسین؛ علامه سید هبة الدین بغدادی؛ ص ۹۰.

راستی می‌دانید پدر و مادر حضرت علی اکبر علیه السلام چه کسانی هستند؟

در زندگی هر کدام از ما نیز باغبانانی هستند که شب و روز، زمستان و تابستان، در بیماری و سلامتی به فکر ما بوده، از ما مراقبت کردند و باعث رشد ما شده و ما را با اسلام آشنا ساخته‌اند.

حال ما در مقابل زحمات این دو باغبان مهربان چه وظیفه‌ای داریم؟

متن:

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام می‌گوید: نزد ایشان رفتم و گفتم: پسر اسماعیل، نسبت به من خوش‌رفتار است.

حضرت فرمودند: من اسماعیل را دوست داشتم؛ اما اکنون به دلیل اینکه نسبت به پدرش خوش‌رفتاری می‌کند، او را بیشتر از قبل دوست دارم.

خداوند متعال در چهار سوره قرآن مجید، بلافاصله بعد از مسئله توحید، به نیکی به والدین دستور داده است. این هم‌ردیف‌بودن، بیانگر این است که اسلام تا چه حد برای پدر و مادر احترام می‌گذارد.

۱. «... لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»^۱: غیر خدا را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید.

۲. «وَ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»^۲: و خدا را بپرستید و چیزی را با او شریک نکنید و به پدر و مادر نیکی کنید.

۳. «وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»^۳: و پروردگارت حکم کرد که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید.

۴. «أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»^۴: چیزی را با او شریک نکنید و به پدر و مادر نیکی کنید.

پاداش احترام:

۱. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: نگاه محبت‌آمیز فرزند به پدر و مادرش، عبادت است.^۵

۱. بقره: ۸۳.

۲. نساء: ۳۶.

۳. اسراء: ۲۳.

۴. انعام: ۱۵۱.

۵. میرزا حسین نوری: مستدرک الوسائل؛ ج ۹، ص ۱۵۲.

۲. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «بُرُّوا آبَاءَكُمْ يَبْرِكْكُمْ أَبْنَاءُكُمْ»^۱! به پدران‌تان نیکی کنید تا فرزندان‌تان به شما خوبی کنند.

۳. در خاطرات مقام معظم رهبری و استاد شهید مطهری است: یکی از مسائلی که باعث خیر و برکت در زندگی شده و همواره عنایت و لطف الهی را شامل حال آنان کرده، احترام و نیکی فراوانی بوده است که به والدین خود کرده‌اند، به ویژه در دوران پیری و هنگام بیماری.^۲

عواقب بی‌احترامی به پدر و مادر

۱. رد شدن نماز:

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس به پدر و مادر خویش نگاه خشمگین کند، هر چند آنان به او ستم کرده باشند، خداوند نمازش را نمی‌پذیرد».

۲. برخوردار نشدن از بوی بهشت:

امام صادق علیه السلام فرمودند: «روز قیامت پرده‌ای از پرده‌های بهشت کنار می‌رود و هر کسی بوی بهشت را [حتی] با ۵۰۰ سال فاصله استشمام می‌کند. مگر یک گروه. پرسیدند آنها کیستند؟ فرمود: کسانی که والدین خود را آزار دهند».^۳

احکام:

(الف) واجب: به دست آوردن رضایت پدر و مادر و احترام به آنان؛

(ب) حرام: گفتن سخنان زشت و برخورد با عصبانیت؛

قرآن کریم می‌فرماید: «فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أْف» به پدر و مادر خود اف هم نگوئید.

امام رضا علیه السلام فرمودند:

اگر لفظی کوتاه‌تر و سبک‌تر از «أْف» وجود داشت، خداوند آن را در این آیه می‌فرمود.

(ج) مکروه: نگاه کردن به صورت پدر و مادر در هنگام غذا خوردن.

(د) مستحب:

مشورت: در کارها با پدر و مادر خود مشورت کنیم و از آنها کمک بخواهیم.

نصیحت‌پذیری: به نصیحت‌های آنها گوش دهیم.

۱. کلینی؛ کافی؛ ج ۵، ص ۵۵۴.

۲. پاره‌ای از خورشید (گفته‌ها و ناگفته‌هایی از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری)؛ حمیدرضا سید ناصری و امیررضا ستوده؛ ص ۱۰۹، به نقل از مجتبی مطهری فرزند استاد.

۳. کلینی؛ کافی؛ ترجمه مصطفوی؛ ج ۴، ص ۴۹.

تنوع:**آداب معاشرت با پدر و مادر:**

- ۱- صدای خود را از صدای آنها نکنیم.
- ۲- از آنها ننشینیم.
- ۳- از آنها راه نرویم.
- ۴- در هنگام ملاقات با آنها، دست آنها را
۵- در نمازهای خود آنها را کنیم.
- ۶- با خواندن خوب، گوشه‌ای از زحمات آنها را پاسخ دهیم.
- ۷- بدون به محل استراحت آنها وارد نشویم.

تکلیف:

۱. امشب به دلیل قدردانی از والدین، دست پدر و مادر خود را ببوسید.
۲. درباره زندگی حضرت علی اکبر علیه السلام از بزرگ‌ترها سؤال کنید.

دعا:

خدایا صدای مرا بلندتر از پدر و مادر قرار مده! سخنم را دلنشین و قلبم را مهربان و من را با آنها خوش رفتار قرار بده! و من را از کسانی که با پدران و مادران بد رفتاری می‌کنند قرار مده.^۱

۱. دعای بیست و چهارم صحیفه سجادیه.

کوچه باغ هفتم: شکفتن آخرین گل

ز عمق جان خدایت را صدا کن
خدای مهربان از خود رضا کن
باشد که خوب گردد، پایان این بهارم

دلت را با خداوند آشنا کن
بکن هر کار را با نامش آغاز
در ابتدای کارم نام تو را بیارم

ایجاد انگیزه:

منجمان خبر از آمدن کودکی می دادند که قرار بود حکومت فرعونیان را نابود سازد. از مدت‌ها قبل برنامه‌ریزی کردند تا از تولد کودک جلوگیری کنند؛ اما به اراده الهی حضرت موسی علیه السلام متولد شد و خداوند متعال برای نشان دادن قدرت خود به فرعون و فرعونیان، موسی را در دامان فرعون قرار داد تا فرعون دشمن خود را در دامان خود پرورش دهد.

این حادثه دوباره تکرار شد؛ اما این بار به گونه‌ای دیگر:

در بین فرمانروایان و دستگاه حکومت جبار نگرانی‌هایی پدید آمد؛ چون براساس اخبار و احادیث، آنها مطلع شده بودند به زودی کودکی متولد خواهد شد که تخت و کاخ جباران و ستمگران را واژگون و عدل و داد را حکم‌فرما می‌کند و آخرین گنجینه خدا و آخرین نجات‌دهنده بشر خواهد بود.

به همین دلیل از سال‌ها قبل پدران این کودک را در محاصره قرار دادند تا از تولد این کودک جلوگیری کنند.

اما از آنجا که خدا می‌خواهد قدرت خود را به نمایش بگذارد تا آنان تولد موسی را به یاد آورند؛ در حالی که والدین این کودک در محاصره زندگی می‌کردند، کودکی چشم به جهان گشود که آینده را تغییر خواهد داد.

تولد آن حضرت از مردم مخفی نگه داشته شد و جز چند تن از نزدیکان یا شاگردان و اصحاب خاص امام حسن عسکری علیه السلام کسی او را نمی‌دید. آنان نیز گاهی ایشان را می‌دیدند، نه همیشه و به صورت عادی.

در مدت ۴ یا ۵ سال آغاز عمر حضرت که پدر بزرگوار آن حضرت حیات داشت، شیعیان خاص به حضور حضرت مهدی می‌رسیدند. از جمله چهل تن به محضر امام یازدهم رسیدند و از امام خواستند حجت و امام بعد از خود را به آنها معرفی کند تا او را بشناسند و حضرت، مهدی را به آنان نشان دادند. آنان پسری را دیدند که بیرون آمد و بسیار شبیه پدرش بود. امام عسکری علیه السلام فرمودند: «پس از من، این پسر امام شماس است امر او را اطاعت کنید، از گرد رهبری او پراکنده نگردید که هلاک می‌شوید و دینتان تباہ می‌گردد. این را هم بدانید که شما او را پس از امروز نخواهید دید تا اینکه زمانی دراز بگذرد؛ بنابراین از نایب او عثمان بن سعید اطاعت کنید. به این ترتیب امام یازدهم با تأکید بر واقع شدن غیبت کبری، امام مهدی (عج) را به جماعت شیعیان معرفی و استمرار سلسله ولایت را اعلام کرد.

متن:

عواملی که موجب شد تا غیبت واقع گردد.

اینک با استفاده از روایات معصومین علیهم السلام برخی از دلایل غیبت امام زمان (عج) را بیان می‌کنیم.

۱. حفظ جان امام زمان (عج)

امام ششم در روایتی کوتاه به این مسئله اشاره کرده، فرمودند: «إِنَّ لَلْقَائِمِ غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ إِنَّهُ يَخَافُ وَأَوْمَأَ إِلَى بَطْنِهِ يَعْنِي الْقَتْلَ»^۱ همانا برای قائم قبل از آنکه قیام فرماید، غیبتی است؛ زیرا در هراس است. و آن حضرت اشاره به شکم خود کرد؛ یعنی بیم کشته شدن دارد.

البته این به آن معنا نیست که آن حضرت از شهادت و کشته شدن در راه خدا هراس دارد؛ بلکه به این معناست که چون آخرین ذخیره الهی در زمین است و حاکمیت فراگیر و جهانی که در تمامی ادیان وعده داده شده، تنها به دست او تحقق می‌یابد؛ بنابراین بر خداوند است که به هر وسیله ممکن او را تا روز موعود حفاظت نماید و حکمت الهی نیز بر پنهان‌زیستن او تعلق گرفته است.

۲. امتحان و آزمایش انسان‌ها

یکی دیگر از حکمت‌های الهی در غیبت حضرت مهدی (عج)، امتحان و آزمایش مردم

۱. کلینی؛ کافی؛ ج ۱، ص ۳۴۰.

است و از آنجا که این نوع آزمایش به دلیل عدم حضور ظاهری امام، بسیار مشکل و طاقت فرساست؛ در تکامل انسان‌ها نقش بسیار مهمی دارد و با این آزمایش افراد لایق از نالایق جدا شده و یاران راستین حق مشخص می‌شوند. اگرچه عده فراوانی از انسان‌ها از این امتحان بزرگ سرافکنده بیرون خواهند آمد.

روشن است کسانی در این امتحان بزرگ سربلند خواهند بود که دارای مرتبه والایی از ایمان و عمل صالح باشند و کسانی که در این امور دارای نقصان باشند، بیشتر در معرض لغزش و سقوط هستند.

۳. آزادگی از بیعت با حکومت‌های گردنکش

صبحی دگر می‌آید ای شب‌زنده‌داران

از قله‌های پرغبار روزگاران

از بیکران سبز اقیانوس غیبت

می‌آید او تا ساحل چشم انتظاران

آید به گوش از آسمان، این است مهدی!

خیزد خروش از تشنگان، این است باران!

از بیشه‌زار عطرهاى تازه آید

چون سرخ گل بر اسب رهوار بهاران

آینه آیین حق ای صبح موعود!

ماییم سیمای تو را آینه‌داران

دیگر قرار بی تو ماندن نیست در دل

کی می‌شود روشن به رویت چشم یاران

تشبیه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به خورشید پشت ابر

۱. چرخش کرات و پشت کردنشان به خورشید، سبب تاریکی خودشان می‌شود؛

پشت کردن انسان‌ها به خورشید مقدس امام علیه السلام، باعث ایجاد ظلمت در زندگی مردم

می‌شود.

۲. خورشید ظاهری میکروب‌کش است و باعث رشد و نمو می‌شود؛

خورشید مقدس امام علیه السلام نیز میکروب‌های روحی و ردایل اخلاقی را از بین می‌برد.

۳. خورشید حتی در پشت ابر نیز منفعت دارد؛

امام عصر علیه السلام هم حتی در زمان غیبت برای بشریت مفید است.

۴. خورشید آسمان افزون بر کره خاکی، همه جای منظومه شمسی را دائماً روشنایی

می‌بخشد؛

- وجود مقدس امام علیه السلام همیشه فروزان است و بر همه موجودات چه در زمین و چه در کرات دیگر احاطه و افاضه دارد.
۵. خورشید همیشه پشت ابر نمی ماند؛ همچنین خورشید مقدس امام عصر علیه السلام اگر چه در غیبت هستند؛ اما همیشه از نظرها غایب نمی مانند.
۶. کسانی که در خط استوا هستند و خورشید به طور مستقیم به آنها می تابد، از نور و گرمای خورشید بیشتر بهره می برند؛ کسانی که در خط مستقیم اهل بیت علیهم السلام قرار دارند، از وجود نازنین آنها بیشتر بهره می برند.
۷. اگر خورشید ذره های فاصله اش از کره زمین بیشتر گردد، زمین یخ می زند؛ اگر امام عصر علیه السلام نباشد و از زمین فاصله گیرند، همه چیز از بین خواهد رفت (زمین اهلش را می بلعد).
۸. اگر کسی خورشید را دوست نداشته باشد، خورشید باز مهربانانه بر او می تابد؛ امام نیز رحمة للعالمین است.
۹. گاهی خورشید پشت ابر با فواید فراوان به فراموشی سپرده می شود و روزها می گذرد و ما فراموش می کنیم که خدا را به دلیل این نعمت شکر کنیم؛ وجود مقدس و مهربان امام زمان نیز گاهی به دست فراموشی سپرده می شود و فقط گاهی در جمعه ها به یاد ایشان هستیم.
۱۰. آنگاه که خورشید حتی از پشت ابر بر زمین نمی تابد، جهان در تاریکی به سر می برد و احتمال سرقت اموال وجود دارد؛ آنگاه که امام زمان در زندگی انسان ها فراموش شود، زندگی آنان با وجود خوشی ها در سیاهی و تاریکی است و احتمال سرقت نیکی ها توسط شیطان فراوان است.
۱۱. هنگامی که خورشید غروب می کند، برخی به دنبال جایگزینی برای خورشید هستند و سعی می کنند با نور لامپ های الکتریکی استفاده کنند؛ کسانی که امام زمان در زندگی آنها نیست و با امام زمان آشنا نیستند، در تاریکی به سر می برند و برای جبران آن نور، به افرادی که مدعی نبوت و امامت و یا به عرفان های کاذب گرایش پیدا می کنند.
۱۲. همه موجودات محتاج نور و گرمای خورشید هستند؛ همه مخلوقات به وجود مقدس امام عصر نیازمندند.

تنوع:

گفتگو

گفتم که: روی خوبت از من چرا نهان است؟
گفتا: تو خود حجابی ورنه رخم عیان است.
گفتم: مرا غم تو، خوشتر ز شادمانی
گفتا که: در ره ما، غم نیز شادمانست!
گفتم: فراق تا کی؟
گفتا که: تا توهستی.
گفتم: نفس همین است.
گفتا: سخن همان است.
گفتم که: حاجتی هست.
گفتا: بخواه از ما!
گفتم: غمم بیفز!.
گفتا که: رایگان است!
گفتم: ز «فیض» بپذیر این نیم جان که دارد.
گفتا: نگاه دارش، غمخانه تو جان است

دعا:

می‌کنم با نام تو ختم این کلام:

رسان بر داد ما، صاحب زمان را
ز میهن دور کن، ظلم جهان را

یا رب آمین، یا رب آمین

ای خدا ای نام تو زببنده نام

خداوندا کمک کن هر جوان را
ز دل‌ها دور کن، اندوه و ماتم

تکلیف:

۱. برای برگزاری جشن میلاد امام زمان به دوستان خود کمک کنید.
۲. به مناسبت تولد امام زمان به ابتکار خود کارت تبریک تولد برای آن حضرت طراحی و نقاشی کنید.

کوچه باغ هشتم: امام مهربانی

که زنامش جهان شده برپا
قادرست وعلیم وبی همتا

می گشایم زبان بنام خدا
حمد بی حد به خالق یکتا

ایجاد انگیزه:

با خود فکر می کرد وقتی امام زمان «عج الله تعالی فرجه» ظهور کنند هر کس که گناه کرده باشد را خواهند کشت. شنیده بود که شمشیر آقا بسیار تیز و برنده است. آقا سوار بر اسب و با غضب و ناراحتی ظهور خواهند کرد و انگیزه ایشان کشتن و انتقام است. وقتی به گناهان خود فکر می کرد، شک می کرد که آیا امام زمان «عج الله تعالی فرجه» او را هم خواهد کُشت؟ وقتی با خود فکر می کرد دوستانش نیز گناه و بی گناه می کنند یعنی امام زمان آنها را نیز خواهد کشت. پس چه کسانی در زمین باقی خواهند ماند؟ شنیده بود هر گناهی که مؤمنان انجام دهند دل امام زمان را به درد می آورد پس با این همه گناه که مردم، زن و مرد، پیر و جوان مرتکب می شوند امام زمان «عج الله تعالی فرجه» همین الآن دلش از دست همه خون و بسیار عصبانی است. اگر قرار است تا زانوی اسب امام زمان دنیا پر از خون گردد ...؟! این افکار تمام ذهنش را مشغول کرده بود و آرزو می کرد هرگز تا زنده است امام زمان «عج الله تعالی فرجه» ظهور نکنند و تعجب می کرد که برخی این گونه در فراق امام زمان گریه می کردند. این افکار او را خیلی اذیت می کرد و می ترسید جایی آنها را مطرح کند و مردم او را

مسخره کنند.

مدتی بعد هنگامی که به امام جماعت مسجد محلشان صحبت می‌کرد، دیدند پس از صحبت دستانش را بالا برد و از صمیم دل گفت:

«اللهم عجل لوليک الفرج»

می‌خواهید بدانید مهم‌ترین مباحثی که بین او و امام جماعت محلشان رد و بدل شد چه بود؟

متن

از آن‌جا که اهل بیت علیهم‌السلام معدن کرامت، رأفت و رحمت الهی برای عموم مردم می‌باشند، محبت آنان نسبت به تمام انسان‌ها به خصوص یاران و دوستدارانشان، حقیقتی انکارناپذیر است. قرآن کریم در مورد پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»؛ ما تو را جز رحمت برای جهانیان نفرستادیم». آن حضرت جلوه‌ای از رحمت بی‌پایان الهی است. دلسوزی، مهرورزی و مهربانی‌های رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در آیات متعددی مطرح شده و در سیره آن حضرت آشکارا به چشم می‌خورد. ائمه علیهم‌السلام نیز که ادامه دهنده راه رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و جانشینان بر حق ایشان هستند، از این ویژگی مهم، بهره برده‌اند.

حضرت مهدی (عج) نیز از همان رحمت و عطوفت محمدی نسبت به بندگان خدا برخوردارند. از این‌رو، در آخرین فرازهای دعای ندبه از خداوند متعال درخواست می‌کنیم که: «وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعَاءَهُ وَخَيْرَهُ مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَفَوْزاً عِنْدَكَ؛ خداوندا! برای ما رأفت و رحمت و دعا و خیر او (حضرت ولی عصر علیه‌السلام) را عنایت کن تا بدان وسیله به دریای رحمتت نایل شویم».

در مورد مهربانی امامان همین بس که حضرت امام رضا علیه‌السلام در خطبه‌ای طولانی که در روز جمعه در مسجد جامع مرو ایراد نمود، به این نکته اشاره کرده و فرمودند: «الْإِمَامُ الْأَنْبِيُّ الرَّفِيقُ وَالْوَالِدُ الشَّقِيقُ وَالْأَخُ الشَّقِيقُ وَالْأُمُّ الْبِرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ وَ مَفْزَعُ الْعِبَادِ فِي الدَّاهِيَةِ النَّادِي؛ امام دوستی همدل، پدري دلسوز، برادری تنی، مادری مهربان به فرزند کوچک و پناه بندگان در مواقع دشوار زندگی است».

البته این سخنان بدان معنا نیست که امام عصر علیه‌السلام هیچ‌گونه برخوردی با دشمنان خود نمی‌کند. بدیهی است که هر یک از جهانیان بسته به استعدادشان از مهر سرشار آن

۱. انبیاء: ۱۰۷.

۲. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۱۹۹.

حضرت بهره می‌برند؛ اما دشمنان لجوج و کینه‌توزی که همانند غده سرطانی در کالبد جامعه نفوذ کرده و مانع راه اصلاح می‌شوند، مورد خشم آن امام علیه السلام قرار گرفته، نابود خواهند شد. قرار نیست حضرت ظهور نمایند و تمام گنهکاران را از دم تیغ بگذرانند، بدیهی است امامی چنین مهربان همانند پیامبر در بین گنهکاران زندگی و آنان را هدایت خواهد نمود و در برابر دشمنان و معاندان بزرگی که گروه‌های انسانی را به جهالت و گمراهی می‌کشاند به ستیز برخوانند خواست.

امام زمان فرمودند: «ما رهبری شما را به خودتان وانگذاشته‌ایم و شما را از یاد نبرده‌ایم. اگر چنین بود، مشکلات سنگینی شما را احاطه می‌کرد و دشمنان شما را نابود می‌کردند!».

امام زمان «عج الله تعالی فرجه» بعد از ظهور با مؤمنین مهربان خواهند بود چرا که سیره اهل بیت علیهم السلام همین است. برای اثبات این سخن باید یادآوری کنیم که امام در دوران غیبت نیز مهربانی‌ها و الطاف زیادی به مؤمنین داشته‌اند که خود نشان از رأفت فراوان حضرت می‌باشد:

مهربانی‌های قبل از ظهور:

(به جای تنوع: بیان داستان)

میرزای قمی رحمته الله در خاطرات خود آورده است: «با علامه سید مهدی بحرالعلوم مباحثه می‌کردیم و غالباً من درس‌ها را برای سید بحرالعلوم بیان می‌کردم، تا اینکه من به ایران آمدم. پس از مدتی، سید بحرالعلوم بین علما و دانشمندان شیعه، به عظمت معنوی و بهره‌مندی از علوم سرشار معروف شد. من تعجب کردم و با خود گفتم او که این استعداد را نداشت، پس چگونه به این مرتبه رسید؟! بالاخره در نجف اشرف سید بحرالعلوم را ملاقات کردم. در طی جلسه مسئله‌ای عنوان شد و دیدم جداً او دریای موج علم است و باید حقیقتاً او را بحرالعلوم نامید. روزی در خلوت از او سؤال کردم: آقا! ما که با هم بودیم و آن وقت‌ها شما این مرتبه از استعداد و علم را نداشتید؛ بلکه از من در درس‌ها استفاده می‌کردید و حالا بحمدالله می‌بینم در علم و دانش فوق العاده‌اید!

فرمود: میرزا ابوالقاسم! جواب سؤال شما، از اسرار است! ولی به تو می‌گویم، اما از تو تقاضا دارم تا من زنده‌ام این موضوع را به کسی نگویی. من قبول کردم و ایشان اول با اشاره گفت: چگونه این‌طور نباشد و حال آنکه حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) مرا شبی در

۱. تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، مقدمه ج ۱، ص ۳۸.

مسجد سهله به سینه خود چسبانید. گفتم: چگونه به محضر آن حضرت رسیدید؟! سید بحر العلوم فرمود: شبی به مسجد سهله رفته بودم. دیدم آقایم، حضرت ولی عصر علیه السلام مشغول عبادت است. ایستادم و سلام کردم. امام سلام مرا پاسخ داد و فرمود: «سیدمهدی بیا!» من مقداری جلو رفتم؛ ولی ادب را رعایت کرده، زیاد جلو نرفتم. فرمود: جلوتر بیا! پس چند قدمی دیگر نزدیکتر رفتم. باز هم فرمودند: جلوتر بیا! من نزد حضرت رفتم، تا آنجایی که دست آن جناب به من و دست من به آن حضرت می‌رسید. آنگاه آغوش مهر گشود و مرا در بغل گرفت و به سینه مبارکش چسبانید. در اینجا آنچه خدا خواست به این قلب و سینه سرازیر شود، سرازیر شد.^۱

مهربانی‌های بعد از ظهور:

علاوه بر آثار رأفت آن حضرت در طول زمان غیبت، گسترده‌ترین جلوه‌های مهر و محبت و عنایات آن حضرت بعد از ظهور می‌باشد که اهل آسمان و زمین بعد از تحمل غم‌ها و اندوه‌های فراوان به شادمانی و سرور دست خواهند یافت. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در این باره می‌فرماید: «يُفْرَحُ بِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ الطَّيْرُ وَ الْوَحْشُ وَ الْحَيْتَانُ فِي الْبَحْرِ؟» اهل آسمان و زمین، پرندگان و حیوانات وحشی و حتی ماهیان دریا [در اثر گسترش رحمت و رأفت و عدالت و کرامت آن حضرت] شادی می‌کنند».

سفره گسترده مهر مهدوی نه تنها دوستان را شادمان می‌کند؛ بلکه مخالفان و دشمنان حضرتش نیز تا حدودی از آن بهره‌مند خواهند شد.

سفیانی فردی ستمگر و بی‌رحم از اولاد بنی‌امیه است. او نسبت به اهل بیت علیهم السلام و پیروان آنان ستم‌های بی‌شماری را روا می‌دارد و نامش در روایات آخرالزمان بسیار به چشم می‌خورد. هنگامی که وی توسط یکی از دوستان امام زمان علیه السلام به نام صباح دستگیر می‌شود، او را نزد امام می‌آورند. سفیانی می‌گوید: ای عمو زاده! بر من منت بگذار و مرا عفو کن؛ من نیز همانند شمشیر برنده‌ای در مقابل دشمنان از تو دفاع می‌کنم.

در آن حال، حضرت مهدی علیه السلام که در میان اصحاب خود نشسته، امر می‌کند که او را رها کنند. یاران حضرت می‌گویند: ای فرزند رسول خدا! آیا او را با همه جنایاتش آزاد می‌کنید؟ امام می‌فرماید: با او هر طور که دوست دارید رفتار کنید! آنان او را بعد از آزادی دستگیر کرده، به قتل می‌رسانند. پس از این، امام دستور می‌دهد تا بدن سفیانی را دفن

۱. رخسار آفتاب، ص ۳۵۴؛ نجم الثاقب، ص ۶۱۲.

۲. التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۲۸۲؛ دلائل الامامه، ص ۴۶۸؛ لمعات، ص ۱۰۰.

کنند.^۱

* نامهربانی با امام مهربان

حاج محمد علی فشندی تهرانی رحمته الله علیه می گوید که در مسجد جمکران سید نورانی را دیدم. با خود گفتم که این سید در این هوای گرم تابستانی از راه رسیده و تشنه است. ظرف آبی به دست او دادم تا بنوشد و گفتم: آقا! شما از خدا بخواهید تا فرج امام زمان (عج) نزدیک گردد.

فرمودند: شیعیان ما به اندازه آب خوردنی ما را نمی خواهند، اگر بخواهند و دعا کنند فرج ما می رسد.

دعا:

اللهم عجل لوليک الفرج والعافیة والنصر وجعلنا من خیر انصاره واعوانه وجعلنا من المستشهرین بین یدیہ.

تکلیف:

۱. نامه‌ای به امام زمان عجل الله تعالی فرجه بنویسید و با حضرت صمیمانه گفتگو کنید.
۲. در مورد مهربانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه والدین خود گفتگو کرده و از مهربانی‌های حضرت نمونه‌هایی را پیدا کنید.
۳. دعای عهد با امام زمان عجل الله تعالی فرجه را بخوانید و آثار خواندن آن دعا را بیان کنید.

۱. مجمع الاحادیث الامام المهدي عليه السلام، ج ۲، ص ۹۶، با تلخیص.

کوچه باغ نهم: بهشت دنیا

همای رحمتش بال و پر ماست
کمال عزّتش، روشنگر ماست

به نام آن که بالای سر ماست
به نام آن که ذاتش بی‌بدیل است

ایجاد انگیزه:

دیروز شیطان را دیدم. در حوالی میدان بساطش را پهن کرده بود و فریب می‌فروخت. مردم دورش جمع شده بودند؛ هیاهو می‌کردند و بیشتر می‌خواستند. توی بساط شیطان همه چیز بود: غرور، خیانت، حرص، دروغ، جاه‌طلبی و... .

هرکس چیزی می‌خرید و در ازایش چیزی می‌داد. بعضی‌ها تکه‌ای از قلب‌شان را می‌دادند و بعضی‌ها پاره‌ای از روح‌شان را. بعضی‌ها ایمان‌شان را می‌دادند و بعضی‌ها آزادگی‌شان را.

شیطان می‌خندید و دهانش بوی گند جهنّم می‌داد. حالم را به هم می‌زد. انگار ذهنم را خواند؛ کاری که خوب بلد بود. موزیانه خندید و گفت: «من کاری با کسی ندارم. فقط گوشه‌ای بساطم را پهن کرده‌ام و آرام نجوا می‌کنم. نه قیل و قال می‌کنم و نه کسی را مجبور می‌کنم چیزی از من بخرد. می‌بینی؟ آدم‌ها خودشان دور من جمع شده‌اند!»

جوابش را ندادم و تصمیمم را گرفتم. شروع کردم به دویدن؛ تمام راه دویدم و لعنتش کردم. تمام راه خدا خدا می‌کردم. می‌خواستم یقه‌اش را بگیرم، نه، همه بساطش را توی سرش بکوبم. هر جایی که می‌شد، رفتم. از هرکسی چیزی می‌گرفتم و دوباره به میدان برگشتم. هنوز دور و برش شلوغ بود و مردم انگار برای جهنمی شدن از هم سبقت می‌گرفتند. کمی آن طرف‌تر بساطم را پهن کردم و منتظر شدم. چشم‌های آتشینش را از

لابه‌لای دست و پای مردم می‌دیدم و پوزخندش را. کم‌کم دور و بر من هم شلوغ می‌شد. او خودپسندی می‌فروخت و من فروتنی. سخت می‌خریدند؛ اما بالاخره می‌خریدند. او دروغ و من راست‌گویی. آدم‌های روح و ایمان فروخته برمی‌گشتند و با تردید به بساط من و چیزی که از شیطان خریده بودند، نگاه می‌کردند. صدای ساییده‌شدن دندان‌های شیطان را که شنیدم، تازه فهمیدم همان آدم‌های روح و ایمان فروخته، هرچه خریده‌اند، انداخته‌اند و آمده‌اند این طرف و وقتی آنها شیطان را لعنت می‌کردند، خون از ناخن‌های بلند و سیاه شیطان جاری می‌شد.

اطرافش را وحشیانه می‌نگریست و بین خرت و پرت‌هایش دنبال چیزی می‌گشت. دنبال... آه، از همان چیزی که می‌ترسیدم به سرم آمد. دوباره خندید. حکومت را رو کرده بود! باز نگاه مردم روی بساط شیطان چرخید. باز داشتم شکست می‌خوردم. مردم باز به شک و پیچ‌افتادند:

- راست می‌گوید، بیشتر دنیا دست ابرقدرت‌هاست.

- اگر با قدرت‌مندان نباشیم، زیر دست و پا له می‌شویم.

- من دوست ندارم ضعیف باشم.

قهقهه شیطان داشت گوشم را کر می‌کرد. داشتم ناامید می‌شدم. ناامیدی چیزی است که در بساط این هیولا زیاد پیدا می‌شود. شروع به جستجو کردم. جعبه‌هایم را این‌ور و آن‌ور می‌کردم و می‌گشتم. باید پیدا می‌کردم. نیست... نیست... اما... جعبه‌ای کوچک و قدیمی زیر همه جعبه‌ها بود. رویش نوشته شده بود: امامت. درون آن پر بود از تاریخ‌های رنگارنگ ولادت، شهادت، مظلومیت و...؛ اما صبرکن، وای. این تاریخ... همه باید بدانند. دویدم و ایستادم بالای سکوی میدان، جایی که چشم‌های به خون نشسته‌اش خوب ببینند. داد زدم: «آهای مردم... آهای... بیایید اینجا چیزی دارم که...».

باز اطرافم جمع شدند. گذاشتم خوب مشتاق شوند؛ طومار را باز کردم و فریاد زدم: «اینجا را بخوانید. این همان شروع بی‌پایان است. این همان شروع تمام‌نشده‌ی است. این شروع، شروع زیباترین زندگی است. شروع قدرت‌مندترین حکومت جهان».

شیطان هم ایستاده بود و نگاه می‌کرد و به خودش می‌پیچید. جیغ می‌زد و مردم را صدا می‌کرد. نعره می‌کشید و نفرین می‌کرد؛ اما مردم داشتند جایی را که در طومار نشان می‌دادم، می‌خواندند. به گمانم شیطان هم خواند که به یک‌باره تمام بساطش، خودش و چشمان پرفریبش سوختند.

مردم حیران و گریان، آنچه را که خوانده بودند با خود زمزمه می کردند:
**«نهم ربیع، آغاز امامت شریف ترین انسان
 بهار قلوب پرهیزکاران و ستم دیدگان
 نور امید و آغاز فرمانروایی محبوب ترین قوم زمین».**

متن

بشر از روزی که پا به عرصه گیتی نهاد، در آرزوی یک زندگی اجتماعی خوش و سعادت بخش بود و در راه رسیدن به آن تلاش و کوشش می کند و همیشه از جان و دل خواستار یک عصر طلایی و اجتماع صالحی است که ظلم و تعدی در آن نباشد و این آرزو با ظهور حضرت حجت ابن الحسن العسکری محقق خواهد شد.

حضرت مهدی موعود (عج) مَجری همه برنامه های پیغمبر اسلام ﷺ، بلکه تمام پیامبران است و پیروزی او، پیروزی تمام ادیان آسمانی است. در این درس با چند ویژگی عصر طلایی ظهور آشنا خواهیم شد.

۱. گسترش عدالت:

امام رضا علیه السلام می فرمایند: ... آن حضرت وقتی قیام کردند، میزان عدل و داد را در میان مردم مستقر می نماید و به گونه ای به کارها رسیدگی می کند که احدی جرئت تعدی و ظلم به دیگری را نخواهد کرد.

۲. امنیت کامل:

امیرالمومنین علی علیه السلام می فرمایند: «... امنیت به گونه ای گسترش پیدا می کند که یک زن با وجود همراه داشتن اشیاء گران قیمت، فاصله بین عراق تا شام را به تنهایی طی خواهد کرد. بدون اینکه کوچک ترین ترسی در دل داشته باشد».

۳. رفاه و آسایش:

پیامبر گرامی اسلام ﷺ «امت من در زمان ظهور مهدی، به نعمت هایی دست می یابند که پیش از آن در هیچ دوره ای دست نیافته بودند. در آن روزگار آسمان باران فراوان دهد و زمین هیچ رویدنی را در دل خود نگاه ندارد».

۴. پیشرفت علم:

امام صادق علیه السلام: «علم و دانش بیست وهفت حرف (بیست و هفت شعبه و شاخه) است؛

تمام آنچه پیامبران الهی برای مردم آوردند دو حرف بیش نبود و مردم تاکنون جز آن دو حرف را نشناخته‌اند؛ اما هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف (بیست و پنج شاخه و شعبه) دیگر را آشکار می‌سازد و در میان مردم منتشر می‌سازد و دو حرف را به آن ضمیمه می‌کند تا بیست و هفت حرف کامل و منتشر گردد».

سه گام برای رسیدن به جایگاه منتظر واقعی:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَكَ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي، عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَكَ فِي عُنُقِي»

۱. عهد: پذیرش پیمان اولیّه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: هر کس دوست دارد خدا را در حال ایمان کامل و مسلمانی مورد رضایت او ملاقات کند، ولایت و محبت امام عصر (عج) را بپذیرد.^۱

۲. عقد: محکم نمودن این پیمان (انجام رفتارهای لازم و شایسته)

امام صادق علیه السلام: هر کسی دوست دارد از یاران حضرت قائم باشد، باید منتظر باشد و در حال انتظار به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار کند.^۲

۳. بیعت: اطاعت خالصانه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: خوشا به حال کسی که به حضور «قائم» برسد، در حالی که پیش از قیام او نیز پیرو او باشد.^۳

تنوع:

همخوانی در کلاس

الف) دعای الهی عظم البلاء و... ب) شعر: یا اباصالح مددی مولا

همه جا بروم به بهانه تو
همه جا دنبال تو می‌گردم
که مگر برسم در خانه تو
که تویی درمان همه دردم (۲)

یا اباصالح مددی مولا (۲)

همه آرزویم شده کربلا
که تویی مولا و منم بنده
نظری بنما و بخوان تو مرا
منم از الطاف تو شرمنده

یا اباصالح مددی مولا (۲)

۱. همان: ج ۳۶، ص ۲۹، ح ۱۲۵.

۲. همان: ج ۵۲، ص ۱۴۰، ح ۵۰.

۳. همان: ص ۱۳۰، ح ۲۵.

تو گلی و منم به برت چو خسی
همه جا دنبال تو می‌گردم

نشوم به جز از تو گدای کسی
که تویی درمان همه دردم (۲)

یا اباصالح مددی مولا (۲)

غم عشق تو شد همه دلخوشیم
که تویی مولا و منم بنده

که تو زنده کنی و تو می‌کشیم
منم از الطاف تو شرمنده

یا اباصالح مددی مولا (۲)

تو حبیب منی، تو طبیب منی
مکشی دامن خود از دستم

تو نماز منی، تو نیاز منی
من بیچاره به تو دلبستم

دعا:

مرحوم آیت‌الله حاج سیدمیرزا محمدتقی اصفهانی می‌نویسد: یکی از دوستانم برایم نقل کرد: مولایمان حضرت حجت(عج) را در خواب دیدار کرده بود و حضرت سخنی فرموده بودند که مضمونش این است: «همانا من برای فرد شیعه‌ای که مصیبت جد شهیدم را یاد کند و سپس برای تعجیل فرج و تأیید امر من دعا کند، من هم برای او دعا خواهم کرد».

اللهم عجل لولیک الفرج
اللهم عجل لولیک الفرج و النصر
اللهم عجل لولیک الفرج و النصر و العافیة

تکلیف:

۱. با مشورت خانواده‌ها شعر زیبایی درباره امام زمان (عج) بنویسید.
۲. کیفیت نماز امام زمان (عج) را یاد گرفته به دیگران آموزش دهید.
۳. در برگزاری جشن میلاد امام زمان (عج)، شما چه کمکی کرده‌اید؟

کوچه باغ دهم: میعادگاه منتظران

به نام اون خدایی که مهربون و داناست اگر بخواد هر کاری انجام بده تواناست
همون خدای قادر که ما رو پروریده هر چیزی لازم داریم برامون آفریده

ایجاد انگیزه:

کسی خدمت رسول خدا ﷺ آمد. عرض کرد یا رسول الله! من بارها آماده حج شده‌ام؛ اما توفیق نصیبم نشده. فرمود: «علیک بالجمعة فانها حج المساکین»^۱! بر تو باد به نماز جمعه که حج مستمندان است.

متن

در مراسم هفتگی اجتماعی مسلمین، «نماز جمعه» جایگاه والایی دارد و نه تنها یک عبادت، بلکه مظهر وحدت مسلمین و شکوه و عظمت اسلام است و میعادگاه عاشقان امام زمان محسوب می‌گردد.

نماز جمعه از همان ابتدای تشکیل جامعه نبوی در مدینه تشریح و توسط پیامبر گرامی اسلام ﷺ اقامه شد. نزول سوره‌ای خاص در قرآن کریم به نام سوره جمعه که به بیان اهمیت نماز با شکوه جمعه می‌پردازد، جایگاه ارزشمند این فریضه الهی را در جامعه اسلامی می‌رساند.

قرآن کریم درباره نماز جمعه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»^۲ ای کسانی که

۱. بحار؛ ج ۸۹، ص ۱۹۹.

۲. جمعه: ۹.

ایمان آورده‌اید! هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته می‌شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید که این برای شما بهتر است، اگر می‌دانستید. امام صادق علیه السلام فرمودند: «روز جمعه خود را زینت کنید. غسل کنید، عطر بزنید و سر و صورت خود را مرتب نمایید و تمیزترین لباس‌هایتان را بپوشید و به نماز جمعه بروید»^۱. در روایت دیگر دارد که ملائکه الهی می‌ایستند و می‌بینند چه کسی زودتر وارد مصلاي نماز جمعه می‌شود و همین‌طور می‌نویسند: نفر اول، نفر دوم، نفر سوم، نفر پنجم، نفر صدم؛ تا وقتی که امام جمعه بلند می‌شود تا خطبه را بخواند.^۲

امام علی علیه السلام برای بزرگ‌داشت نماز جمعه و تعظیم این شعائر، پا برهنه برای نماز جمعه حاضر می‌شد و کفش‌ها را در دست چپ می‌گرفت و می‌فرمود: این نماز جایگاه خاص الهی است و این کار را از روی تواضع در برابر خداوند انجام می‌داند.

امام خمینی رحمته الله علیه: نماز جمعه که نمایشی از قدرت سیاسی و اجتماعی اسلام است، باید هر چه با شکوه‌تر و پرمحتواتر اقامه شود... ملت عظیم و عزیز با شرکت خود باید این سنگر اسلامی را هر چه عظیم‌تر و بلندپایه‌تر حفظ نماید تا به برکت آن توطئه‌های خائن و دسیسه‌های مفسدان خنثی شود.

بزرگان نیز این واجب الهی را در شرایط بسیار سخت اقامه می‌کردند: سید قطب دانشمند روشنفکر و مفسر قرآن کریم در ذیل آیه ۳۸ سوره یونس این چنین نقل می‌کند: ما شش نفر بودیم که با یک کشتی مصری عازم نیویورک شدیم. از صد و بیست سرنشین، فقط ما مسلمان بودیم. روز جمعه‌ای به این فکر افتادم که با اجازه ناخدای کشتی، نماز جمعه را برپا کنیم. هنگامی که خطبه‌های نماز را می‌خواندم، مسافران دیگر کشتی، دور تا دور ما جمع شده بودند و به سخنان من گوش می‌دادند. بعد از نماز، خانمی مسیحی که اهل یوگسلاوی بود و به شدت تحت تأثیر قرار گرفته بود، با چشمان پر از اشک جلو آمد و گفت: زبانی که شما با آن سخن می‌گفتید آهنگ و اثر خاصی داشت؛ ولی در میان سخنان شما، گاهی جملاتی وجود داشت که موسیقی و آهنگ ویژه‌ای داشت و اثر عمیق‌تری بر من می‌گذاشت؛ به گونه‌ای که لرزه بر اندامم می‌افتاد و من احساس می‌کردم شما لبریز از روح‌القدس شده‌اید.

مدتی که فکر کردم، فهمیدم آن خانم مسیحی از آیات قرآنی که در خطبه‌ها می‌خواندم، شدیداً متأثر شده بود. این نکته اعجاب‌برانگیز است که چگونه چطور خانمی که هیچ

۱. شیخ الطوسی؛ تهذیب الاحکام؛ ج ۳، ص ۲۳۶.

۲. شیخ الطوسی؛ الامالی؛ ص ۶۹۶، ح ۲۶.

عربی نمی‌داند، این‌گونه تحت تأثیر موسیقی قرآن قرار می‌گیرد.^۱

برکات و آثار سازنده تربیتی و اجتماعی این عبادت سیاسی

۱. در سایه نماز جمعه وحدت و یکپارچگی مسلمانان تقویت می‌شود.
۲. نماز جمعه نمودی از اقتدار مسلمانان به شمار می‌آید.
۳. نماز جمعه تبلیغات سوء و زهرآگین منافقان را خنثی می‌نماید.
۴. نماز جمعه نمایش قدرت سیاسی اسلام بود و به دلیل ویژگی موج‌آفرینی آن ایمان و توحید را تقویت می‌کند.
۵. نماز جمعه موجبات امیدواری دوستان و نومیدی دشمنان را فراهم می‌سازد.
۶. و

تنوع

گلی از گلستان احکام

حروف به هم ریخته کلمه‌های زیر را مرتب کنید، سپس با توجه به حروف اول آن، رمز جدول را به دست آورید.

ت ر ا س و ت ر گ.....	فقیه واجد شرایط برای تقلید از دیدگاه امام صادق <small>علیه السلام</small>
ه ف ق ی ت ر.....	
ع ت ال د ر.....	
ت ب ا و ق ا ت ر.....	

دعا

بارالها به ما توفیق بده تا در اجتماع عظیم مؤمنان شرکت کنیم و با حضور خود دل دشمنان را بلرزانیم.
خدایا به ما توفیق ده تا زنده بمانیم و در نماز جمعه عصر ظهور نیز حضور داشته باشیم.

تکلیف:

- ۱- کیفیت نماز جمعه را بنویسید.
- ۲- حکم گوش دادن به خطبه نماز جمعه چیست؟

۱. مجله بشارت؛ سال اول، ش ۱۳، ص ۳۱.

کوچه باغ یازدهم: مسجد بهشت منتظران

به نام آن که هستی را رقم زد نشان خوش بر لوح و قلم زد

ایجاد انگیزه:

مسابقه از کی بپرسم

۱. نخستین مسجدی که در اسلام ساخته شده، چه نام دارد و در کجا واقع شده است؟
مسجد قبا در مدینه منوره.
۲. مسجدی که پیامبر در آن یک نماز را به سوی دو قبله خواند، چه نام دارد؟
مسجد ذوقبلتین.
۳. مسجدی که به دستور پیامبر اکرم خراب شد، چه نام دارد؟
مسجد ضرار.
۴. مسجدی که خانه کعبه در آن واقع شده است، چه نام دارد و در کجا واقع شده است؟
مسجدالحرام در مکه مکرمه.
۵. مسجدی که قبر شریف پیامبر اسلام در آن واقع شده است، چه نام دارد؟
مسجدالنبی.
۶. مسجدی که به وسیله رضاخان به توپ بسته شد، چه نام دارد و در کجا واقع شده است؟
مسجد گوهر شاد در مشهد مقدس.
۷. نام مسجدی که حضرت علی علیه السلام در آن به شهادت رسید، چیست؟
مسجد کوفه.

۸. نام مسجدی در قم که به امام زمان (عج) منتسب است؟
مسجد جمکران.
۹. بزرگ‌ترین مسجد جهان چه نام دارد و در کجا واقع شده است؟
مسجدالحرام در مکه و مسجدالنبی در مدینه.
۱۰. مسجدی که به وسیله حضرت سلیمان ساخته شده، چه نام دارد؟
مسجد اقصی.
۱۱. نام دو مسجدی که محل معراج پیامبر اسلام آلود چیست؟
مسجدالحرام و مسجد اقصی.
۱۲. مساجدی که در آن مسافر مخیر است نماز را تمام یا شکسته بخواند چیست؟
مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجد کوفه، زائر حسینی در کربلا.

متن

مسجد بهشتی کوچک بر روی زمین است. بهشتی که شاید برای انسان نشانی از دل‌تنگی تبعید از بهشت باشد. در روایات می‌خوانیم:^۱
مسجد خانه پیامبران، پرهیزکاران و مؤمنان است.
مسجد بهترین مکان‌ها نزد خداوند است؛ زیرا زیارت‌گاه موحدان است.
مسجد بازار آخرت و خانه خدا در زمین است و از ستارگان زمین به شمار می‌رود.
حاضران در مسجد، میهمانان و زائران پروردگار هستند.
نشستن در مسجد گنجینه‌ای بهشتی، بلکه بهتر از نشستن در بهشت است.
رفتن به مسجد ثواب بسیاری دارد و سبب افزایش حسنات و حذف گناهان می‌شود. در قیامت سبب نور الهی می‌شود و انسان را در جوار عرش الهی جای می‌دهد و از آتش سوزان‌رهایی می‌بخشد و سبب ورود انسان به بهشت می‌شود.
اهل مسجد، زائران خدا هستند که از بلاها و مشکلات در امانند و مردگان به آنان غبطه می‌خورند. فرشتگان در کارها به آنان کمک می‌کنند. خداوند در قیامت به آنها توجه بسیار دارد و این گروه در شمار محبوب‌ترین افراد نزد خداوند قرار می‌گیرند.

امام مجتبی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ أَدَامَ الْإِخْتِلَافَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى ثَمَانِ آيَةٍ مُحْكَمَةٍ وَ أَحَا مُسْتَفَادًا وَ عِلْمًا مُسْتَطْرَفًا وَ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً وَ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى الْهُدَى أَوْ تَرُدُّهُ عَنْ رَدَى وَ تَرْكَ الذُّنُوبِ حَيَاءً أَوْ خَشْيَةً»^۲

۱. نقل از مسجد و نقش آن در فرهنگ اسلامی؛ محسن محمدی؛ مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۲. مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۴۴، ص ۷۶.

کسی که پیوسته به مسجد رفت و آمد داشته باشد، از این هشت بهره نصیب خواهد بُرد:

۱. یافتن دلیل محکم و قاطع؛
۲. آشنایی با برادران مؤمن؛
۳. دانش‌های نو و اطلاعات تازه؛
۴. رسیدن به رحمتی الهی؛
۵. آموختن سخنانی مفید؛
۶. کلماتی که او را از پستی باز می‌دارد؛
۷. ترک گناه و معصیت به دلیل شرم.
۸. ترک گناه و معصیت به دلیل ترس.

به امیرمومنان علی علیه السلام خبر رسید گروهی به مسجد نمی‌آیند. ایشان خطبه خواند و

فرمود:

«گروهی با ما در مسجد حضور نمی‌یابند، پس با ما نخورند و نیاشامند و ازدواج نمایند و مالی از ما نگیرند، مگر اینکه در نماز جماعت شرکت کنند و نزدیک است که دستور دهم خانه‌هایشان را بر سرشان آتش بزنند مگر اینکه دست بردارند.

و فرمود (با تارکین نماز جماعت) مسلمانان نخورند و نیاشامند و ازدواج نکنند تا موقعی که به جماعت مسلمان حضور یابند»^۱.

به همین سبب در روایات کسی که مسجد را گرامی ندارد، ملعون شناخته شده است.

نماز رزم و مسجد سنگر توست **پیام دین، کلام رهبر توست**
مبادا سنگرت را واگذاری **سلاح را مبادا جا گذاری**

در حدیثی طولانی پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به ابوذر چنین می‌فرماید:

«ای ابوذر! سخن نیکو و پاک و هر قدمی که به سوی نماز برمی‌داری، صدقه است.

ای ابوذر! هر کس به دعوت‌کننده به سوی خدا لبیک گوید و به خوبی مسجدها را آباد

کند، پاداش از سوی خداوند بهشت است.

ابوذر پرسید: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، پدر و مادرم به خدای تو، چگونه مساجد را آباد کنیم؟

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: آبادانی مسجد به این است که در آن صدا بلند نشود و کار باطل و بیهوده و خرید و فروش در آن نشود و تا در مسجد هستی، از کار و سخن لغو بپرهیز و الا در روز قیامت جز خودت را سرزنش نکن.

ای ابوذر مادامی که تو در مسجد هستی، خداوند متعال در ازای هر نفسی که می‌کشی،

۱. سیدمحمد کاظم طباطبائی؛ عروة الوثقی؛ نماز جماعت.

درجه‌ای در بهشت به تو عطا می‌کند و فرشتگانش بر تو درود و سلام می‌فرستند و در برابر هر سنت، ده حسنه و نیکی نوشته می‌شود و ده سیئه و بدی از تو محو می‌شود»^۱.

تنوع:

مسجد ای خانه آباد خدا
 مسجد ای پایگه یاد خدا
 از بلندی مناری از نور
 می‌زنی بانگ به نزدیک و به دور
 می‌کنی دعوت‌مان با صد شور
 که بیاپید به درگاه غفور...
 بشتابید که شد وقت نماز
 وقت معراج و زمان پرواز
 بشتابید بدین راه نجات
 بهترین کار، صلوات است صلوات

حبیب ا... چایچیان

دعا:

با او حرفم شد. تقصیر من بود. همان وقت که دعوا می‌کردیم، مطمئن بودم که حق با من نیست؛ اما عصبانی بودم و چیزی نفهمیدم. نیم ساعت بعد یکی از بچه‌ها آمد دنبالم و گفت: «از وقتی بحث‌تون شده، مرتضی آوینی رفته تو اتاق و درو بسته نماز می‌خونه. دو ساعت بعد من را دید. آمد جلو، گرم احوالپرسی کرد. عرق سرد نشست روی پیشانی‌م، از خجالت.

خدایا توفیق بده تا در ناراحتی‌ها و غم‌ها با تو نجوا کنیم و به ما این توان را بده تا در مقابل بدی دیگران، به آنها نیکی کرده و مانند مالک اشتر در مسجد برایشان دعا کنیم.

تکلیف:

۱. امشب هنگام رفتن به مسجد یکی از دوستان خود را با خود به همراه ببرید.
۲. در طول هفته آینده بشمارید چند مرتبه به مسجد خواهید آمد؟

۱. حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۱، ص ۲۶۸.

کوچه باغ دوازدهم: وظایف منتظران گل نرگس

خداوند بخشندهٔ مهربان
خداوند پروانه‌های قشنگ

به نام خداوند رنگین کمان
خداوند سنجاقک رنگرنگ

ایجاد انگیزه:

آقای سیدحسن نصرالله - دبیر کل حزب الله لبنان - می‌گفت: یک‌دفعه به همراه شورای حزب‌الله لبنان محضر مقام معظم رهبری مدظله بودیم. اوج سختی و تنگنای ما بود و خیلی به حزب‌الله سخت می‌گذشت. کنفرانس شرم‌الشیخ هم صورت گرفته بود، همهٔ توطئه‌ها شده بود تا حزب‌الله را نابود کنند. هنگامی که ما با رهبر معظم جهان اسلام دیدار داشتیم، ایشان به ما امید داد و فرمود: شما پیروز می‌شوید، این چیزها زیاد مهم نیست. سپس فرمودند: من در اداره امور کشور بعضی وقت‌ها حل مسائل برایم دشوار می‌شود و دیگر هیچ راهی پیدا نمی‌شود، به دوستان، اعوان و انصار می‌گویم آماده شوید به جمکران برویم. راه قم را پیش می‌گیریم و راهی مسجد جمکران می‌شویم، بعد از راز و نیاز با آقا من احساس می‌کنم همانجا دستی از غیب مرا راهنمایی می‌کند و من در آنجا به تصمیمی می‌رسم و مشکل بدین صورت حل میشود و همان تصمیم را عملی می‌کنم.^۱

متن:

هر دو ثقلینند اندر امتم
هر گز او گمراه نگردد در سنن^۲

گفت پیغمبر کتاب و عترتم
هر که گیرد این دو را از بعد من

۱. مجله آب، آئینه، آفتاب؛ امام خامنه‌ای، ص ۶۵۴ به نقل از هدایت در حکایت.

۲. تفسیر صفی؛ ص ۲۰.

پیامبر اسلام ﷺ: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ؛ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ»^۱ من از میان شما می‌روم؛ اما دو چیز گرانبها، کتاب و اهل بیت را برای شما گذاشته‌ام. بعد فرمود: قرآن و اهل بیت من هرگز از هم جدا نمی‌شوند و در قیامت تا حوض کوثر با هم هستند. از این حدیث گرانبها چند مطلب فهمیده می‌شود: همان‌طور که در کتاب الهی همه علوم هست، اهل بیت علیهم السلام هم عالم‌ترین انسان‌ها هستند.

همان‌طور که قرآن مقدس است، اهل بیت هم مقدس هستند. همان‌طور که قرآن از انحراف مصون است، اهل بیت علیهم السلام هم معصومند. همان‌طور که قرآن تنها کتاب هدایت است، اهل بیت علیهم السلام نیز تنها مسیر هدایت هستند.

وظایف شیعیان نسبت به امام زمان (عج):

امام عصر (عج) در پیامی می‌فرماید: «من آخرین وصی هستم که خداوند متعال به وسیله من گرفتاری‌ها را از خاندان و شیعیانم دور می‌گرداند».

یابن الحسن:

مثل باران بی‌ریا و ساده‌ای
چون دعا، مهمان هر سجاده‌ای
باز هم می‌آیی از یک راه دور
شهر را پر می‌کنی از عطر و نور
با تهیدستان محبت می‌کنی
شادمانی را تو قسمت می‌کنی.

دعا برای حضرت

الف) آیت‌الله بهاء‌الدین مدتی در قنوت خود دعای سلامتی امام زمان عجل الله له (اللهم، کن لولیک . . .) می‌خواندند. از ایشان دلیل را سؤال کردند. ایشان فرمود: «حضرت پیغام دادند در قنوت دعا کنید»^۲.

ب) در کتاب «راهی به آسمان» از قول آقای عزیزی نوشته بود: من ۱۷ سال پشت سر

۱. اُمالی طوسی؛ ص ۵۴۷.

۲. حسن محمودی؛ راهی به سوی آسمان؛ ص ۱۷.

مرحوم آیت‌الله خویی سه وعده نماز جماعت خواندم. ایشان در قنوت غیر از دعای «اللهم، کن لولیک . . .» نخواندند. به طوری که دوستان به شوخی می‌گفتند: آقا غیر از این قنوتی بلد نیست.^۱

حفظ دین

علی بن جعفر از برادر خود امام کاظم علیه السلام روایت کند که فرمود: «چون پنجمین امام از فرزندان امام هفتمین غایب شود، الله الله در دینتان مراقب باشید تا کسی آن را از شما زایل نسازد».

شناخت و معرفت به امام زمان (عج)

الف) ابان بن تغلب گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: کسی که ائمه را بشناسد؛ ولی امام زمانش را نشناسد، آیا او مؤمن است؟ فرمود: خیر. گفتم: آیا او مسلمان است؟ فرمود: آری.
ب) فضیل بن یسار از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: «کسی که بمیرد و امامی نداشته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است و مردم اگر امامشان را نشناسند، معذور نخواهند بود».^۲

منتظر واقعی باشد

الف) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: افضل اعمال امت من انتظار فرج از ناحیه خدای تعالی است.^۳
ب) از امام صادق علیه السلام از پدرانیش از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «منتظر امر ما؛ مانند کسی است که در راه خدا به شهادت رسد».^۴

تنوع:

استفاده از طراحی: یک کوه روی تابلو بکشید. سؤالات مختلفی پرسید که آیا می‌شود یک نفر این کوه را به تنهایی جای دیگری منتقل کند. با یک لودر چطور؟ با ۱۰۰ تا چطور؟ با هلیکوپتر چطور؟ و

حضرت علی علیه السلام فرمود: «مؤمن باید مثل کوه، محکم و استوار باشد».

«المؤمن كالجبل الراسخ»

※استفاده از خاطرات شهدا در این گونه موارد برای توضیح روایت خیلی تاثیرگذار می‌باشد.

۱. حسن محمودی؛ راهی به سوی آسمان؛ ص ۱۵.

۲. کمال الدین و تمام النعمه؛ ص ۱۲۴.

۳. همان؛ ص ۵۴۷.

۴. همان؛ ص ۵۴۸.

سؤالات:

به سؤالات جواب داده و رمز جدول که یکی از القاب امام زمان (عج) است را به دست آورید:

خانه خدا

قبر حضرت علی علیه السلام در آن شهر واقع است؟
سوره‌های که به نام شناسنامه خدا مروف است؟
شیعیان واقعی همیشه در دعایشان از خدا می‌خواهند.
قرآن در این ماه نازل شده است.

رمز: منتظر

رمز

			د	ج	س		۱
		ش	ا	ف	ج		۲
ف	ر		د	ی	ح	و	۳
				ر	و	ه	۴
							۵
		ن	ا	ض	م		ر

دعا:

خدایا: فرج امام زمان (عج) ما را نزدیک بفرما.
ای خدای مهربان: قلب نازنین آقامون را از ما راضی بفرما.
دعای سلامتی امام زمان (عج) به صورت دسته جمعی خوانده شود.

تکلیف:

بعد از هر نماز یا در قنوت، دعای سلامتی امام زمان (عج) را بخوانید.
تعدادی از کارهایی که درباره امام زمان (عج) انجام داده‌اید را بنویسید. (مثلاً رفتن به جمران و خواندن نماز، کمک یا برگزاری جشن نیمه شعبان، دعا و ...)

بوستان قرآن

مناسبت های ماه مبارک رمضان

کوچه باغ سیزدهم: آداب میهمانی

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛
ای اهل ایمان! بر شما نیز روزه داشتن واجب شده است؛ چنانکه بر امت های گذشته
واجب شد، این دستور برای آن است که پاک و پرهیزکار شوید.

بقره: ۱۸۳

هست کلید گنج عظیم

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خدایی که از ما دعوت کرده تا به میهمانی او برویم و بر سفره عبادت او بنشینیم.

ایجاد انگیزه:

وقتی واژه کلاس درس را می شنیدم، به ذهنم می رسید به جایی می گویند که معلمی
باشد با چند دانش آموز که سنشان کم است؛ اما به تازگی فهمیدم برخی از کلاس ها وجود
دارد که همه انسان ها؛ حتی پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها نیز می توانند در آن شرکت کنند.
کلاسی بزرگ که شاید بزرگ ترین کلاس دنیا باشد و همه در سنین مختلف سر یک
کلاس حضور پیدا می کنند.

معلم های این کلاس پیامبران و امامان عليه السلام هستند. کتاب درسی این کلاس، قرآن
است.

این کلاس زمان و مکان ندارد و به صورت حضوری و غیر حضوری برگزار می شود؛ اما
بهترین زمان برای شرکت در آن یک ماه از سال است.
بله، ماه مبارک رمضان.

متن:

از فصل‌های زیبای سال، بهار است. فصل شکفتن شکوفه و گل‌های زیبا است. در بهار بوی خوش گل‌ها، باغچه‌ها را عطرآگین می‌کند. دشت‌ها با رنگ‌های مختلف تزیین می‌شود.

پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمایند: هر چیزی بهاری دارد و بهار قرآن ماه رمضان است.

در ماه رمضان، قرآن بر حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرستاده شد.

«شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ»

در این ماه مردم به قرآن توجه بیشتری می‌کنند. خداوند نیز به هر کس که در این ماه آیه‌ای از قرآن را بخواند، ثواب فروانی می‌دهد.

برای اینکه به یاد انسان‌های فقیر بیفتیم و به سلامتی جسم و فواید بیشمار دیگری برسیم، لازم است در این کلاس شرکت کنیم. امتحان این کلاس امتحان حفظ‌کردنی و نوشتنی نیست؛ بلکه امتحانش روزه‌گرفتن و پرهیز از گناه و معصیت است.

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «روزه تنها همین نیست که کسی آب و نان نخورد، بلکه باید روزه‌دار سایر اعضایش نیز روزه بدارد و از کارها و گفتار بد دوری کند».

روزه تمرین و کلاس و زندگی است درس ایثار و خلوص و بندگی است

قرآن، کتاب این کلاس، آثار روزه‌گرفتن را پاک‌شدن و پرهیزگاری می‌داند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^۱ ای اهل ایمان! بر شما نیز روزهداشتن واجب شده است؛ چنان‌که بر امت‌های گذشته واجب شد. این دستور برای آن است که پاک و پرهیزکار شوید.

جایزه‌های ماه رمضان:

۱. ماه میهمانی و ضیافت الهی است.
۲. ماه رحمت و برکت و مغفرت خداست.
۳. نفس‌کشیدن انسان روزه‌دار، ثواب تسبیح خدا را دارد.
۴. خواب انسان روزه‌دار، عبادت حساب می‌گردد.
۵. روزه‌گرفتن در ماه رمضان، ثوابی به اندازه ده ماه دارد.
۶. هر کس ماه رمضان را روزه بگیرد، گناهان گذشته او بخشیده می‌شود.

۱. بقره: ۱۸۳.

۷. روزه برای خداست و پاداش آن را خدا می‌دهد.
۸. روزه محافظ و قلعه‌ای محکم است که انسان را از آتش ننگه می‌دارد.
۹. روزه بگیریید تا سالم بمانید.
۱۰. خواب روزه‌دار عبادت، سکوتش تسبیح، عملش مقبول درگاه خداوند و دعایش مستجاب است.^۱
۱۱. دست و پای شیطان در این ماه زنجیر است.
۱۲. قرائت یک آیه از قرآن در این ماه ثواب قرائت کل قرآن در ماه‌های دیگر را دارد.

پس تا می‌توانیم در این ماه قرآن بخوانیم.

خداوند می‌فرماید:
 «فَأَقْرُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»: هر مقدار که ممکن است از قرآن بخوانید.
 پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید:
 «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ»: بهترین عبادت، قرآن خواندن است.

احکام و آداب خواندن قرآن

۱. احترام گذاشتن به قرآن و برگه‌های آن واجب است.
۲. بدون وضو نباید به نوشته‌های قرآن دست بزنییم.
۳. هنگام خواندن قرآن، به سمت قبله بنشینیم.
۴. هنگام خواندن قرآن، پاهای خود را دراز نکنیم.
۵. هنگام شنیدن قرآن، ساکت باشیم.
۶. قبل از تلاوت قرآن «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» و بعدش «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را بگوییم.
۷. در خانه یک قرآن داشته باشیم و همیشه همان را بخوانیم.
۸. هنگام خواندن قرآن، آن را در جایی بلندتر از زمین - مانند رحل - بگذاریم یا با دو دست بگیریم.
۹. آن را پاکیزه و تمیز نگاه داریم و در جلد و جای مناسب قرار دهیم.
۱۰. در پایان «صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» یادمان نرود.

۱. من لا يحضره الفقيه؛ ج ۲، ص ۷۶، ح ۱۷۸۳.

تنوع:

باز ماه میهمانی می‌رسد	باز بوی مهربانی می‌رسد
جلوه ماه مبارک دیده شد	گر بساط تیرگی برچیده شد
دل به اقیانوس قرآن شستن است	فصل، فصل سبز از بن‌رستن است
آیه‌ای را اجر کامل می‌دهند	بذرهای عشق حاصل می‌دهند
تا شب احیای دل‌ها می‌برند	خواستاران را به بالا می‌برند
آبشار جاری شب‌های قدر	ای خوشا بیداری شب‌های قدر
پرکشیدن را نمایش می‌دهند	دست‌ها بوی نیایش می‌دهند
از فروغ روشن جوشن کبیر	نور جاری می‌شود در هر ضمیر
دل پر از گل‌های تقوا می‌شود	غنچه‌ها در باغ دل وا می‌شود
رازها در معرض وسواس‌هاست	فصل، فصل بهترین آغازهاست
آسمان دل بهاری می‌شود	چشمه‌های اشک جاری می‌شود
می‌رود تا عمق دریای خدا	دل سوار اشک موج دیده‌ها

اسد الله خدامی

مسابقه احکام:

۱. کاری که سپر آتش جهنم است، چه نام دارد؟
۲. روزه‌های واجب کدامند؟
۳. روزه‌گرفتن در کدام روزها حرام است؟
۴. با توجه به آیه ۱۸۳ بقره، دلیل وجوب روزه چیست؟
۵. کدام کاری است که خوابیدن در حین انجام آن کار عبادت است؟
۶. به روزه‌ای که بچه‌ها در ماه رمضان می‌گیرند و از صبح تا ظهر است، چه می‌گویند؟

مسابقه قرآنی:

۱. سوره‌های که نامش، نام قبیله پیامبر ﷺ می‌باشد.
۲. نام سوره‌های که به معنای شب است.
۳. یکی از سوره‌هایی که نام یکی از اصول دین است.
۴. اسلحه دانشمندی که نام یکی از سوره‌ها است.
۵. اولین بار در آن شهر، قرآن بر پیامبر فرستاده شد.

۶. نام پیامبر بت‌شکنی که در قرآن است.

۷. بزرگ‌ترین سوره است.

۸. کوچک‌ترین سوره است.

مسابقه نشریه:

یک قالب متشکل از تصویر زیبا؛ مانند تصویر یک مسجد یا گنبد و گلدسته در کلاس و حتی محیطی فراتر از کلاس طرح و معرفی گردد تا به دلخواه گروه، مطالبی درباره ماه رمضان را جمع‌آوری و در نشریه دیواری ثبت کنند و در پایان ماه مبارک نمایشگاهی از نشریه‌ها برپا و به گروه‌های برتر جایزه داده شود.

دعا:

خدایا با دلی امیدوار به سوی تو رو کرده‌ام و از تو می‌خواهم توفیق روزه‌گرفتن و شرکت در کلاس بندگی خودت به ما عنایت کنی.
بار پروردگارا! پیغمبرت فرمود دعای روزه‌دار رد نمی‌شود؛ خدایا دعاهای امام زمان (عج) را در حق ما مستجاب کن.

تکلیف:

۱. دو مورد از آثار روزه‌داری را بنویسید؟
۲. تصمیم بگیریم که ماه رمضان امسال را روزه بگیریم.

کوچه باغ چهاردهم: سفره رحمت

«قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛ ای بندگان من که در حق خود اسراف کرده و از حد تجاوز نموده‌اند، از رحمت و بخشش خدا نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد. به راستی که او پوشاننده عیوب و مهربان است.

زمر: ۵۳

کند آرام قلب بندگان

به نام آن خداوندی که نامش

ایجاد انگیزه:

جوانی بسیار مغرور و از خود راضی بود. همواره مادرش را رنج می‌داد؛ بی‌مهری او به مادر به جایی رسید که روزی مادرش را که بر اثر پیری و ضعف، توان راهرفتن نداشت، به کول گرفت و بالای کوه بُرد و در آنجا گذاشت تا طعمه درندگان بیابان شود. هنگامی که مادر را در آنجا گذاشت و از بالای کوه سرازیر شد تا به خانه باز گردد؛ مادرش در این فکر افتاد مبادا پسر در مسیر پرتگاه کوه بیفتد و بدنش خراش بردارد و یا طعمه درندگان گردد؛ برای پسرش چنین دعا کرد:

خدایا! پسر را از طعمه درندگان و از گزند حوادث حفظ کن تا به سلامت به خانه‌اش بازگردد.

از سوی خداوند به موسی عَلَيْهِ السَّلَام خطاب شد: ای موسی! به آن کوه برو و منظره مهر مادری را ببین.

جفا دیده اما دعا می‌کند

ببین مهر مادر چه‌ها می‌کند

موسی عَلَيْهِ السَّلَام به آنجا رفت. وقتی مهر مادری را دریافت، احساساتش به جوش و خروش

آمد که به راستی مادر چقدر مهربان است؛ ولی خداوند به او وحی کرد:
ای موسی! من به بندگانم مهربان تر از مادر هستم.

<p>ز سوی خدای غفور و رحیم منم مهربان تر به مخلوق خویش ندانسته از من جدایی کند که با توبهای ناز او می کشم</p>	<p>دوباره خطاب آمدی بر کلیم که موسی از این مادر دلپریش ولی حیف کاو خودستایی کند در عین بدی من از آن دل خوشم</p>
---	--

متن:

در فرازی دلنشین از دعای نورانی کمیل، دربارهٔ وسعت رحمت الهی، خطاب به خداوند بی‌همتا می‌گوییم: «اللهم انی اسئلك برحمتک التی وسعت کل شیء»: خدایا! من از تو درخواست می‌کنم به واسطه رحمتت که همه چیز را فرا گرفته است

این جمله زیبا و پرمحتوا حکایت از آن دارد که نور رحمت خداوند؛ همچون آفتاب عالمتاب تمام موجودات نظام هستی را در برگرفته و از بزرگ‌ترین آنها گرفته تا کوچک‌ترینشان از رحمت بی‌پایان خداوند بهره‌مند شده و از ظلمت نیستی بیرون آمده و لباس هستی را براندام خود پوشانده‌اند.

آفرینش موجودات و روزی‌رساندن به آنها، نزول آیات، بعثت انبیاء، هدایت گمراهان، زنده‌شدن مردگان و برپایی قیامت، بهشت، جهنم و... تنها شعاعی از نور پر فروغ مهربانی و رحمت خداست.

در قرآن آمده است: تنها کافرین از رحمت خدا مأیوس می‌شوند.^۱
رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «سوگند به کسی که جانم در دست اوست، خداوند متعال بر بنده خویش مهربان‌تر از مادر مهربان و دلسوز نسبت به فرزندش می‌باشد».^۲

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در یکی از سفرهای خود به زنی که دارای کودکی بود، برخورد نمود که در حال پختن نان بود. به آن زن گفتند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از اینجا عبور می‌کند. آن زن نزد حضرت آمد و گفت: ای رسول خدا! به من خبر رسیده که شما گفته‌اید که خداوند نسبت به بنده‌اش مهربان‌تر از مادر نسبت به فرزندش می‌باشد؟ حضرت فرمود: آری چنین است که می‌گویی. زن گفت: مادر هرگز حاضر نمی‌شود فرزندش را در این تنور بیندازد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گریست و فرمود: خداوند به آتش عذاب نمی‌کند؛ مگر کسی که توحید را نپذیرد.^۳

۱. یوسف: ۸۷.

۲. روضة الواعظین؛ ترجمه مهدوی دامغانی؛ ص ۷۸۹.

۳. داستان‌های کشف‌الاسرار؛ ج ۴.

امام علی علیه السلام خطاب به امام حسن علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرمایند: «پسرم این قدر به مهربانی خدا امید داشته باش که اگر تمام بدی‌های عالم را پیشش ببری، تو را ببخشد و آن قدر از جباریت خدا بترس که اگر تمام خوبی‌های عالم را نزد خدا ببری، تو را نبخشد».

موجبات رحمت خدا

۱. ایمان و پرهیز از شرک به خدا

«وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ»^۱ رحمت من هر چیزی را احاطه کرده است. زمانی که این آیه نازل شد، ابلیس گفت: من نیز شیئی هستم و به رحمت خدا امید بست و یهود و نصاری نیز امیدوار شدند؛ ولی آنگاه که جزء بعدی نازل شد: «فَسَأَلْتُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ»^۲ من این رحمت را بر آنان [نازل] می‌کنم که از شرک دوری جویند و زکات بدهند و کسانی که بر آیات ما ایمان داشته باشند.

۲. ایمان به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

ابلیس ناامید شد؛ لیکن یهود و نصاری گفتند: ما شرک نمی‌کنیم، زکات می‌دهیم و به آیات الله ایمان داریم.

ولی بعد از نازل شدن ادامه آیه که می‌فرماید:

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ»^۳ و آنان که از نبی امی پیروی می‌کنند.

یهود و نصاری نیز مأیوس شدند. حال فقط مؤمنین مستحق آن آیه شدند که باید بی‌حد و شمار شکرگذار این نعمت عظیم باشند.

۳. ایمان به قرآن

«وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۴ این کتابی که فرو فرستادیمش

مبارک است، پس از آن پیروی کنید و تقوا پیشه کنید. شاید مورد رحمت قرار بگیرید.

۴. مهربانی با مردم

امام علی علیه السلام فرمودند: «بهترین وسیله برای جلب رحمت خداوند متعال، مهربان بودن با

همه مردم است»^۵.

۱. اعراف: ۱۰۶.

۲. همان.

۳. همان: ۱۵۷.

۴. انعام: ۱۵۵.

۵. غرر الحکم و درر الکلم؛ ص ۲۱۶.

تنوع:

به سؤالات جواب داده و طبق راهنما کلمات را در جدول بچینید. حالا حرف اول را بنویسید و سه تا سه تا بشمارید تا رمز جدول به دست آید.

جواب: (خوشرویی ریسمان محبت است؛ کلام گهر بار علی علیه السلام)

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱

سؤالها:

۱. وسیله بازی که در بیشتر پارکها یافت می شود. تاب (۱۸ و ۱۴ و ۶)
۲. مادر همه انسانها به حساب می آید. حوا (۳ و ۴ و ۱۲)
۳. به محل رفت و آمد می گویند. مسیر (۱۱ و ۸ و ۱۶ و ۱۰)
۴. داور می زند. سوت (۱۵ و ۱۳ و ۹)
۵. بر صورت می روید و نشان مردی است. ریش (۲ و ۵ و ۷)
۶. امام خمینی اهل کجا بود؟ خمین (۱ و ۲۰ و ۱۹ و ۱۷)

دعا:

خدایا! ای کسی که گنهکاران به وسیله رحمتش فریادرسی می کنند
و ای کسی که بیچارگان به یاد احسانش پناه می برند
و تویی که از هر که به او نعمت بخشی، توقع پاداش نداری
و من ای معبود من، آن بنده توام که چون او را به دعا فرمان دادی، گفت: لبیک و
سعدیک؛

حال این منم ای پروردگار من که در پیشگاهت به خاک افتاده ام؛
منم که بار خطاها پشتم را گران کرده است.

تکلیف:

۱. امشب بعد از نماز از خداوند به دلیل همهٔ مهربانی هایش تشکر کنیم.
۲. محاسبه کنید چند بار در طول روز در نمازها ما خدا را به نام رحمان و رحیم می خوانیم؟

کوچه باغ پانزدهم: فضیلت تلاوت قرآن

«وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا؛ و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می‌کنیم؛ ولی ستمگران را جز زیان نمی‌افزاید.

اسرا: ۸۲.

سر دفتر به نام آن خداوند

که دلها را به قرآن داد پیوند

ایجاد انگیزه:

پیرمردی مسلمان همراه با نوه کوچکش در مزرعه‌ای زندگی می‌کرد. هرروز صبح پدربزرگ پشت میز می‌نشست و قرآن می‌خواند. نوه‌اش هر بار مانند او می‌نشست و سعی می‌کرد فقط بتواند از او تقلید کند.

یک روز نوه‌اش پرسید: پدربزرگ من هر بار سعی می‌کنم مانند شما قرآن بخوانم؛ اما آن را نمی‌فهمم و چیزی را که نفهمم، زود فراموش می‌کنم و کتاب را می‌بندم. خواندن قرآن چه فایده‌ای دارد؟

پدربزرگ به آرامی زغالی را داخل بخاری گذاشت و پاسخ داد: این سبد زغال را بگیر و برو از رودخانه برای من یک سبد آب بیاور. پسربچه گفت: اما قبل از اینکه به خانه برگردم، تمام آب از سوراخ‌های سبد بیرون می‌ریزد. پدربزرگ خندید و گفت: آن وقت مجبور خواهی بود دفعه بعد کمی سریع‌تر حرکت کنی و پسر بچه را با سبد به رودخانه فرستاد تا سعی خود را بکند.

پسر سبد را پر از آب کرد و سریع دوید؛ اما قبل از اینکه به خانه برسد، سبد خالی

شده بود. در حالی که نفس نفس می‌زد به پدر بزرگش گفت: حمل کردن آب در یک سبد غیرممکن است و رفت که به جای سبد، سطل بردارد.

پیرمرد گفت: من یک سطل آب نمی‌خواهم، یک سبد آب می‌خواهم. تو فقط به اندازه کافی سعی خود را نکردی و پدر بزرگ از در خارج شد تا تلاش دوباره پسر را تماشا کند.

این بار پسر می‌دانست این کار غیرممکن است؛ اما خواست به پدر بزرگش نشان دهد که اگر سریع‌تر هم بتواند حرکت کند، باز قبل از اینکه به خانه بازگردد، آبی در سبد وجود نخواهد داشت.

پسر دوباره سبد را در رودخانه فرو برد و سخت دوید؛ اما وقتی به پدر بزرگش رسید، سبد دوباره خالی بود. نفس نفس زنان گفت: ببین پدر بزرگ، بی‌فایده است.

پیرمرد گفت: باز هم فکر می‌کنی بی‌فایده است؟ قدری به سبد نگاه کن!

پسر به سبد نگاه کرد و برای اولین بار فهمید که سبد فرق کرده بود. سبد زغالی کهنه و کثیف، حالا به یک سبد تمیز تبدیل شده بود؛ هم داخل و هم بیرون آن.

پدر بزرگ گفت: پسر، وقتی قرآن می‌خوانی، همین اتفاق می‌افتد. تو ممکن است چیزی را نفهمی یا به خاطر نسیاری؛ اما وقتی آن را می‌خوانی، تغییر خواهی کرد؛ هم باطن و هم ظاهر تو و این کار الله است در زندگی ما.

هر نسخه مناسبت به دردی دارد این نسخه هزار درد را درمان است

متن:

قرآن کریم نور است: «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ»^۱؛
 حق هم همین است؛ چون از جانب کسی آمده است که خود نور است: «اللَّهُ نُورٌ
 السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^۲؛
 هدف نزول آن هم نورانیت بندگان است: «وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ
 عِبَادِنَا»^۳.

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «القرآن مَأْدِبَةُ اللَّهِ فَتَعَلَّمُوا مِنْ مَأْدِبَةِ اللَّهِ مَا
 اسْتَطَعْتُمْ»^۴؛ قرآن سفره آماده و گسترده الهی است، پس هر چه می‌توانید از سفره آماده
 خدا بهره‌گیری و معارف آن را فراگیرید. خداوند طبق بیان این حدیث شریف، بندگان
 خویش را برای بهره‌گیری از این سفره آماده دعوت کرده است و به میهمانی قرآن

۱. مائده: ۱۵.

۲. نور: ۳۵.

۳. شوری: ۵۲.

۴. غرر الحکم؛ ج ۲، ص ۲۷.

فراخوانده است؛ به همین دلیل در بینش اسلامی و قرآنی هرگونه انس و ارتباط با قرآن در صورتی که از روی اخلاص صورت پذیرد، ارزشمند و سبب نزدیکی به خدا و تعالی انسان می‌شود. پس پیام این حدیث نورانی آن خواهد بود که قرآن سفره گسترده الهی است و هیچ کسی در کنار این سفره پربرتکت بدون نصیب نخواهد ماند؛ زیرا اگر کسی آن را نگاه کرد، بوسید و زیارت نمود، به همان اندازه از آن سفره لقمه‌ای برداشته است. قال رسول الله ﷺ: «يَا عَلِيُّ! سَيِّدُ الْكَلَامِ الْقُرْآنُ»: ای علی! برترین سخن، قرآن است. ماه رمضان، ماه نزول قرآن و بهار آن فرصت خوبی است تا بیش از پیش با این کتاب آسمانی مأنوس شویم. بهترین راه انس با قرآن، تصمیم‌گرفتن برای حفظ قرآن کریم می‌باشد.

امام صادق عليه السلام می‌فرماید: «به درستی که درجات بهشت به اندازه آیات قرآن است. در روز قیامت به قاری قرآن گفته می‌شود: بخوان و بالا برو».^۲
 علامه حسن زاده آملی حفظه الله تعالی می‌فرماید:

....حقیقت امر این است که از همان ابتدا عشق عجیبی به دیوان شعرا و نظم شعر داشتم. به دلیل همین همان وقت، تمام دویستی‌های بابا طاهر، تمام رباعیات خیام و اکثر غزلیات حافظ را حفظ کردم و همین‌طور دیگران را و ای کاش از همان وقت کسی به من می‌گفت که ای آقا به جای اینکه اینها را حفظ کنی، شروع کن به حفظ قرآن و الآن این حسرت برای من بجا مانده که این عشق و علاقه‌ای که به دیوان‌های شعرا داشتم، کاش در حفظ قرآن به کار می‌بردم.

یکی از همراهان حضرت امام خمینی رحمته الله علیه در نجف اظهار می‌داشت: «ایشان هر روز ده جزء از قرآن را در ماه مبارک رمضان تلاوت می‌کردند».
 پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «لَا يُعَذِّبُ قَلْبًا وَعَى الْقُرْآنَ»: خداوند دلی را که ظرف قرآن شود، عذاب نمی‌کند.

آداب تلاوت قرآن

الف) طهارت دهان

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «طَيِّبُوا افواهكم فان افواهكم طريق القرآن»:^۳ دهان‌های

۱. تفسیرابی الفتوح؛ ج ۲، ص ۳۱۹.

۲. بحارالانوار؛ ج ۹۲، ص ۱۸۸.

۳. کنز العمال؛ ص ۲۷۵۲.

خود را پاک گردانید؛ زیرا دهان‌های شما مسیر و راه برای تلاوت قرآن است.

ب) استعاذه

از پناه‌بردن هنگام آغاز هر سوره‌ای از امام صادق علیه السلام سؤال شد. فرمود: «آری به خدا از شیطان رانده شده پناه ببرید»^۱.

ج) ترتیل

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «ترتیل یعنی آن را به طور روشن بیان کن؛ نه مانند اشعار سریع و پشت سر هم بخوان و نه مانند دانه‌های شن آن را پراکنده ساز؛ لکن چنان بخوان که دل‌های سنگین را با آن بکوبی و بیدار کنی. هرگز هدف شما این نباشد که حتماً به آخر سوره برسید. [هدف شما این باشد که معارف آن را بفهمید و عمل کنید].»^۲

د) تدبر

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «الا لاخیر فی قرائت لیس فیها تدبیر الا لاخیر فی عبادۃ لیس فیها تفقہ»^۳: آگاه باش خیری نیست در قرائت قرآنی که در آن تدبر نباشد، آگاه باش خیری نیست در عبادتی که در آن فهم نباشد.

ه) صوت زیبا

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: «زینوا القرآن باصواتکم»^۴: به وسیله صدایتان قرآن را زینت دهید.

مسابقه از کی بپرسم؟

۱. قرآن چند «حزب» دارد؟ قرآن دارای ۱۲۰ حزب است.
۲. کدام سوره قرآن دو «بسم الله الرحمن الرحيم» دارد؟ سوره نمل دو «بسم الله الرحمن الرحيم» دارد.
۳. کدام سوره قرآن «بسم الله الرحمن الرحيم» ندارد؟ سوره توبه (برائت) «بسم الله الرحمن الرحيم» ندارد.
۴. قرآن چند «بسم الله» دارد؟ قرآن ۱۱۵ «بسم الله» دارد.
۵. کدام سوره از قرآن نام آن یکی از اصول دین است؟ «توحید».

۱. تفسیر عیاشی؛ ج ۲، ص ۲۷۰.
 ۲. کافی؛ ج ۲، ص ۶۱۴.
 ۳. بحار الانوار؛ ج ۹۲، ص ۲۱۱.
 ۴. همان؛ ص ۱۹۰.

۶. کدام سوره از سوره‌های قرآن به اسم یکی از فروع دین می باشد؟ «حج».
۷. کدام سوره قرآن به نام یکی از فلزات است؟ حدید که به معنای آهن است.
۸. نام موجودی که نه انسان است و نه حیوان و نه فرشته و نام یکی از سوره‌های قرآن است؟ جن.
۹. سوره‌های را نام ببرید که نام میوه‌های است و خداوند به آن قسم خورده است؟ «تین».
۱۰. نام مرد دانشمندی که یکی از سوره‌های قرآن به نام اوست، چیست؟ «لقمان».
۱۱. نام سوره‌های را که به نام یکی از روزهای هفته است، ذکر کنید. «جمعه».
۱۲. کدام سوره به «قلب قرآن» معروف است؟ «یس».
۱۳. کدام سوره به «عروس قرآن» مشهور است؟ «الرحمن».
۱۴. چه تعداد از سوره‌های قرآن، سجده واجب دارد؟ چهار سوره: نجم، فصلت، علق و سجده.
۱۵. کدام سوره قرآن به مادر قرآن معروف است؟ «سوره حمد».
۱۶. والاترین آیه قرآن کریم کدام است؟ «آیه الکرسی».

دعا:

وَزَيِّنْ أَخْلَاقَنَا بِالْقُرْآنِ	اللَّهُمَّ نَوِّرْ قُلُوبَنَا بِالْقُرْآنِ
وَأَشْفِ مَرَضِينَا بِالْقُرْآنِ	وَأَصْلِحْ أُمُورَنَا بِالْقُرْآنِ
وَفَرِّجْ هُمُومَنَا بِالْقُرْآنِ	وَادِّ دِيُونَنَا بِالْقُرْآنِ
وَسَلِّمْ مُسَافِرِينَا بِالْقُرْآنِ	وَاعْفِرْ لِمُوتِنَا بِالْقُرْآنِ
وَعَجِّلْ فَرَجَ إِمَامٍ بِالْقُرْآنِ	وَحَفِظْ إِمَامَ زَمَانِنَا بِالْقُرْآنِ
وَأَكْشِفْ كُرُوبَنَا بِالْقُرْآنِ	وَأَحْفِظْ عَلَمَانَنَا بِالْقُرْآنِ
وَأَرْحَمْ إِمَامَنَا الْخَمِينِي بِالْقُرْآنِ	وَأَحْفِظْ قَاءَ دُنَا الْخَامِنَةِ إِي بِالْقُرْآنِ
وَأَرْحَمْ شُهَدَاءَنَا بِالْقُرْآنِ	وَأَنْصُرْ جُيُوشَنَا بِالْقُرْآنِ
وَأَدْخِلْنَا فِي الْجَنَّةِ بِالْقُرْآنِ	وَنَجِّنَا مِنَ النَّارِ بِالْقُرْآنِ
اللَّهُمَّ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي الدُّنْيَا قَرِينًا وَفِي الْقَبْرِ مُوَسِّئًا وَأَنْيَسًا وَعَلَى الصِّرَاطِ نُورًا وَدَلِيلًا وَفِي الْجَنَّةِ رَفِيقًا وَشَفِيقًا	

تکلیف:

۱. دعای اللهم نور قلوبنا بالقرآن را حفظ کنید و هر جلسه یک نفر در پایان کلاس بخواند.
۲. هر روز در ماه مبارک رمضان در جلسات قرآن شرکت کرده و قرآن تلاوت نمایید.

کوچه باغ شانزدهم: نماز جماعت

«وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّكْعِينَ؛ وَنَمَازًا بِرًّا بِمَا دَرَيْدُ وَزَكَاتًا رَا بَدْهِيْدُ
وَ بِا رْكُوعِ كُنْدِگَانِ رْكُوعِ كُنِيْدُ».

بقره: ۴۳.

خداوند بخشنده مهربان

به نام خداوند جان و جهان

ایجاد انگیزه:

او از همان سنین کودکی به نماز اول وقت اهمیت می‌داد و فضیلت نماز اول وقت را با هیچ چیز دیگر عوض نمی‌کرد. در دوران جوانی که به ورزش کشتی می‌رفت، روزی برای انجام مسابقات به اتفاق هم به سالن رفتیم. مسابقه فینال بود. در میان جمعیت به تماشا نشسته بودم که چند نفر از رقیبان با هم مبارزه کردند. نوبت به عباس (شهید عباس بابایی) رسید. چندبار نام او را برای مبارزه خواندند؛ اما او حاضر نشد تا اینکه رقیب او برنده اعلام شد. نگران شدم و با خودم گفتم: یعنی عباس کجا رفته؟ در جستجوی او بودم که نگاهم به او افتاد که از درب سالن وارد می‌شد. جلو رفتم و گفتم: کجا بودی؟ اسمت را خواندند، نبودی؟ گفت: وقت نماز بود، نماز از هر کاری برایم مهمتر است رفته بودم نماز جماعت.

متن:

آثار نماز جماعت:

رسول خدا ﷺ فرمود: «اگر نماز صبح را به جماعت بخوانم، در نظرم محبوب‌تر

از عبادت و شب زنده‌داری تا صبح است»^۱.

حدیث جالبی در بیان فضیلت نماز جماعت است که قسمتی از آن در رساله‌های عملیه هم ذکر شده است. ترجمه حدیث چنین است:

اگر اقتداکننده یک نفر باشد، پاداش ۱۵۰ نماز داده می‌شود.

اگر اقتداکننده دو نفر باشد، پاداش ۶۰۰ نماز داده می‌شود.

اگر اقتداکننده سه نفر باشد، پاداش ۱۲۰۰ نماز داده می‌شود.

اگر اقتداکننده چهار نفر باشد، پاداش ۲۴۰۰ نماز داده می‌شود.

اگر اقتداکننده پنج نفر باشد، پاداش ۴۸۰۰ نماز داده می‌شود.

اگر اقتداکننده شش نفر باشد، پاداش ۹۶۰۰ نماز داده می‌شود.

اگر اقتداکننده هفت نفر باشد، پاداش ۱۹۲۰۰ نماز داده می‌شود.

اگر اقتداکننده هشت نفر باشد، پاداش ۳۶۴۰۰ نماز داده می‌شود.

اگر اقتداکنندگان و امام جماعت به ده نفر رسیدند، پاداش ۷۲۸۰۰ نماز دارد.

ولی همین که عدد افراد از ده نفر گذشت، حساب آن را جز خداکسی نمی‌داند.^۲

در حدیث دیگر است: هر که نماز جماعت را دوست بدارد، خدا و فرشتگان او را دوست می‌دارند.^۳

در زمان پیامبر ﷺ هرگاه افراد نماز جماعت کم می‌شدند، آن حضرت به جستجو و تفقد از افراد می‌پرداخت.

رسول خدا ﷺ درباره اهمیت جماعت فرمود: «یک نماز با جماعت، بهتر از چهل سال نماز فرادا در خانه است. پرسیدند: آیا فقط یک روز نماز؟ فرمود: بلکه یک نماز».^۴

و می‌فرمودند: صف‌های نماز جماعت، همانند صف‌های فرشتگان در آسمان چهارم است.^۵

نماز جماعت مقدمه وحدت صفوف، نزدیکی دل‌ها و تقویت‌کننده روح برادری است.

نماز جماعت نشان‌دهنده قدرت مسلمین، الفت دل‌ها و انسجام صفوف است.

نوعی حضور و غیاب بی‌تشریفات و بهترین راه شناسایی افراد است.

در نماز جماعت افراد در یک صف قرار می‌گیرند و امتیازات موهوم صنفی، نژادی،

زبانی، مالی و... کنار می‌رود و صفا، صمیمیت و نوع‌دوستی در دل‌ها زنده می‌شود و

مؤمنان با دیدار یکدیگر در صف عبادت، احساس دل‌گرمی، قدرت و امید می‌کنند.

۱. کنز العمال؛ ج ۸، ح ۲۲۷۹۲.

۲. مستدرک الوسائل؛ ج ۱، ص ۴۸۷ و رساله حضرت امام؛ مسئله ۱۴۰۰.

۳. همان؛ ص ۴۸۸.

۴. همان.

۵. همان.

نماز جماعت عامل نظم و انضباط، صف‌بندی و وقت‌شناسی است. نماز جماعت بهترین، بیشترین، پاکترین و کم‌خرج‌ترین اجتماعات دنیاست و نوعی دید و بازدید مجانی و آگاهی از مشکلات و نیازهای یکدیگر و زمینه‌ساز تعاون اجتماعی بین آحاد مسلمین است.

تفرقه‌ها را می‌زداید، بیم در دل دشمنان می‌افکند، منافقان را مأیوس می‌سازد، خار چشم بدخواهان است.

نماز جماعت نمایش حضور در صحنه و پیوند «امام» و «امت» است. روحیه فردگرایی، انزوا و گوشه‌گیری را از بین می‌برد و نوعی مبارزه با غرور و خودخواهی را در بر دارد.

نماز جماعت کینه‌ها، کدورت‌ها و سوءظن‌ها را از میان می‌برد و سطح دانش، عبودیت و خضوع را در جامعه اهل نماز افزایش می‌دهد.

به دلیل این همه آثار است که به نماز جماعت، توصیه فراوان شده است؛ حتی نابینایی وقتی از حضور پیامبر اجازه خواست که به مسجد نیاید، آن حضرت فرمود: از خانه تا مسجد ریسمانی ببندد و به کمک آن خود را به نماز جماعت برساند.^۱

همچنین نابینایی که اجازه ترک شرکت در نماز خواستند، رسول خدا ﷺ اجازه نفرمود.^۲

از طرف دیگر برخورد شدید نسبت به کسانی که به نماز جماعت اهمیت نمی‌دهند، نشان دیگری بر اهمیت و سازندگی آن است.

قرآن می‌فرماید: «وَأَقِمْوُا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاٰكِعِينَ»^۳: و نماز را بر پا دارید و زکات را بدهید و با رکوع‌کنندگان رکوع کنید.

۱. رابطه با خدا به وسیله نماز و کمک به خلق خدا به وسیله زکات و همراهی با دیگران، یک مثلث مقدس است: «اقیموا، اتوا، ارکعوا»؛

۲. اصل فرمان نماز با جماعت است. اساس دین بر حضور در اجتماع و دوری از انزوا و گوشه‌نشینی است: «وارکعوا مع الراکعین».

تنوع

* شخصی در نماز جماعت حاضر شد و امام جماعت سوره بقره را می‌خواند. آن شخص

۱. وسائل الشیعه؛ ج ۵، ص ۳۷۷.

۲. کنز العمال؛ ج ۸، ص ۲۵۵.

۳. بقره: ۴۳.

خسته شد و نماز را فرادا خواند و پی کار خود رفت. روز بعد به جماعت آمد و امام شروع به خواندن سوره فیل کرد. نمازگزار گفت: پناه بر خدا! من که نتوانستم بر سوره بقره صبر کنم، چطور به سوره فیل می‌توانم ایستاد؟

معما

کدام نماز چهار رکعتی است که چهار تشهد دارد؛ دو تای آن واجب و دو تا مستحب؟
نماز جماعتی که مأموم یک رکعت دیرتر برسد.

دعا:

خدایا به همه ما توفیق حضور در مسجد و خواندن نماز جماعت عنایت بفرما.
خدایا به ما کمک کن مشوق دوستانمان برای شرکت در نماز جماعت باشیم.

تکلیف:

۱- با دوستان خود تمرین کنید که اگر رکعت دوم، سوم و یا چهارم نماز رسیدید، چگونه باید به جماعت اقتدا کنیم؟

کوچه باغ هفدهم: دست های آسمانی

«وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ؛ و خدای شما فرمود که مرا با [خلوص دل] بخوانید تا دعای شما مستجاب کنم. آنان که از [دعا و] عبادت من دوری کنند، به زودی با ذلت و خواری وارد جهنم شوند».

غافر: ۶۰.

کند آرام قلب بندگانش

بنام آن خداوندی که یادش

ایجاد انگیزه:

میوه‌ها تا زمانی که به شاخه درخت متصل هستند، مراحل رشد را طی کرده و مدت زمان طولانی باقی می‌مانند؛ اما اگر این میوه‌ها از درخت جدا شوند، دیگر مدت طولانی نمی‌توان آن را با طراوت و شادابی نگهداری کرد و به زودی از بین خواهند رفت. دعا عامل اتصال انسان به خدا است. اگر این اتصال از بین برود، انسان سقوط می‌کند و از بین می‌رود؛ زیرا دعا و ارتباط با خدا باعث می‌شود قلب انسان صاف شده و ناراحتی و زشتی‌هایی که بر اثر گناه به وجود آمده از بین برود. از طرفی خدای مهربان چنان مشتاق ما بندگان است که می‌فرماید: اگر به درگاه خداوند بی‌نیاز نرویم، خداوند به ما توجهی نمی‌کند. پس باید با ادب و احترام از خداوند بخشنده، درخواست خود را از او بخواهیم.

متن:

انسان هر دعایی می‌کند، یکی از سه نتیجه را برای او دارد:

۱. دعای او در دنیا مستجاب می‌شود.

۲. دعا برای آخرت او ذخیره می‌شود.

۳. بلایی که قرار است بر سر انسان بیاید، با آن دعا دفع می‌شود.

آداب دعا:

«شخصی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد خداوند در قرآن می‌فرماید: «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم». ما خدا را می‌خوانیم و دعا می‌کنیم؛ ولی خداوند دعاها را مستجاب نمی‌کند. دلیل آن چیست؟ امام فرمودند: آیا به گمان تو، خدا به وعده‌ای که داده، عمل نمی‌کند؟ عرض کردم: نه. فرمود: پس چرا دعای شما مستجاب نمی‌شود؟ گفتم: نمی‌دانم. حضرت فرمود: ولی من راز آن را به تو می‌گویم. هر شخصی انسان خوبی باشد و آنچه خدا گفته اطاعت کند، سپس به شیوه مخصوص دعا کند، دعای او مستجاب می‌شود. آن شخص گفت: منظورتان از شیوه دعا چیست؟

فرمودند: اول: حمد خدا و ستایش خدا را به جا می‌آوری؛

دوم: خدا را شکر می‌کنی و بعد بر محمد و آل محمد صلوات می‌فرستی؛

سوم: نعمت‌هایی را که خدا به تو داده است، بر زبان می‌آوری؛

چهارم: سپس گناهان خود را به یاد می‌آوری و به آنها اقرار می‌کنی و از آنها به خدا پناه

می‌بری. آن‌گاه حاجت خود را طلب می‌کنی و این است آداب دعا.^۱

البته برای دعا شرایط ظاهری نیز وجود دارد از جمله:

۱. سعی کنیم اول یک صدقه داده بعد دعا کنیم که دعای با صدقه بهتر مستجاب می‌شود.

۲. «بسم الله الرحمن الرحيم» بگوییم.

۳. خدا را حمد و سپاس بگوییم.

۴. بر پیامبر و آلش صلوات بفرستیم.

۵. دست‌ها را بلند کنیم.

۶. برای دیگران هم دعا کنیم.

۷. اگر امکان دارد، دعای دسته جمعی بخوانیم.

۸. اگر کار زشتی انجام داده‌ایم، تصمیم بگیریم دیگر آن را انجام ندهیم.

۹. یقین داشته باشیم که دعا مستجاب می‌شود.

و دعا کنیم که دعا مستجاب می‌شود.

۱. کلینی؛ اصول کافی؛ ج ۲، ص ۴۸۶.

انواع دعا:

۱. دعای کودکانه: بعضی‌ها از خدا چیزهای بی‌ارزش می‌خواهند؛ مثلاً جوانی در قنوت نماز با گریه می‌گفت: خدایا موتور پرشی به من بده.
۲. دعای مردانه: بعضی از مردم در دعای خود جدی هستند، از اعماق جان از خدا می‌طلبند و چیزهای بزرگ می‌خواهند.
۳. دعای صادقانه: بعضی افزون بر اینکه با زبان دعا می‌کنند، در دل هم خواهند و اعتقاد دارند جز او کسی نیست که حاجات‌شان را برآورده سازد.
۴. دعای شاکرانه: بعضی دعا می‌کنند به دلیل آنچه خدا به او داده است، توفیق زیادتی و ثبات آن را از خدا دارند:
«لَعِنَ شُكْرَتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»
۵. دعای خاضعانه: هرکسی عظمت و قدرت خدا را درک کند، با کمال خضوع و خشوع فقط از او طلب خواهد کرد.
۶. دعای طلب‌کارانه: بعضی با خدا طوری حرف می‌زنند، انگار از خدا طلب‌کارند.
۷. دعای احمقانه: بعضی از مردم چیزهایی از خدا می‌خواهند که به ضرر آنها است.
۸. دعای شبانه:

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ از یمن دعای شب و ورد سحری بود

۹. دعای مودبانه: دعا آدابی دارد که باید آنها را رعایت کرد و بعد از رعایت آن از خدا طلب نمود.

تنوع:

جدول

با توجه به حدیث، کلمات را در جای مناسب قرار دهید:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ وَعِمَادُ الدِّينِ وَنُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»

ستون	مومن	نور	سلاح	زمین	دین	آسمانها	دعا
------	------	-----	------	------	-----	---------	-----

پیامبر ﷺ فرمود: دعا و و و است.

داستان

پسر فقیری طبق معمول هر روز، جلوی کفش فروشی می‌ایستاد و به کتانی‌های سفید رنگ با حسرت نگاه می‌کرد و بعد به بسته‌های چسب زخمی که در دست داشت خیره می‌شد و یاد حرف پدرش افتاد: «اگر تا پایان ماه هر روز بتونی تمام چسب زخم‌هایت را بفروشی، آخر ماه کتانی‌های سفید رو برات می‌خرم». یک روز پسر به کتانی‌ها نگاه کرد و با خود گفت: یعنی من باید دعا کنم که هر روز دست و پا یا صورت ۱۰۰ نفر زخم بشه تا از من چسب بخرند. بعد شانهایش را بالا انداخت و راه افتاد و گفت: نه... خدا نکنه... اصلاً من کتانی نمی‌خوام.

دعا:

یارب به محمد و علی و زهرا	یارب به حسین و حسن و این آل عبا
کز لطف بر آر حاجتم در دو سرا	بی منت خلق یا علی اعلی

تکلیف:

۱. با رجوع به سوره بقره، آیه ۱۸۶ و ترجمه آن را ببینند.
۲. هر دعایی که بعد از نماز ظهر می‌کنید را در دفتر خود نوشته و جلسه بعد به کلاس بیاورید.

کوچه باغ هجدهم: صداقت

«قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ، لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ، ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛ امروز روزی است که راستی راستگویان به آنها سود می‌بخشد. برای آنها باغ‌هایی [از بهشت] است که آب از زیر [درختان] آن جریان دارد و جاودانه و برای همیشه در آن می‌مانند. خداوند از آنها خشنود و آنها از خداوند خشنود خواهند بود و این رستگاری بزرگی است.»

در باغ قلب ما هر گل به رنگ توست آغاز درس ما نام قشنگ توست

ایجاد انگیزه:

عبدالرحمن بن سیابه می‌گوید:

هنگامی که پدرم از دنیا رفت، یکی از دوستانش به منزل ما آمد و کیسه‌ای که هزار درهم در آن بود، به من داد و گفت: «خوب از آن محافظت کن و از سودش استفاده کن.» با خوشحالی این خبر را به مادرم دادم و همان شب نزد یکی از دوستان پدرم رفتم و مقداری پارچه و لباس خریدم. کم‌کم شروع کردم به خرید و فروش و خداوند نیز روزی فراوانی به ما داد. سپس تصمیم گرفتم به حج بروم. مادرم گفت: پول آن شخص را به او پس بده. من پول او را بردم تحویلش دادم و به حج مشرف شدم. سپس از آنجا به مدینه رفتم و همراه سایر مردم به خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم.

حضرت فرمود: «پدرت چه می‌کند؟»

عرض کردم: از دنیا رفته است. امام ناراحت شد و برایش طلب رحمت کرد. بعد پرسید:

«پدرت ارثی هم باقی گذاشته؟»

عرض کردم: خیر.

حضرت فرمود: «پس چطور توانستی به حج مشرف شوی؟»

من داستان مردی را که هزار درهم داده بود، برایش بازگو کردم. هنوز حرفم تمام نشده بود که از من پرسیدند: «هزار درهم را چه کردی؟»

گفتم: به صاحبش برگرداندم.

فرمود: «کار خوبی کردی.»

آن گاه فرمود: «می خواهی به تو سفارشی بکنم؟»

عرض کردم: بفرمایید.

فرمود: «راستگویی و امانتداری پیشه کن که با این دو کار در سرمایه‌های مردم شریک خواهی شد.»

آن گاه انگشت‌های خود را جمع کرد؛ یعنی همانند این انگشت‌ها که کنار هم قرار می‌گیرند، در اموال مردم شریک می‌شوی. من هم به سفارش امام عمل کردم و طولی نکشید که سه هزار درهم سود بردم.

متن:

راستگویی از اعمال نیکوی انسانی و نزد دین و عقل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. فطرت پاک انسان ایجاب می‌کند که آدم سالم و متعادل، دل و زبانش یکسو و هماهنگ باشد، ظاهر و باطنش یکی باشد و آنچه را باور دارد بر زبان جاری کند. اسلام دینی فطری است و راستی نیز خواست فطرت است، پس این دو پیوندی ناگسستنی دارند و در روایات اسلامی با تعبیر گوناگونی بر راستگویی مسلمانان تأکید شده و آن را از اصول ایمان و تدین به حساب آورده‌اند.

۱. «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ»: اِخْدَائِ عَزَّوَجَلَّ هَيْجِ پيامبری را نفرستاد، مگر با راستگویی و برگرداندن امانت به نیکوکار و یا بدکار.

۲. امام صادق عليه السلام: «لَا تَغْتَرَّوْا بِصَلَاتِهِمْ وَلَا بِصِيَامِهِمْ، فَإِنَّ الرَّجُلَ رُبَّمَا لَهَجَ بِالصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ حَتَّى لَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ، وَلَكِنْ اخْتَبَرُوهُمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ»: فریب نماز و روزه مردم را نخورید؛ زیرا آدمی گاه چنان به نماز و روزه خو می‌کند که اگر آنها را ترک

۱. کافی؛ ج ۲، ص ۱۰۴، ح ۱.

۲. همان؛ ح ۲.

گوید، احساس ترس می‌کند، بلکه آنها را به راستگویی و امانتداری بیازماید.

۳. امام علی علیه السلام: «الْمُؤْمِنُ صَدُوقُ اللِّسَانِ بَدُولُ الْحَسَانِ»: مؤمن بسیار راستگو و بسیار نیکوکار است.

با این وصف سخن گزافی نیست اگر بگوییم راستی و درستی شالوده دین و ایمان را تشکیل میدهد و آنکه از این خصلت زیبا و حیاتی برکنار باشد، در واقع دین در او بی ریشه است.

آثار راستگویی

راستگویی پیامدهای ارزشمند و نیکویی دارد که برخی از آنها به شرح ذیل است:

۱. توجه و عنایت الهی:

امام علی علیه السلام: «أَلَا فَاصْدُقُوا فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّادِقِينَ»: هان! راست بگویید که خدا با راستگویان است.

۲. رهایی از مشکلات:

امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «عَاقِبَةُ الصِّدْقِ نَجَاةٌ وَ سَلَامَةٌ»: ^۲ عاقبت راستگویی، نجات و سلامت است.

اگر انسان راستگو بوده و به این وصف شناخته شود، مورد اعتماد مردم قرار می‌گیرد و سخن او را می‌پذیرند. در این صورت اگر برای شخص صادق گرفتاری پیش بیاید، امتیاز راستگویی سبب نجات او می‌شود و از گرفتاری و خطر به سلامت می‌گذرد.

۳. بزرگی و منزلت:

از امیرمؤمنان علیه السلام روایت شده: «عَلَيْكَ بِالصِّدْقِ، فَمَنْ صَدَقَ فِي أَقْوَالِهِ جَلَّ قَدْرُهُ»: ^۳ بر تو باد به راستگویی؛ زیرا کسی که در گفتارش صادق باشد، مقام و منزلتش بزرگ می‌شود.

۴. خیر دنیا و آخرت:

علی علیه السلام فرمودند: «چهار چیز است که به هر کس بخشیده شده باشد، به تحقیق خیر دنیا و آخرت به او بخشیده شده است: راستگویی، اداکردن امانت، نگهداری شکم از حرام و خوش اخلاقی».

۱. من لا یحضره الفقیه؛ ج ۱، ص ۲۰۵.

۲. غررالحکم؛ ص ۴۶۶.

۳. غررالحکم؛ ص ۴۴۶.

۵. پادشاه‌های اخروی:

قرآن کریم در توصیف قیامت می‌فرماید: «قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»^۱ خداوند می‌فرماید: امروز روزی است که راستی راستگویان به آنها سود می‌بخشد. برای آنها باغ‌هایی [از بهشت] است که آب از زیر [درختان] آن جریان دارد و جاودان در آن می‌مانند. خداوند از آنها خشنود و آنها از خداوند خشنود خواهند بود و این رستگاری بزرگی است.

تنوع:**روایات راستی**

از امام علی علیه السلام سؤال شد چه کسی نزد خدا گرامی‌تر است؟
کسی که همه جا بگوید.

در جای دیگر فرمودند:

هنگامی که خدا کسی را دوست بدارد، خداوند را به قلب او می‌افکند.
امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

..... سبب اصلاح هر چیز و سبب فساد همه چیز می‌شود.

احکام راستی

۱. دروغ‌گفتن است. (حرام)

۲. بعضی شوخی‌های دروغ نیز است. مانند فردی که به شوخی به دوستش می‌گوید: دیروز تصادف وحشتناکی در خیابان اتفاق افتاد و دوستش گمان می‌کند که راست می‌گوید. هرچند که بعد بگوید: شوخی کردم. این سخن دروغ و حرام است.

۳. دروغ‌گفتن برای نجات جان (خود) یا مؤمن دیگر و آشتی دادن دو نفر نیست.

۴. (قسم) خوردن حتی به راست، مکروه و قسم دروغ، حرام است.

۵. دروغ‌بستن به خدا، پیامبر و امامان معصوم از روی عمد (روزه) را باطل می‌کند.

۱. مائده: ۱۱۹.

دعا:

بارالها ما را به راه راست هدایت فرما.
خدایا شنیده‌ایم که راه راست راه انبیا، صدیقین، شهدا و صالحین است، پس ما را از
صدیقین قرار ده و در قیامت ما را همنشین پیامبر قرار ده.
مهربانا در دنیا و آخرت ما را از اهل بیت پیامبر که از راستگویان بوده‌اند، جدا مفرما.

تکلیف:

۱. برخی از گناهان زبان را نام ببرید.
۲. به کمک والدین خود پنج راه فرار از دروغ و ترویج راستگویی را بیان کنید.

کوچه باغ نوزدهم: دروغ

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ؛ چه کسی ستم‌کارتر از آن کس است که بر خدا دروغ بسته یا حق را پس از آنکه به سراغش آمده، تکذیب نماید؟! آیا جایگاه کافران در دوزخ نیست؟»

بنام آن که دل کاشانه اوست چراغ هر کسی در خانه اوست

ایجاد انگیزه:

پیامبر ﷺ فرمود: شخصی نزد من آمد و گفت: برخیز! برخاستم و با او به جایی رفتم. در آنجا دو نفر بودند. یکی ایستاده و یکی نشسته، شخص ایستاده، یک انبر آهنی بزرگی در دست داشت و به دهان آن شخص نشسته می‌گذاشت و دو طرف دهان او را با انبر می‌گرفت و می‌کشید، به طوری که به هر طرف می‌کشید آن شخص نشسته به همان طرف خم می‌شد. من از آن شخص همراه پرسیدم: این صحنه چیست؟ گفت: این شخص نشسته در دنیا دروغگو بود و بی‌توبه از دنیا رفت. اکنون در این عالم (برزخ) تا فرا رسیدن قیامت همواره این‌گونه عذاب می‌شود.^۱

دروغ آدمی را کند شرمسار دروغ آدمی را کند بی‌وقار^۲

متن:

دروغ؛ یعنی خبری که خلاف واقع است و حقیقت ندارد. دروغ با راستی مخالف است. دروغ مانند کلید قفل خانه‌ای است که تمام گناهان در آن خانه باشند؛ بنابراین دروغ یکی از بزرگ‌ترین گناهان به شمار می‌رود.

۱. محجه البیضا؛ ج ۵، ص ۲۳۴.

۲. رهنمون.

ریشه‌های دروغ:

- 👉 دشمنی؛
- 👉 حسد؛
- 👉 خشم و عصبانیت؛
- 👉 علاقه به مال دنیا؛
- 👉 علاقه به مقام و جایگاه دنیایی؛
- 👉 علاقه به افراد (برای جلب نظر).

آثار زیان‌بار دروغ‌گویی:

۱. فرشتگان از انسان دور می‌شوند:
امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا كَذَبَ الْعَبْدُ كَذَبَهُ تَبَاعَدَ الْمَلِكُ مِنْهُ مَسِيرَةَ مِيلٍ مِنْ نَتَنِ مَا جَاءَ بِهِ»! هنگامی که انسان دروغی بگوید، فرشته به اندازه یک میل از او دور می‌شود. به دلیل بوی بدی که از عمل او برمی‌خیزد.
۲. دروغ‌گویی، باعث رسوایی و از دست‌دادن پایگاه اجتماعی و اعتماد مردم است.
۳. اثر دروغ این است که انسان را به دروغ‌های دیگر و حتی گناهان دیگر دعوت می‌کند؛ زیرا دروغگو برای مخفی کردن دروغ خود گاه مجبور می‌شود دروغ‌های زیاد دیگری بگوید یا دست به کارهای خطرناکی بزند.
۴. دروغ به شخص دروغگو امکان می‌دهد تا موقتاً پرده‌ای بر خلاف‌کاری‌های خود بیندازد، در حالی که اگر راست بگوید، به ناچار باید آن اعمال را ترک کند.
۵. دروغ انسان را به تدریج به نفاق و دورویی می‌کشاند؛ زیرا دروغ‌شاخه‌ای از شاخه‌های نفاق است. در حدیثی از امیرمؤمنان علیه السلام آمده است که فرمودند: «الْكُذْبُ يُوَدِّي إِلَى النِّفَاقِ»: دروغ انسان را به نفاق می‌کشاند.
۶. اثر زیان‌بار دروغ که در دانش ظاهر می‌شود این است: اگر افراد محقق در یک یا چند مورد دروغ بگویند، تمام تحقیقات و کتاب‌های علمی خود را از اعتبار می‌اندازند و اگر این عمل شیوع پیدا کند، اعتمادی بر تحقیقات و علوم دیگران باقی نخواهد ماند و کاروان علم و دانش بشری متوقف می‌شود. این موضوع در نقل احادیث بسیار مشهود است؛ به گونه‌ای که اساساً علم رجال با هدف کشف راویان راستگو و محدثان دروغگو به وجود آمده است.

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید؛ ج ۶، ص ۳۵۷.

تنوع:**معما:**

آن چیست که در تار است، در مار نیست؟ در دروغ است، در داغ نیست؟ در پاک است، در تاک نیست؟ ج: توپ

معما:

سه مورچه به ردیف داشتند می رفتند. از اولی پرسیدند: چند مورچه پشت سرت است؟ گفت: ۲ تا، از دومی پرسیدند: چند مورچه پشت سرت هست؟ گفت: یکی، از سومی پرسیدند؟ گفت: سه تا چطور می شود؟
جواب: سومی دروغگو بوده.

جدول:

به سؤالات پاسخ داده و حروف را در جای اعداد قرار دهید، سپس حروف را به هم چسبانده و رمز جدول را به دست آورید.

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	خ	۱۰	۹	۸	۷	۶	گ	۴	۳	۲	۱
----	----	----	----	---	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

سؤال:

«تو»ی محترمانه: (۸-۹-۱۳)؛ فایده: (۱-۳-۱۴)؛ دایره: (۵-۲-۷)؛ بزرگ ده (۱۱-۱۳-۱۰)؛ دشمن نیست (۱۲-۶-۱۴-۱۵)؛ غم بی پایان (۴).

رمز جدول:

دعا:

ای خدای من، تو در کتاب محکمت گفته‌ای که توبه بندگان را می‌پذیری و گناهانشان را عفو می‌کنی و توبه‌کنندگان را دوست می‌داری، پس همچنان که وعده داده‌ای، توبه مرا بپذیر و همچنان که بر عهده گرفته‌ای، از خطاهای من درگذر و آن‌سان که شرط کرده‌ای، محبت خود نصیب من ساز.

تکلیف:

۱. پیمان دسته جمعی در کلاس: همه بچه‌ها با هم تکرار کنند.
خدایا ما قول می‌دهیم هیچ زمانی به پدر و مادر، معلم و دوستانمان دروغ نگوییم؛
هرچند به ضرر ما باشد.
۲. تا جلسه بعد مراقب باشیم دروغ نگوییم. (در جلسه بعد معلم اول کلاس می‌پرسد
چه کسانی مراقبت کردند و دروغ نگفتند).

کوچه باغ بیستم: مادر گل‌ها

«وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفِيكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؛ به یاد آر زمانی را که ملائکه گفتند: ای مریم، بدان خدا تو را برای اهدافی که دارد، انتخاب کرد و پاکیزه گرداند و از میان همه زنان عالم برگزید.
آل عمران: ۴۲»

خداوند بخشنده مهربان

به نام خداوند جان و جهان

ایجاد انگیزه:

در ایام حج روزی پیامبر خدا ﷺ بالای کوه صفا رفت و با صدای بلند به مردم خطاب کرد: «ای مردم! من فرستاده پروردگار هستم». آنگاه به کوه مروه رفت و باز سه بار مطلب خود را با صدای بلند به گوش مردم رساند؛ اما جاهلان عرب هر یک سنگی برداشته و در پی حضرت روان شدند. ابوجهل که لعنت خدا بر او باد نیز سنگی برداشت. او سنگ را چنان پرتاب کرد که به پیشانی مبارک حضرت خورد. خون بر صورت رسول خدا جاری شد. پیامبر به کوه ابوقبیس رفت و مشرکان نیز در پی او روانه شدند. در این بین شخصی خود را نزد امیرالمؤمنین رساند و گفت: «پیامبر را کشتند».

حضرت گریست و با شتاب خود را به خدیجه رساند و او را از این خبر وحشتناک مطلع کرد. خدیجه نیز به شدت غمگین و منقلب شد؛ چنانکه نتوانست بر خود مسلط شود و اشک بر گونه‌هایش جاری گشت.^۱

به این ترتیب هر دو برای رساندن خود به پیامبر همه جا را جستجو کردند. در این هنگام جبرئیل بر پیامبر ﷺ نازل شد و فرمود: «از گریه خدیجه، ملائکه به گریه در

۱. تاریخ طبری؛ ج ۲، ص ۲۰۸.

آمدند. او را بخواه و سلام به او برسان و بگو: خدا به تو سلام می‌رساند و او را به خانه‌ای در بهشت که از نور زینت شده است، بشارت ده»

علی و خدیجه که همچنان در پی پیامبر بودند، سرانجام آن حضرت را با صورتی خونین یافتند و به خانه آوردند؛ اما قریش که مطلع شدند، پیامبر با کمک علی و خدیجه به خانه منتقل شده، در پی آنها روانه شدند. خود را به خانه خدیجه رساندند و شروع به سنگ‌پرانی به خانه کردند. خدیجه علیها السلام ناچار از خانه بیرون آمد و فرمود: «آیا شرم نمی‌کنید که خانه زنی را که نجیب‌ترین قوم شماسست، سنگباران می‌کنید. آیا از خدا نمی‌ترسید؟»

در پی این سخنان بود که مردم پراکنده شدند. رسول خدا هم در این هنگام پیام جبرئیل را به همسرشان رساندند. و حضرت خدیجه علیها السلام در جواب گفتند: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَمِنْهُ السَّلَامُ وَإِلَيْهِ السَّلَامُ وَعَلَى جَبْرَائِيلَ السَّلَامُ»^۱.

متن

حضرت خدیجه علیها السلام دختر خویلد بن اسد بن عبد العزی بن قصى، بانویی با ایمان بود که از لحاظ نسب، شرف و موقعیت اجتماعی و خانوادگی جایگاه بسیار ممتازی در میان زنان جزیره العرب و قریش داشت. مادر حضرت خدیجه علیها السلام فاطمه بنت زاید از اشراف زنان قریش و در عصر جاهلیت معروف به طاهره بود. نَسَب حضرت خدیجه علیها السلام با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در قصی بن کلاب (جدّ چهارم پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) به هم می‌رسد.

ابن عباس می‌گوید: روزی رسول خدا چهار خط کشید. آنگاه پرسید: آیا می‌دانید این خط‌ها چیست؟ گفتیم: خدا و رسولش دانانتر است. فرمود: «بهترین زنان بهشت: مریم دختر عمران، خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد و آسیه دختر مزاحم، همسر فرعون است»^۲.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در چهل شبانه‌روز دوری از خدیجه علیها السلام توسط عمار یاسر به خدیجه چنین پیام داد: همانا خداوند متعال به افتخار وجود تو هر روز به طور مکرر به فرشتگان بزرگش افتخار می‌کند.^۳

هدایت بهتر است یا ثروت؟

خدیجه ثروتش را به پیامبر بخشید؛ ولی این احساس را نداشت که می‌بخشد، بلکه این

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۱۸، ص ۳۸۵.

۲. همان؛ ج ۱۳، ص ۱۶۲.

۳. کشف الغمه؛ ج ۲، ص ۷۲.

احساس را داشت که از او هدایت را که بر همه گنج‌های سراسر جهان برتری دارد، کسب می‌نماید. او احساس می‌کرد محبت و دوستی را به پیامبر اهدا می‌کند؛ ولی در عوض همه ابعاد سعادت را از او کسب می‌کند.

شهید مطهری رحمته الله به نکته‌ای اساسی در مورد اموال حضرت خدیجه علیها السلام اشاره می‌نماید: وقتی گفته می‌شود اسلام با مال خدیجه و شمشیر علی علیه السلام پیش رفت؛ چنین به نظر می‌رسد که دین اسلام با همان زر و زور پیش رفته است؛ ولی اگر دینی با زور پیش برود، آن چه دینی می‌تواند باشد؟ آیا قرآن در یک جا دارد که دین اسلام با زر و زور پیش رفت؟ شکی وجود ندارد که مال خدیجه به درد مسلمین خورد؛ اما به این معنا نیست که پول خدیجه را به کسی دادند و گفتند بیا مسلمان شو. پس اگر مال خدیجه نبود، فقر و تنگدستی شاید مسلمین را از پا در می‌آورد. مال خدیجه خدمت کرد؛ اما نه خدمت رشوه‌دادن... بلکه خدمت به این معنی که مسلمانان گرسنه را نجات داد. شمشیر علی بدون شک به اسلام خدمت کرد... در شرایطی که شمشیر دشمن آمده بود، ریشه اسلام را بکند.^۱

قبول ولایت

زیباترین صحنه زندگی حضرت خدیجه علیها السلام مربوط به قبول ولایت امیرمؤمنان علیه السلام و امامت اولاد امیرمؤمنان علیه السلام است. با اینکه در آن وقت به قبول ولایت مکلف نبود؛ چون این تکلیف بعد از وفات پیامبر واجب می‌شد. ولی او در زمان ولادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از امامت ائمه اطهار علیهم السلام شنیده بود؛ بنابراین قدر و منزلت امیر مؤمنان علیه السلام را می‌دانست.

علامه مجلسی در این باره می‌نویسد:

یک روز رسول خدا همسر مهربانش را خواست. او را در کنار خود نشاند و فرمود: این جبرئیل است که می‌گوید، اسلام شروطی دارد: اول: اقرار به یگانگی خداوند. دوم: اقرار به رسالت رسولان. سوم: اقرار به معاد و عمل به اصول شریعت و احکام آن. چهارم: اطاعت اولی الامر و ائمه طاهرين از فرزندان او همراه با برائت از دشمنان آنها.

در پی این فرمایش پیامبر، حضرت خدیجه به همه آنها اقرار کرد و یک به یک تصدیق فرمود. رسول اکرم درباره امیرمؤمنان علی علیه السلام، به حضرت خدیجه علیها السلام فرمودند: «هو مولاک و مولی المؤمنین و امامهم بعدی»^۲؛ علی

۱. سیری در سیره نبوی؛ ص ۲۴۵ - ۲۴۸.

۲. محمد عاملی نباطی؛ الصراط المستقیم إلی مستحقی التقدیم؛ ج ۲، ص ۸۹.

مولای تو و مولای مؤمنان و امام آنها پس از من است.

شعر

خدیجه، ای همه خوبی...
 درودم بر تو باد ای دختر پاک «خویند»
 ای خدیجه همسر، والای پغمبر
 در آن دوران وحشتنا
 که هر کس نام احمد می شنید و
 بانگ توحید محمد را
 برای کشتنش شمشیر خود را تیزتر میکردند
 تو تنها یاور آن رادمرد راستین بودی
 که مالت را
 و جانت را
 و عشق جاودانت را،
 نثار مقدمش کردی

تنوع

گلی از گلستان احکام

رمز: سیب است

سهواً حرف بزند.	س	مواردی که بعد از نماز باید سجده سهو بجا آوریم.
یک سجده را فراموش کند.	ی	
بعد از سجده دوم شک ۴ یا ۵ کند و اگر شک ۵ یا ۶ کند.	ب	
آخ و آه سهوی.	ا	
سلام بی جا.	س	
تشهد فراموش شده.	ت	

دعا

درودم بر تو باد ای دختر پاک خویلد، ای خدیجه، همسر والای پیغمبر، تو اول بانوی
دنیای اسلام جوان بودی
که با مالت، محمد را توان جود بخشیدی و با لطف و محبت‌های بسیار، دل تنگش
صفا دادی.

درود من، نه تنها من که میلیون‌ها چو من هر روز نثار روح پاکت باد.
بچه‌ها همه با هم سه صلوات برای حضرت خدیجه علیها السلام هدیه بفرستیم.

تکلیف:

۱. پیامبر خدا هنگام دفن حضرت خدیجه چه کاری انجام دادند؟
۲. شعری درباره حضرت خدیجه بنویسید.

کوچه باغ بیست و یکم: گل بخشنده

«وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا؛ و اگر گنهکاران که بر اثر گناه به خود ستم کردند، به نزد توالی پیامبر می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند و پیامبر هم برای آنها استغفار می‌کرد، خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.»

نساء: ۶۴.

شعر شروع:

به نام خداوند رنگین کمان
خداوند بخشنده مهربان
خدایی که از بوی گل بهتر است
صمیمی‌تر از خنده مادر است

ایجاد انگیزه:

عصر رسول خدا ﷺ بود. امام حسن و امام حسین علیهما السلام کودک بودند. شخصی گناهی کرد و از شرم آن گناه، مدتی مخفی شد و نزد رسول خدا ﷺ نمی‌آمد، تا اینکه آن شخص حسن و حسین علیهما السلام را دید. آن دو را بر دوش خود سوار کرد و با همان حال به حضور رسول خدا ﷺ آمد و عرض کرد: من گنهکارم، در پناه خدا و این دو آقازاده به حضور شما آمده‌ام تا مرا ببخشید.

رسول خدا ﷺ وقتی آن منظره را دید، آنچنان خندید که دستش را بر دهانش گذاشت، سپس به آن مرد گنهکار فرمود: برو جانم، تو آزاد هستی. آنگاه به حسن و حسین فرمود: آن شخص در مورد عفو گناه خود، شما را شفیع قرار داد، در این هنگام آیه بالا نازل شد.

متن:

امام حسن علیه السلام، اولین فرزند امام علی و فاطمه زهرا علیهما السلام، در نیمه ماه رمضان سال دوم یا سوم هجری در شهر مدینه به دنیا آمدند. ایشان یکی از پنج نفر اهل کساء می‌باشند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: پروردگارا! من او را دوست می‌دارم، پس او را دوست داشته باش. امام مجتبی علیه السلام فردی شجاع، دلیر و مبارز بود و در جنگ‌هایی که در رکاب پدرش می‌جنگید در خط مقدم حرکت می‌کردند.

ایشان در جنگ جمل و صفین از مبارزان پرتلاش لشکر آن حضرت بودند. امام مجتبی علیه السلام شخصیتی آرام، باوقار، متین، بخشنده و مورد توجه مردم بودند. به فقیران و بینوایان رسیدگی می‌نمود و بیش از حد درخواست آنها به آنان کمک می‌کرد تا زندگیشان تأمین گردد؛ زیرا روا نمی‌دید سائلی بیش از یک بار از ایشان چیزی بخواهد که سبب شرمساری‌اش شود.

حضرت در طول عمرش مبارکشان دو بار تمام ثروت و دارایی خویش را در راه خدا بخشیدند و سه بار تمام اموال خود را وقف کرد، نیمی از آن را برای خود و نیم دیگر آن را در راه خدا بخشش نمود.

روزی در اعتکاف و در حال طواف بودند که مردی آمد و گفت: طلبکار مرا تهدید کرده و آبرویم در خطر است.

امام طواف را قطع کرد و با او به نزد طلبکار به راه افتادند. ابن عباس گفت: گویا فراموش کرده‌اید که در اعتکاف به سر می‌برید و نباید از مسجد بیرون روید. امام فرمودند: برآوردن حاجت مؤمن امری ضروری است. از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: اگر یک حاجت مؤمن را برآوری، برابر است با نه هزار سال عبادت که شب‌های آن شب‌زنده‌دار باشی و روزهای آن روزه باشی. ای ابن عباس تو می‌گویی من نه هزار سال عبادت را رها کنم و معتکف بمانم؟!

شخصی نزد امام حسن مجتبی علیه السلام آمد و از او کمک خواست. امام فرمود: حق این درخواست تو بر ما بزرگ است و من نمی‌توانم آن قدر که شأن تو اقتضا می‌کند به تو کمک کنم، اگر می‌پذیری آن مقدار کم را تقدیم کنم. فقیر گفت: همان کم را مرحمت کنید. امام حسن علیه السلام مسئول امور مالی خود را احضار کرده و فرمود: خرج این ماه ما را حساب کن! او حساب نفقه حضرت را نمود. امام فرمود: هر چه بیش از این مقدار پول داریم، به این شخص بده! آن مأمور زیادی پول‌ها را که مبلغ پنجاه هزار درهم بود، به او داد. امام فرمود: برو باربری بیاور تا این پول‌ها را برایت حمل کند. وقتی باربر برای بردن کیسه‌های

پول آمد، امام حسن علیه السلام عباى خود را برای مزد حمل بار به او داد. بعضی از خادمین آن حضرت گفتند: دیگر پولی نزد ما باقی نمانده است. حضرت فرمود: ولی من امید دارم خداوند اجر عظیمی به من عنایت کند.

روزی امام حسن مجتبی علیه السلام لباس بسیار فاخری پوشید، وضع خود را آراسته کرد، عطر زد و سوار بر مرکب شد و در صورتی بسیار عالی از خانه خارج شد. در بین راه شخصی که یهودی بود و از شدت فقر و تنگدستی لباسهای مندرس پوشیده و لاغر و ضعیف بود و وضع اسفناکی داشت، به او برخورد کرد و حضرت را متوقف کرد و گفت: من از جدت رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می گفت: دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است، در حالی که من دنیا را چون بهشتی پر نعمت برای تو که مؤمن هستی، می بینم و برای خودم که کافر هستم؛ به مانند زندانی که از سختی آن در معرض هلاک هستم.

حضرت پاسخ فرمودند: اگر از آنچه خدا برای آخرت من مهیا کرده، خبر داشتی، می فهمیدی من قبل از انتقال به آن جهان در زندان بسر می برم و اگر از آنچه خدا از آتش جهنم و عذاب سخت برایت آماده کرده، خبر داشتی، می فهمیدی با این همه فقری که داری، در بهشتی زندگی می کنی که بسیار پر نعمت و وسیع می باشد.

روزی امام حسن علیه السلام در مجلسی نشسته بودند. هنگامی که خواستند برخیزند و بیرون روند، فقیری از راه رسید. امام به او خوش آمد گفتند و به رویش لبخندی زدند و فرمودند: تو هنگامی نشستی که ما برخاسته ایم و قصد رفتن داریم. آیا اجازه رفتن می دهی؟ امام از او اجازه گرفتند و خارج شدند.

نقل است که امام حسن علیه السلام هیچ گاه سائلی را رد نکرده و در برابر درخواست او « نه » نگفتند و همواره انفاق و بخشش می نمودند. وقتی از حضرت پرسش می شود: چگونه است که هیچ گاه سائلی را رد نمی کنید.

حضرت پاسخ می دهند: « من سائل درگاه خدا هستم و راغب در پیشگاه اویم و من شرم دارم که خودم درخواست کننده باشم و سائلی را رد کنم و خداوند مرا عادت داده که نعمت هایش را بر من فرو ریزد و من نیز در برابر او عادت کرده ام که به مردم توجه کنم و نعمت های خدا را به آنان ببخشم.»

تنوع

شعر میلاد امام حسن علیه السلام

رمضان آمد و دارم خبری بهتر از این
مژده ای دیگر و لطف دگری بهتر از این

گر چه باشد سپر آتش دوزخ صومم
 لیک با این همه دارم سپری بهتر از این
شب قدر رمضان، گر چه بسی پر قدر است
دارد این مه، شب قدر و سحری بهتر از این
 مولد لؤلؤ پاک مرج البحرین است
 نیست در رشته خلقت، گهری بهتر از این
مادرش فاطمه و باب گرامش علی
چه کسی داشته ام و پدری بهتر از این
 رست پیغمبر از آن تهمت ابر بودن
 نیست بر شاخه طوبی ثمری بهتر از این
اسوه خلق زمین، فخر جوانان بهشت
مادر دهر نزاید پسری بهتر از این
 گفت: خالق فتبارک به خود از خلقت او
 کلک ایجاد ندارد اثری بهتر از این
بگذر آهسته تر ای ماه حسن، ای رمضان
عمر ما را نبود چون گذری بهتر از این
 اثر صلح حسن نهضت عاشورا بود
 امتی را نبود راهبری بهتر از این
زنده شد باز این صلح موقت اسلام
نیست در حسن سیاست هنری بهتر از این
 لطف کن اذن زیارت که خدا میداند
 بهر عشاق نباشد سفری بهتر از این
گر چه مشمول عنایات تو بوده است حسان
یا حسن کن به محبان نظری بهتر از این

دعا

خدایا توفیق زیارت قبرستان بقیع را به همه عاشقان امام مجتبی علیه السلام عنایت بفرما

تکلیف:

- ۱- یک حدیث از امام مجتبی علیه السلام با ترجمه حفظ کنیم.
- ۲- در شب تولد امام حسن علیه السلام همه با هم در جشن شرکت کنیم.

کوچه باغ بیست و دوم: باغبانی لاله‌ها

«مَنْ عَمَلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.»

نحل: ۹۷.

سر نامه به نام آن خداوند که دلها را به خوبان داد پیوند

ایجاد انگیزه:

در یکی از سال‌ها که قحطی و گرانی به اوج خود رسیده بود و فقر و گرسنگی بیداد می‌کرد؛ مقدس اردبیلی اندک آذوقه‌ای داشت که فقط کفاف قوت خانواده‌اش را می‌کرد؛ اما او راضی نشد که خانواده‌اش غذا داشته باشند، در حالی که افراد زیادی در جامعه محتاج و گرفتارند.

از این رو آن طعام را بین بیچارگان تقسیم کرد. همسرش از این عمل او برآشفته و گفت:

در چنین سال قحطی آنچه طعام داشتیم به فقرا کمک کردی؛ اکنون باید فرزندان من دست‌گذاری به سوی دیگران دراز کنند.

مقدس پاسخی نداد و از منزل خارج شده و راه مسجد کوفه را در پیش گرفت. او تصمیم گرفته بود چند روزی در مسجد معتکف شود و به عبادت و راز و نیاز بپردازد.

در دومین روز حضور او در مسجد مرد عربی مقداری آرد و گندم بر چهار پایی بار کرد؛ به خانه مقدس اردبیلی برد و به همسرش تحویل داد و گفت: صاحب‌خانه در مسجد معتکف شده و این آرد و گندم را برای شما فرستاده است. چند روزی گذشت تا اینکه مقدس اردبیلی به خانه بازگشت. همسرش به او گفت: آرد و گندمی که فرستاده بودی، خیلی مرغوب بود. مقدس بی‌خبر از همه جا وقتی این سخن را شنید، دریافت که این فضل و رحمتی از طرف خدا بوده است و خداوند را بر این بنده‌نوازی ستایش کرد.^۱

متن:

از آنجا که انسان اجتماعی آفریده شده است، به تنهایی نمی‌تواند زندگی کند و برای تهیه‌ی مایحتاج خود باید با دیگران تعامل داشته باشد. در روایتی از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده که فرمود: «خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ»^۲: بهترین مردم کسی است که برای مردم سودمندتر باشد.

آثار خدمت‌رسانی به مردم

۱. رضایت خداوند از خدمت‌رسانی به مردم:

روزی حضرت موسی بن عمران عَلَيْهِ السَّلَام با خدا نجوا کرد: «خدا یا بر فرض محال اگر تو انسان بودی، چه عبادتی را انجام می‌دادی؟» خداوند متعال وحی فرمود: «ای موسی! بر فرض محال اگر مخلوق بودم، خدمت به خلق می‌کردم؛ اما برای خدا».^۳

۲. جبران عمل در دنیا:

سه روز بود که در خانه حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام غذایی پیدا نشد و آن حضرت و فرزندان گرسنه ماندند. حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام پیراهن خود را به علی عَلَيْهِ السَّلَام تقدیم کرد تا بفروشند. آن حضرت پیراهن را به شش درهم فروختند. در میانه راه فقیری درخواست کمک کرد، حضرت آن شش درهم را به او بخشیدند.

پس از این جریان مردی ناشناس، سوار بر شتری در برابر علی عَلَيْهِ السَّلَام ظاهر شد و عرض کرد: ای ابوالحسن این شتر را از من خریداری کن. علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: من پول خرید شتر

۱. گلشن ابرار؛ ج ۱، ص ۱۸۳.

۲. وسائل الشیعه؛ ج ۱۲، ص ۳۹۱.

۳. اصول کافی؛ ج ۲، ص ۳۰۳.

را ندارم؛ اما مرد ناشناس اصرار کرد که حاضر است آن شتر را به صد درهم و به نسیه بفروشد.

علی علیه السلام قبول کردند و شتر را به نسیه خریدند. در راه با مرد عربی روبرو شدند. از علی علیه السلام خواست تا شتر را به او بفروشد. علی علیه السلام قبول کردند و آن مرد عرب شتر را به صدوشصت درهم خرید.

علی علیه السلام هنوز به خانه نرسیده بودند که مرد اولی را دوباره ملاقات کردند. صد درهم او را پرداختند و به خانه آمدند. شصت درهم باقی مانده را به حضرت زهرا علیها السلام تقدیم کرد و سپس فرمود: به وسیله ۶ درهم با خدا معامله کردم و عوض آن، خدا ۶۰ درهم به من عطا کرد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که شاهد جریان بودند، تبسمی نموده و فرمودند: مرد ناشناس اول حضرت جبرئیل امین و مرد ناشناس دوم حضرت میکائیل بودند.^۱

۳. برآورده شدن صد هزار حاجت^۲

امام صادق علیه السلام می فرماید: هر کس یک حاجت برادر مؤمن خود را روا کند، خدای عزوجل روز قیامت صد هزار حاجت او را روا کند که نخستین آنها بهشت باشد و دیگرش اینکه خویشان و آشنایان و برادرانش را اگر ناصبی نباشند، به بهشت برد.

۴. برطرف شدن هفتاد گرفتاری^۳

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر مؤمنی گرفتاری مؤمنی را برطرف سازد، خداوند هفتاد گرفتاری از گرفتاری های دنیوی و اخروی را از او دور می کند».

۵. مانند عبادت در تمام عمر^۴

۶. خوشحال کردن خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

۷. بهتر از آزاد کردن هزار بنده^۵

امام صادق علیه السلام فرمود: «رواساختن حاجت مؤمن از آزاد کردن هزار بنده و بار کردن هزار اسب در راه خدا (فرستادن به جهاد) بهتر است».

۸. ایمن بودن از عذاب در روز قیامت^۶

۱. بحارالانوار؛ ج ۴۱، باب ۱۰۲، ص ۲۴ - ۴۳.

۲. کافی؛ ج ۳، ص ۴۹۳.

۳. همان؛ ص ۵۰۳.

۴. وسائل الشیعه؛ ج ۱۶، ص ۳۶۱.

۵. کافی؛ ج ۲، ص ۱۸۸.

۶. مستدرک الوسائل؛ ج ۱۲، ص ۴۰۶.

۷. کافی؛ ج ۲، ص ۱۹۷.

۹. ثواب ده طواف خانه خدا^۱

در روایت آمده: هرکس این خانه (کعبه) را یک بار طواف کند، خداوند برای او هزار حسنه می‌نویسد، هزار سیئه از او محو می‌کند، هزار درجه او را بالا می‌برد، هزار درخت برای او در بهشت می‌کارد، ثواب آزادکردن هزار بنده برایش می‌نویسد، زمانی که به ملتزم می‌رسد، هشت در بهشت را برای او می‌گشاید و سپس به او می‌فرماید: از هر کدام از آنها خواستی، وارد شو. خدمت به مردم ثواب ده طواف را دارد.

و کسانی که بتوانند به مردم خدمت کنند و این کار را نکنند، پیامدهای ناگواری در زندگی دارد؛

۱. مسلمان نبودن^۲

۲. خوارشدن در دنیا و آخرت^۳

آیت‌الله فاضل لنکرانی رحمته‌الله:

من پنجاه سال است دارم درس اسلام می‌خوانم. بگذارید خلاصه‌اش را بگویم؛ واجبات را انجام بدهید و به جای مستحبات به کار مردم برسید، کار مردم را راه بیندازید. اگر کسی در قیامت از شما سؤال کرد، بگویید فاضل گفته بود.

تنوع:

معما:

آن چیست که از طلا گران‌تر باشد
هر لحظه به رایگان دهیمش از دست
نرخش به بهای جان برابر باشد
چون ارزش آن به قیمت جان باشد

جواب: وقت

معما:

دعایی که اصلاً نقطه ندارد؟
آن چیست که هم داروخانه دارد و هم کارخانه؟
ج: صلوات
آن چیست که هم اتاق دارد و هم دست و هم صابون؟
ج: خانه
جمله‌بندی: بچه‌ها باید حروف را از آخر نوشته تا رمز جمله که روایتی از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، به دست آید. هر کسی زودتر جمله را به دست آورد، برنده است:

۱. وسائل الشیعه؛ ج ۱۳، ص ۳۰۴.

۲. کافی؛ ج ۲، ص ۱۶۳.

۳. وسائل الشیعه؛ ج ۱۲، ص ۲۹۲.

تسین یزیچ نآ زا رترب هک تسا کین تلصخ ود، وا ناگدنب هب ندناسر عفن و ادخ هب

نامیا

دعا:

ای خدای مهربان، به ما توفیق خدمت به پدر و مادر عنایت بفرما.
ای بخشنده توانا؛ به ما عنایت کن تا بتوانیم قدردان زحمات پدر، مادر و معلم خود باشیم.

تکلیف:

امشب در منزل از پدر و مادر به دلیل زحماتشان تشکر کنید و جملات و یا کار انجام شده را در دفتر خود ثبت نمایید و در جلسه بعد برای همکلاسی‌های خود بخوانید.

کوچه باغ بیست و سوم: غنچه های شکر

«وَ إِذِ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» اگر از نعمت‌های الهی شکرگزاری کنید، او هم آن نعمت‌ها را زیاد خواهد نمود و گرنه اگر کفران نعمت کنید، عذاب الهی به شما هم قطعاً خواهد رسید.»

ابراهیم: ۷.

نام زیبای تو را دارم به لب **شکر می گویم تو را هر روز و شب**
خدایا به داده‌هایت شکر، به نداده‌هایت شکر، به گرفته‌هایت شکر، چون داده‌هایت نعمت، نداده‌هایت حکمت و رفته‌هایت امتحان است.

ایجاد انگیزه:

مردی با قایق کوچکی روی دریا در حال حرکت بود؛ ناگهان طوفانی به پا شد و قایق او درهم شکست. با سختی زیاد و با تکه‌هایی از قایق، خود را به جزیره کوچکی در نزدیکی خود رساند. خدای خود را شکر کرد که از مرگ نجات پیدا کرده است. با همان تکه‌های چوب سرپناهی درست کرد و شب را در آن خوابید. سحرگاه دوباره هوا طوفانی شد و رعد و برق، سرپناه او را به آتش کشید. خیلی ناراحت شد. از خدا شکایت می‌کرد که خدایا من این سرپناه را به سختی درست کرده بودم و آخرین محافظ من در سرما و گرما همین بود؛ اما خدایا تو حالا آن را آتش زدی.

مدتی بعد یک کشتی نزدیک جزیره پیدا شد و او نجات پیدا کرد. کارکنان کشتی به او گفتند: خدا را شکر کن که اگر آن آتش نبود، ما تو را پیدا نمی‌کردیم.

خدایا من بی تو نمی‌توانم کرد **احسان تو را شمار نتوانم کرد**
گر بر تن من زبان شود هر مویی **یک شکر تو از هزار نتوانم کرد**

متن:

شکر به معنی قدردانی، اندازه‌شناسی و حق‌شناسی است. بنابراین شکر هم درباره بنده نسبت به خدا و هم درباره خدا نسبت به بنده به کار می‌رود: «والله شکور حلیم»: خدا شکور است؛ یعنی از عمل بنده قدردانی می‌کند و آن را از بین نمی‌برد. بنده اگر بخواهد قدرشناس و شاکر باشد، باید قدر نعمت‌های خدا را بداند؛ یعنی هر نعمتی را بداند برای چه هدف و منظوری است و در همان مورد مصرف کند.

شکر خدا:

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَ إِذِ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»! اگر از نعمت‌های الهی شکرگزاری کنید، او هم آن نعمت‌ها را زیاد خواهد نمود و گرنه اگر کفران نعمت کنید، عذاب الهی به شما هم قطعاً خواهد رسید. شکر نعمت‌های ظاهری و باطنی خداوند، از وظایف و لازمه بندگی است که هر کس باید به قدر توان خود به آن اقدام کند.

در قسمتی از آیات به نعمت‌ها اشاره شده و از اکثریت به دلیل غفلتی که از شکر نعمت دارند، سخت گلایه شده:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ»! ای اهل ایمان از روزی حلالی که نصیب شما کرده‌ایم، بخورید و شکر خدای را به جای آورید و تنها سپاس به پیشگاه او برید. اگر به طور خالص خدا را می‌پرستید.

شکر نعمت، نعمت افزون کند کفر نعمت از کفایت بیرون کند

روزی حضرت داود علیه السلام در مناجاتش از خداوند خواست تا همنشینش در بهشت را به وی معرفی کند. از جانب خداوند ندا رسید: فردا از دروازه شهر بیرون برو، اولین کسی که با او برخورد کنی، او همنشین تو در بهشت است. روز بعد حضرت داود علیه السلام به اتفاق پسرش حضرت سلیمان علیه السلام از شهر خارج شدند.

پیرمردی را دید که پشتۀ هیزمی از کوه پایین آورد تا بفروشد. پیرمرد کنار دروازه فریاد زد: کیست که هیزم بخواهد؟ یک نفر پیدا شد و هیزمش را خرید. حضرت داود پیش او رفت و سلام کرد و گفت: آیا ممکن است امروز ما را مهمان کنی؟ پیرمرد پاسخ داد: مهمان حبیب خداست، بفرمایید.

سپس پیرمرد با پولی که از فروش هیزم به دست آورده بود، مقداری گندم خرید.

۱. همان.

۲. بقره: ۱۷۲.

وقتی آنها به خانه رسیدند، پیرمرد گندم را آرد کرد و سه عدد نان پخت و نانها را جلوی مهمانانش گذاشت.

پیرمرد هر لقمه‌ای که به دهان می‌برد، ابتدا بسم الله و در انتها الحمد لله می‌گفت. وقتی نهار مختصر آنها به پایان رسید، دستش را به طرف آسمان بلند کرد و گفت: خداوندا، هیزمی را که فروختم، درختش را تو کاشتی. آن را تو خشک کردی، نیروی کندن هیزم را تو به من دادی. مشتری را تو فرستادی که هیزمها را بخرد و گندمی را که خوردیم، بذرش را تو کاشتی. وسایل آردکردن و نان‌پختن را نیز را تو به من دادی. در برابر این همه نعمت من چه کرده‌ام؟ پیرمرد این حرفها را با گریه می‌زد.

داود نگاه معنی داری به پسرش کرد؛ یعنی همین است دلیل اینکه او با پیامبران محشور می‌شود.

تشکر از بندگان خدا:

امام علی بن الحسین علیه السلام فرمود: روز قیامت خداوند به بعضی از بندگانش می‌فرماید: آیا فلان شخص را شکرگزاری کردی؟ عرض می‌کند: پروردگارا من شکر تو را بجا آوردم. می‌فرماید: چون شکر او را بجا نیاوردی، شکر مرا هم ادا نکردی! سپس امام فرمود: «أَشْكُرُكُمْ لِلَّهِ أَشْكُرُكُمْ لِلنَّاسِ»! شکرگزارترین شما برای خدا آنها هستند که از همه بیشتر شکر مردم را بجا می‌آورند.

الف) مراحل شکر

۱. شکر قلبی: انسان از صمیم دل راضی باشد و خدا را شکر گوید. در حدیثی از امام صادق علیه السلام چنین آمده: «مَنْ أُنْعِمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ، فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ، فَقَدْ أَدَّى شُكْرَهَا»! آن کس که خدا نعمتی به او داده، اگر در دل خویش آن را بشناسد، همانا شکر آن را به جای آورده است.
 ۲. شکر زبانی: با زبان، شکرگزار و ثناگوی خداوند سبحان باشد.
 ۳. شکر عملی: رساترین گفتار «الحمد لله رب العالمین» است که در سوره حمد آمده است.
- دوری از گناهان و عمل به واجبات، مصداق شکر به خداوند در مرحله عمل است. قرآن خطاب خداوند به آل داود را چنین نقل می‌کند:

۱. الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۲، ص ۹۹.
 ۲. الکافی (ط - دارالحدیث)؛ ج ۳، ص ۲۴۸.

«ای آل داود شکر خدا را در عمل به جای آورید و اندکی از بندگان من شکر گزارند»^۱.
 امام صادق علیه السلام می فرمایند:
 «شُكْرُ النِّعْمَةِ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ وَ تَمَامُ الشُّكْرِ قَوْلُ الرَّجُلِ - الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^۲ شکر
 نعمت اجتناب از محرمات است و اتمام آن به این است که در زبان [نیز] الحمد لله رب
 العالمین بگوید.

* نمونه‌های شکر عملی

۱. نماز: بهترین نمونه شکر خداوند است. خدای مهربان به پیامبرش می فرماید: «به شکرانه اینکه ما به تو خیر کثیر عطا کردیم، نماز برپاکن»^۳.
۲. روزه: آن چنان که پیامبران الهی به شکرانه نعمت‌های خدا روزه می گرفتند.
۳. خدمت به مردم: قرآن می فرماید: «اگر بی سواد از باسوادی درخواست نوشتن کرد، سرباز نزند و به شکرانه سواد، نامه او را بنویسد».
۴. قناعت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «قانع باش تا شاکرترین مردم باشی».
۵. یتیم‌نوازی و کمک به محرومان و نیازمندان.
۶. تشکر از مردم که تشکر از خداست. در روایات آمده: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعَمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ»^۴: کسی که از مخلوق تشکر نکند، از خداوند شکرگزاری نکرده است.

تنوع:

داستان حضرت داوود و آن پیرمرد را به صورت نمایشنامه در کلاس تکرار کنید.

لطیفه:

روزی شخصی به عیادت مریضی رفت، حال او را سخت یافت. به او گفت: خدا را شکر کن و حمد او را به جای آور. مریض گفت: چطور شکر کنم و حال آنکه خداوند فرموده است: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»: اگر شکر کنید بر شما زیاد کنم. می ترسم شکر کنم و بیماری‌ام زیاد شود.

۱. سبأ: ۱۳.

۲. کافی (ط - الإسلامية): ج ۲، ص ۹۵.

۳. کوثر: ۱ - ۳.

۴. وسائل الشیعة؛ ج ۱۶، ص ۳۱۳.

دعا:

«الحمد لله رب العالمين»؛ بار خدایا زبانم نمی تواند شکر تو را به جای آورد و قلبم توانایی شکر تو را ندارد و معلم در برابر نعمت های فراوانت ناچیز است. خدایا کدام نعمت را نام ببرم و از کدام یک از خوبی های تو یاد کنم و شکر آن را به جای آورم در حالی که توانایی شمردن نعمت های تو را ندارم. تنها می توانم بگویم: «الحمد لله رب العالمين».

تکلیف:

۱. امشب بعد از نماز سر به سجده بگذارید و به دلیل تمامی نعمت ها خدا را شکر و سپاس گوید.
۲. از پدر و مادر خود و تمام کسانی که به پیشرفت شما کمک کرده اند، تشکر کنید.
۳. شما برای تشکر از خدا چه آدابی را سر سفره رعایت می کنید؟

کوچه باغ بیست و چهارم: شمیم ولایت

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ .؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالأمر اوصیای پیامبر را.»

بنام دلربای حضرت دوست

که این عالم همه در سایه اوست

ایجاد انگیزه:

اعراب جاهلی آن قدر بی ادب بودند که کوچک‌ترین و پیش پا افتاده‌ترین مسائل تربیتی را پیامبر به آنها آموزش می‌دادند. از جمله خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۱ و نیکی آن نیست که از پشت به خانه‌ها وارد شوید، بلکه نیکی آن است که هر خانه‌ای را از درش وارد شوید و تقوای خدا داشته باشید. باشد که رستگار شوید.

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «انا مدینه العلم و علی بابها»: من شهر علم هستم و علی عليه السلام در ورودی این شهر است. یعنی اگر کسی بخواهد از شهر علم پیامبر استفاده کند، اول باید علی عليه السلام را بشناسد.

پس برای رسیدن به مدینه‌النبی باید از باب امامت و ولایت وارد شویم. یک سؤال اینجا باقی می‌ماند و آن اینکه برای رسیدن به مدینه ولایت و شهر امامت از کدام باب باید وارد شویم؟

با کمی تأمل در روایات و به یاری روشنگریهای بزرگان جواب روشن است. باید برای

رسیدن به مدینه ولایت از باب ولایت فقیه وارد شویم و همین موضوع ضرورت و اهمیت شناخت ولایت فقیه را روشن می‌نماید.

متن:

خداوند متعال در سوره نساء آیه ۵۹ و چند آیه بعد، درباره یکی از مهمترین مسائل اسلامی؛ یعنی مسئله رهبری بحث می‌کند و می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ».

۱. مرحله اول: ابتدا دستور میدهد همه باید از خدا اطاعت کنند؛ زیرا هرگونه رهبری واقعی از طرف خداوند صورت می‌پذیرد.

۲. مرحله دوم: دستور میدهد از اوامر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اطاعت کنند. آن پیامبری که معصوم است و کلام خداوند را بدون هیچ کم و زیادی به مردم میرساند.

۳. مرحله سوم: دستور میدهد از اولوالامر اطاعت شود.

منظور از اولوا الامر امامان شیعه هستند که رهبری مادی و معنوی جامعه اسلامی در تمام شئون زندگی از طرف خداوند و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به آنها سپرده شده است و غیر آنها را دربر نمی‌گیرد و البته کسانی که از طرف آنها به مقامی منصوب شوند و پستی را در جامعه اسلامی به عهده بگیرند، با شروط معینی اطاعت آنها لازم است؛ نه به دلیل اینکه اولوالامرند، بلکه به دلیل اینکه نمایندگان اولوالامر می‌باشند.

در زمان غیبت امام زمان (عج) که مردم مستقیماً نمی‌توانند با حضرت ارتباط داشته باشند، مردم باید با نماینده حضرت که ولی فقیه جامع‌الشرایط نامیده می‌شود، ارتباط داشته باشند و از او اطاعت کنند.

امام خمینی رَحِمَهُ اللهُ می‌فرماید: «ولی فقیه برای مسلمین یک هدیه‌ای است که خدای تبارک و تعالی داده است»^۱.

در زمان حاضر ما باید از مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در جایگاه ولی فقیه اطاعت نماییم.

مقام معظم رهبری در نگاه بزرگان:

آیت‌الله بهاء‌الدینی رَحِمَهُ اللهُ:

«بعد از امام خمینی رَحِمَهُ اللهُ اگر بشود به کسی اعتماد کرد، به این سید است».

۱. صحیفه امام؛ ج ۱۰، ص ۴۰۸.

«حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ذخیره الهی می‌باشد. مخالفت با ولایت فقیه کار ساده‌ای نیست.»^۱

آیت‌الله علی مشکینی رحمته‌الله:

«بر همه مسلمین جهان واجب موکد شرعی و عقلی است که حضرت مستطاب آیت‌الله خامنه‌ای را به فقاقت و ولایت امر مسلمین بشناسند که واجد مقام فقاقت، اجتهاد و حائز سایر شرایط ولایت است.»^۲

آیت‌الله العظمی اراکی رحمته‌الله:

«ملت ایران قدر این نعمت الهی را می‌دانند و اکنون از وارث امام خمینی رحمته‌الله تبعیت می‌کنند. انتصاب شایسته حضرت تعالی به مقام رهبری، مایه دلگرمی است.»^۳

روزی که آیت‌الله خامنه‌ای به منزل حضرت آیت‌الله بهاء‌الدینی رفته بودند، ایشان تا دم در آقا را همراهی کردند و فرمودند: «تمام شب را تا به صبح از شوق دیدار شما خوابیدم». بعد از آن ایشان هرچه اصرار می‌کنند، مقام معظم رهبری نمی‌گذارند آیت‌الله بهاء‌الدینی دست ایشان را ببوسند. نهایتاً آیت‌الله بهاء‌الدینی می‌فرمایند: «اجازه بدهید من دست شما را ببوسم که وقتی فردا به محضر مادرم زهر عزیزت‌الله مشرف شدم، به ایشان عرض کنم من دست ولی‌ام را ببوسیدم».

آیت‌الله العظمی بهجت رحمته‌الله:

«خواب دیدم در مجلسی حضرت امام زمان (عج) با علماء برجسته حضور داشتند که شما (آیت‌الله خامنه‌ای) وارد شدید، حضرت برخاستند و شما را به کنار خود دعوت کرده، شما نشستید.»^۴

آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی:

«بعد از غیبت کبری یکی از بالاترین و بزرگ‌ترین نعمت‌هایی که خداوند بر مسلمانان مرحمت فرموده است، نعمت وجود حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است.»^۵

۱. آیت بصیرت؛ ص ۱۳۱.

۲. همان؛ ص ۷۱.

۳. جرعه نوش کوثر؛ مؤسسه قدر و ولایت، ص ۲۷۵.

۴. روزنامه کیهان؛ شماره ۱۹۴۳۳، ۲۰/۵/۸۸، ص ۶.

۵. همایش آب، آئینه، آفتاب؛ ۸۹/۰۲/۱۱.

برخی از ویژگی‌های مقام معظم رهبری:

۱. عدالت:

یکی از مسئولان نظامی دستور تصرف مکانی را صادر کرده بود. گرچه حق با او بود؛ اما شیوه اقدام قانونی نبود. سازمان قضایی نیروهای مسلح گزارش حادثه را تنظیم و خدمت مقام معظم رهبری ارسال کرد. ایشان در زیر آن گزارش، مرقوم فرمود: «با متخلف برخورد کنید؛ حتی اگر پسر من باشد»^۱.

۲. ساده‌زیستی:

سرلشگر صفوی می‌گوید: یک روز در منزل مقام معظم رهبری در خدمت ایشان بودم. بحث ما قدری به طول انجامید و نزدیک مغرب شد. پس از اقامه نماز در محضر ایشان، معظم له رو به من کردند و فرمودند: آقا رحیم! شام مهمان ما باشید. بنده در عین حال که این را توفیقی می‌دانستم، خدمتشان عرض کردم: اسباب زحمت می‌شود. مقام معظم رهبری فرمودند: نه، بمانید هر چه هست، با هم می‌خوریم. وقتی سفره را پهن کردند و شام را آوردند، دیدم غذای ایشان و خانواده‌شان چیزی جز املت ساده نیست. من نیز بر آن سفره مهمان بودم و مقداری از همان غذای ساده را خوردم.

۳. ارتباط عاطفی با خانواده شهدا

در دیداری که مقام معظم رهبری در مشهد با خانواده‌های شهدا داشتند، یک روز از خانواده‌های دلجویی می‌کردند که چهار فرزندشان شهید شده بود. مقام معظم رهبری بعد از اینکه عکس شهیدان را برایشان آوردند، اسامی همه اعضای خانواده را سؤال فرمودند. بعد از معارفه، آقا اسم افراد را با اسم کوچک صدا می‌زدند و هدایایی به آنها می‌دادند. در پایان هدیه‌ای نیز به پدر و مادر شهید تقدیم نمودند. در این بین یکی از برادران این شهید بزرگوار که جانباز بود، آمد و پس از دست‌بوسی - از روی شوق - شروع به گریه کرد. مقام معظم رهبری از او دلجویی کردند. پدر شهید گفت: آقا برای همسر ایشان دعا کنید؛ چون بیمار است و دکترها پول کلانی برای مداوایش خواسته‌اند. مقام معظم رهبری فرمودند: هیچ ناراحتی ندارد، انشاءالله مشکلش حل خواهد شد. (فردای آن روز همسر این برادر به دستور ولی امر مسلمین در بیمارستان بستری و تحت معالجه قرار گرفت) در پایان دیدار مجدداً آقا افراد خانواده را به اسم صدا می‌زدند و به آنها شیرینی می‌دادند و به دست مبارکشان شیرینی در دهان بچه‌ها می‌گذاشتند.^۲

۱. حجت‌الاسلام نیازی.

۲. آقای مجتبی سادات فاطمی از مشهد.

تنوع:

جدول: حرف اول را نوشته، چهار تا چهار تا بشمرید و حروف را در کنار هم بچینید تا جمله‌ای از امام خمینی علیه السلام به دست آید.

ا	ل	ن	ک	گ	ا	ر	ش	ر	ی
س	و	م	ت	د	ر	ی	ف	پ	ش
خ	ق	ش	م	و	ه	ت	ا	ا	ب
ی	آ	ه	ا	ب	س	ی	ش	ا	ی
د	ی	ن	ب	ب	د	و	ی	ه	

رمز:

دعا:

ای خدای بخشنده! ما را از ائمه هدی علیهم السلام جدا مفرما.
ای خدای مهربان! ولی فقیه ما را در پناه امام زمان (عج) حفظ بفرما.

تکلیف:

اگر به شما بگویند مقام معظم رهبری قصد دارند شما را ببینند، شما در ده دقیقه به آقا چه خواهید گفت؟

کوچه باغ بیست و پنجم: شب قدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ *
تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ * سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطَلَعِ الْفَجْرِ».

قدر: ۱-۵.

خداوند بخشندهٔ مهربان
بر این آفرینش هزار آفرین

به نام خداوند خوب جهان
به نام خدای جهان آفرین

ایجاد انگیزه:

چنان که درک شب قدر کاری مشکل است، بیان جایگاه و «قدر» شب قدر عملی است دشوار که تنها آنکه شب عزیز را درک کرده باشند، می‌توانند واقعیت و حقیقت آن را بیان دارند.

بچه‌ها با هم سوره مبارکه قدر را از حفظ بخوانیم.
حضرت موسی علیه السلام به خداوند گفت: خداوند! می‌خواهم به تو نزدیک شوم.
فرمود: قرب من از آن کسی است که شب قدر بیدار شود.
گفت: خداوند! رحمتت را می‌خواهم.
فرمود: رحمتم از آن کسی است که در شب قدر به مسکینان رحمت کند.
گفت: خداوند! جواز گذشتن از صراط را از تو می‌خواهم.

فرمود: از آن کسی است که در شب قدر صدقه‌ای بدهد.
گفت: خداوندا! از درختان بهشت و از میوه‌هایش می‌خواهم.
فرمود: آنها از آن کسی است که در شب قدر تسبیحش را انجام دهد.
گفت: خداوندا! رهایی از جهنم را می‌خواهم.
فرمود: از آن کسی است که در شب قدر استغفار کند.
گفت: خداوندا! خشنودی تو را می‌خواهم.
فرمود: خشنودی من از آن کسی است که در شب قدر دو رکعت نماز بگذارد.

متن:

در وصف شب قدر همین بس که «از هزار ماه برتر است» و مسائلی بر قدر و منزلت این شب افزوده است؛ از جمله:

۱. نزول قرآن

نزول جامع‌ترین، کامل‌ترین و ماندگارترین کتاب الهی بر عظمت و منزلت شب قدر افزوده است. قرآن خود می‌گوید: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ»^۱: ماه مبارک رمضان ماهی است که در آن قرآن نازل شده است.

اما در چه شبی از شب‌های آن ماه، قرآن نازل شده است؟ آیه دیگر بیان می‌کند: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ»^۲: به راستی قرآن را در شبی پر برکت نازل کردیم. این شب مبارک را در سوره قدر مشخص فرموده: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»^۳: به حقیقت ما قرآن را در شب قدر فرود آوردیم.

پس باید گفت نزول قرآن در چنین شبی بر عظمت آن می‌افزاید. این نکته را هم اضافه کنیم که این نزول، نزول دفعی است بر قلب رسول گرامی اسلام، نه نزول تدریجی که آغاز آن با آغاز بعثت؛ یعنی بیست و هفتم رجب همراه است.

۲. تعیین سرنوشت

قرآن کریم می‌فرماید: در آن شب: «يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ»^۴: هر کاری بر طبق حکمت خداوند جدا [و تعیین و تنظیم] می‌گردد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «تقدیر امور و سرنوشت‌ها در شب قدر؛ یعنی شب نوزدهم،

۱. بقره: ۱۸۵.

۲. دخان: ۳.

۳. همان: ۴.

تحکیم آن در شب بیست و یکم و امضا آن در شب بیست و سوم صورت می‌گیرد.^۱ طبق روایات فراوانی سرنوشت افراد برای سال بعد؛ مانند: رزق و روزی، مرگ و میرها، خوشی و ناخوشی‌ها، حجرفتن و حوادث دیگر زندگی بر اساس استعدادها و لیاقت‌ها رقم می‌خورد.

در این شب با عظمت و بزرگ، با فرود ملائکه آسمانی، تقدیرات یک سال مشخص و بر قلب حجت زمان (عج) عرضه می‌شود.

۳. سند امامت

شب قدر بزرگ‌ترین سند امامت و تداوم آن در طول زمان است. در روایات فراوانی وجود شب قدر را در هر زمان، دلیل لزوم امامت و بقای آن دانسته‌اند؛ بنابراین سوره قدر به منزله شناسنامه اهل بیت علیهم‌السلام شمرده شده است که به برخی روایات اشاره می‌شود. امیر المومنین علیه‌السلام فرمودند: به حقیقت شب قدر در هر سال وجود دارد و امر سال در آن شب نازل می‌شود و به راستی برای آن امر صاحبان امری است. عرضه شد آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: «أَنَا وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ صَلْبِي أئِمَّةٌ مُحَدَّثُونَ»^۲ من و یازده امام از نسل من که همه امامانی محدث می‌باشند.

و در برخی روایات آمده که خود ولایت علی علیه‌السلام و ائمه علیهم‌السلام جزء تقدیرات آن شب است و دستور داده‌اند که با مخالفان برای اثبات امامت، بقای آن و زنده‌بودن مهدی (عج) به شب قدر استدلال کنید.^۳

آری، بقای شب قدر دلیل محکمی است بر بقای امامت و بقای امامت اقتضا می‌کند حیات مهدی علیه‌السلام را و حیات مهدی علیه‌السلام نشانه حیات مذهب پیشتاز و همیشه در صحنه تشیع است؛ بنابراین اسلام اصیل و قرآن تا ابد زنده است.

از اینجا روشن شد که شب قدر؛ یعنی شب ولایت و امامت و معنای روایاتی که شب قدر را به فاطمه زهرا علیها‌السلام تفسیر نموده است و روشن شد که حقیقت شب قدر، امامت و ولایت است و حقیقت ولایت و امامت زهرا علیها‌السلام مرضیه علیها‌السلام است.

۴. بخشش گناهان

یکی دیگر از ویژگی‌های شب قدر بخشش گناهان و عفو عاصیان و مجرمان است؛ بنابراین باید تلاش نمود تا این فیض عظمای الهی حال انسان را دربرگیرد. وای به حال

۱. تفسیر نور الثقلین؛ ج ۵، ص ۶۲۷.
 ۲. بحار الانوار؛ ج ۹۴، ص ۱۵، ح ۲۶.
 ۳. اصول کافی؛ ج ۱، ص ۳۵۳، ۳۶۲ و ۳۶۴.

انسانی که در شب قدر مورد غفران الهی قرار نگیرد؛ چنانکه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمود: «هر کس که از فیض شب قدر محروم گردد، از تمام خیرات محروم شده است و محروم نمی‌ماند از خیرات شب قدر، مگر کسی که [با اعمال خویش] خود را محروم نموده باشد.»^۱ برای عبادت و درک فضیلت و فیض شب قدر عموماً به مسجدها می‌رویم؛ اما برای اینکه با انجام اعمال مستحبی این شب، خود را برای درک عظمت و فضایل عمیق شب قدر آماده‌تر گردانیم، ما را به انجام تکالیف زیر دعوت نموده‌اند.

مستحبات شب قدر

۱. غسل شب قدر:

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است: «هر کس برای شب‌های هفدهم، نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم ماه مبارک رمضان که امید شب قدر بودن آنها می‌رود، غسل انجام دهد، از گناهان پاک می‌گردد و مانند روزی می‌شود که از مادر متولد گردیده است.»

۲. احیا و شب‌زنده‌داری

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: «هر کس شب قدر را احیا بدارد، خداوند مهربان گناهان او را می‌آمرزد.»

۳. قرآن بر سر گرفتن

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام هم فرموده است: «برای شب‌های قدر قرآن کریم را جلوی خود قرار دهید، آن را بکشایید و بخوانید: اللهم انی اسئلك بکتابک المنزل...»

۴. نماز و دعا

از جمله دعاهایی که به خواندن آنها سفارش شده، صد رکعت نماز مستحبی و دعای جوشن کبیر است.

۵. استغفار و توبه

در این شب‌های نورانی که به بیان امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام درهای رحمت‌الهی به روی بندگان گشوده می‌گردد. درخواست آمرزش گناهان، توبه، انابه، گریه و ناله به درگاه خداوند، برای رفع گرفتاری‌ها و رسیدن به حاجت‌های مادی و معنوی، کاری ضروری خواهد بود. شب قدر، شب وصل است و آداب و تکالیفی را هم که تاکنون برشمردیم، سراسر مقدمه وصال محبوب می‌باشد.

۱. کنز العمال؛ ج ۸، ص ۵۳۴.

تنوع

امام صادق علیه السلام فرمودند: «إِنَّ فَاطِمَةَ هِيَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ»!

مربیان محترم جدول زیر را طراحی کنید و سپس قسمت‌های رنگی را در تابلو بنویسید و از مخاطبین بخواهید تا قسمت مقابل را تکمیل نمایند.

شب قدر	حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>
شب قدر محل نزول قرآن	خانه فاطمه محل نزول قرآن
عظمت شب قدر در کشدن نیست	عظمت و قدر فاطمه نیز ناشناخته است
با ارزش‌ترین شب و بهتر از هزار ماه	فاطمه زهرا سیده زنان عالم
شب قدر محل نزول ملائکه	محدّثه بودن فاطمه- محل رفت و آمد فرشتگان
شب قدر شب امنیت و شب مبارک	از القاب فاطمه مبارکه و کوثر (خیر کثیر) است
مخفی بودن شب قدر	مخفی بودن محل دفن و زمان دقیق شهادت

دعا:

خدایا توفیق شب‌زنده‌داری شب قدر به همه ما عنایت بفرما.
کسانی که توفیق ندارند در شب‌های قدر در جمع شب‌زنده‌داران باشند را ببخش.

تکلیف:

۱. شب‌های قدر را در مسجد محله خودتان شب‌زنده‌دار باشید.
۲. سال‌های گذشته چه اعمالی در شب قدر انجام می‌داده‌اید و امسال تصمیم دارید چه اعمالی را به جا آورید.

کوچه باغ بیست و ششم: انسان قرآنی (حضرت علی علیه السلام)

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ؛ سرپرست و ولیّ شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند؛ همان‌ها که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌دهند».

مآئده: ۵۵.

همیشه بر زبانم نام او است سر آغاز کلامم یاد او است

ایجاد انگیزه:

سلیم بن قیس نقل می‌کند: به ابودر گفتم: خدای بیامرزت، شگفت‌انگیزترین سخنانی را که از رسول خدا درباره‌ی علی بن ابیطالب علیه السلام شنیده‌ای، برایم تعریف کن. گفتم: شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: اطراف عرش نود هزار فرشته‌اند که تسبیح و عبادتی جز فرمانبری از علی بن ابیطالب و بیزاری از دشمنانش و طلب آمرزش برای پیروانش ندارند. گفتم: خدای بیامرزت، جز این. گفتم: شنیدم که می‌فرمود: خداوند جبرئیل و میکائیل و اسرافیل را به اطاعت از علی و بیزاری از دشمنانش و آمرزش برای پیروانش، مخصوص گردانیده است. گفتم: خدای بیامرزت، جز این. گفتم: شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمود: خداوند همواره در هر امتی که پیامبری مرسل داشته، بر آنان به حقانیت علی علیه السلام احتجاج می‌کند، هر کدام‌شان که علی‌شناس‌تر باشند، بزرگ‌ترین مقام را نزد خداوند دارند. گفتم: جز این. گفتم: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که اگر من و علی نبودیم، خداوند شناخته نمی‌شد. اگر من و علی نبودیم، خداوند عبادت نمی‌شد. اگر من و علی نبودیم، ثواب و عقابی نبود. میان خدا و علی پرده و پوششی در کار نیست.^۱

۱. کتاب سلیم بن قیس؛ ج ۲، ص ۸۵۸.

متن:

بزرگان دینی ما برای بیان فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام خود را مانند قطره‌ای در مقابل دریا می‌دانند؛ زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «لَوْ أَنَّ الْبَحْرَ مِدَادٌ وَالْغِيَاضَ أَقْلَامٌ وَالْإِنْسَ كُتَابٌ وَالْجَنُّ حُسَابٌ مَا أَحْصَوْا فَضَائِلَكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ!»^۱ اگر درختان جنگل‌ها قلم و دریا مرکب و تمام جن حسابگر و تمام انس نویسنده باشند، هرگز نمی‌توانند فضایل علی بن ابیطالب را بشمارند.

در مورد هر صفتی از حضرت بخواهیم مطلب بیاوریم؛ مانند برگرفتن قطره‌ای از دریا می‌باشد؛ اما به قول شاعر:

اگر نتوان آب دریا را چشید پس به قدر تشنگی باید چشید

فضایل حضرت علی علیه السلام**۱. حضرت علی علیه السلام محبوب نزد خدا**

حارث بن ثعلبه گوید: به سعد گفتم آیا چیزی از مناقب و فضایل علی علیه السلام با دیده خود دیدی؟ گفت: آری چهار منقبت از او دیدم و پنجمی را هم مشاهده کردم که اگر یکی از آنها برای من بود، از بهترین اموال جهان دوست‌تر داشتم. یکم: پیغمبر سوره براءت را با ابوبکر فرستاد، سپس علی را دنبالش فرستاد و آنها را از او گرفت. ابوبکر برگشت و عرض کرد یا رسول الله! آیا درباره من چیزی از طرف خدا نازل شده است؟ فرمود: نه جز اینکه نباید این سوره را ابلاغ کند، مگر خودم یا مردی که از خانواده خودم باشد. دوم: درهایی که از خانه‌های اصحاب به مسجد باز می‌شد همه را گرفت جز در خانه علی علیه السلام. عرض کردند: در خانه‌های ما را گرفتی و در خانه علی را باز گذاردی. فرمود: من آنها را نگرفتم و آن دیگری را باز نگذاشتم [به دستور خدا عمل کردم]. سوم: رسول خدا، عمر بن خطاب و مرد دیگری را برای فتح قلعه خیبر فرستاده، شکست خورده برگشتند، پیغمبر فرمود فردا پرچم را به دست کسی دهم که خدا و رسول خدا را دوست دارد و محبوب خدا و رسول است و مدح بسیاری فرمود. گوید: بسیاری خود را به پیغمبر وانمودند که این فضیلت را ببرند و او علی را خواست و پرچم را به دستش داد و برنگشت تا خدا او را پیروزی داد.

چهارم: در روز غدیر رسول خدا دست علی را بلند کرد تا سپیدی زیر بغلشان نمودار شد و پیغمبر فرمودند: آیا من به شماها از خودتان حکم فرماتر نیستم؟ عرض کردند: چرا؟ فرمود: به هر که من مولای اویم پس علی مولای او است.

۱. غرر الأخبار؛ ص ۲۲۴.

پنجم: پیغمبر او را در خانواده‌اش جانشین کرد. علی دنبال آن حضرت رفت. حضرت به او فرمود: جایگاه تو نسبت به من، مانند جایگاه هارون است به موسی؛ جز آنکه پس از من پیغمبری نیست.^۱

۲. اولین اسلام آورنده است.

«وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ»^۲

اولین گروه مهاجرین حضرت علی علیه السلام و سه فاطمه بود. (فاطمه بنت اسد - فاطمه بنت زبیر - فاطمه زهرا^۳)

۳. ملاک حق و باطل است.

«وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»^۴

جابر می‌گوید: در فتح مکه شروع کردیم به شکستن بت، تا رسید به بت هبل که حضرت علی علیه السلام بر دوش پیامبر بالا رفته و آن بت را شکست و این آیه نازل شد.

۴. صراط مستقیم الهی است.

«أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»^۵ قال رسول الله ﷺ لعلی علیه السلام: «يا علي أنت الصراط المستقیم»^۶

تنوع:

جدول: حرف اول خانه را نوشته و ۴ تا ۴ تا بشمرید تا رمز جدول به دست آید:

جواب: ذکر علی عبادت است.

ذ	ل	ا
س	ک	ی
د	ت	ر
ع	ت	.
ع	ب	ا

۱. الخصال؛ ترجمه کمره‌ای؛ ج ۱، ص ۲۷۸.

۲. توبه: ۱۰۰.

۳. اسراء: ۸۱.

۴. فاتحه: ۶.

۵. عیون أخبار الرضا علیه السلام؛ ج ۲، ص ۶.

دعا:

ای خدای من، در دنیا و آخرت ما را از امام علی علیه السلام جدا مگردان.
ای مهربان‌ترین مهربانان، پدر و مادر و معلمان را به خاطر امام علی علیه السلام ببخش.

تکلیف:

۱. با کمک پدر و یا مادر خود تحقیق کنید وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفتند، مردم چه رفتاری با امام علی علیه السلام داشتند؟
۲. چرا به امیرالمؤمنین ساقی کوثر می‌گویند؟

کوچه باغ بیست و هفتم: آفت گل‌ها

«أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَبْنَىءِ آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ؛ أَيَا بَا شَمَا عَهْد نَكْرَدَم اِی فَرْزَنْدَانِ آدَمَ كَه شَيْطَانَ رَا نِپْرَسْتِيدَ كَه اُو بَرَایِ شَمَا دَشْمَنِ أَشْكَارِیِ اسْت.»
یس: ۶۰

دلت را با خداوند آشنا کن
ز عمق جان خدایت را صدا کن
بکن هر کار را با نامش آغاز
خدای مهربان از خود رضا کن

ایجاد انگیزه:

رسول خدا ﷺ فرمود: زمانی موسی عليه السلام نشسته بود که ناگاه شیطان سوی او آمد و کلاه دراز رنگارنگی به سر داشت؛ چون نزدیک موسی عليه السلام رسید، کلاهش را برداشت و خدمت موسی ایستاد و به او سلام کرد. موسی گفت: تو کیستی؟ گفت: من شیطانم. موسی گفت: شیطان تویی؟! شیطان گفت: من آمده‌ام به دلیل منزلتی که نزد خدا داری، به تو سلام کنم. موسی عليه السلام به او فرمود: این کلاه چیست؟ گفت: به وسیله این کلاه دل انسان‌ها را می‌ربایم [گویا رنگ‌های مختلف کلاه نمودار شهوات و زینت‌های دنیا و عقاید فاسد و ادیان باطل بوده است]. موسی گفت: به من خبر ده از گناهی که اگر انسان‌ها مرتکب شود، بر او مسلط شوی؟ شیطان گفت: هنگامی که انسان از خود خوشش آید و عملش را زیاد بشمارد و گناهش در نظرش کوچک شود.^۱

۱. کافی؛ ج ۳، ص ۴۲۹.

متن:

یکی از سفارشات دین اسلام به مسلمانان این است که باید دوست و دشمن خود را شناخت. زمانی که آیه شریفه «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»^۱ بر رسول حق نازل شد، شدت عمل مؤمنین به جایی رسیده بود که حتی از لباس مشرکین دوری می‌جستند که به لباس آنان نجسیند و نیز بدن‌های خود را از بدن‌های آنان دور می‌گرفتند که به بدن آنان تماس پیدا نکنند و مهربانی آنان در بین یکدیگر به جایی رسیده بود که هیچ مؤمنی برادر دینی خود را نمی‌دید؛ مگر آنکه با او روبوسی کرده و دست می‌داد.^۲

پیامبر ﷺ فرمود: «با کسانی که نسبت به آل محمد ﷺ کینه دارند و با آنها در جنگ و نزاع هستند، محبت نداشته باشید و از آنها تبری کنید و با آنها مانند عداوت با شیطان عمل نمایید و از دوستان و پیروان آنها هم دوری کنید و در این راه پایدار و مستقیم باشید»^۳.

انواع دشمن:**۱. دشمن درونی**

هوای نفس، غضب و شهوت، دشمن درونی انسان بوده و بسیار خطرناک هستند؛ زیرا معمولاً انسان کم‌ایمان یا بی‌ایمان از او غافل می‌شوند.

۲. دشمن بیرونی

اگر انسان بداند دشمن او در روبرویش ایستاده است، از خود دفاع می‌کند و نمی‌گذارد به او آسیب برساند. در صورتی که بخواهیم از آسیب دشمن در امان باشیم، باید در مرحله اول دوست و دشمن را بشناسیم تا بتوانیم از مکر دشمنان در امان بمانیم.

شیطان:

اولین دشمن ما شیطان است. خداوند می‌فرماید: «إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِإِنْسَانٍ عَدُوًّا مُّبِينًا»^۴ همانا شیطان برای انسان دشمنی آشکار است. باید بدانیم شیطان، موجودی شرور و گمراه‌کننده است و همواره دشمن انسان بوده و در دشمنی لحظه‌ای درنگ نکرده است.

۱. فتح: ۲۹.

۲. ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۲۳، ص ۱۷۶.

۳. ایمان و کفر؛ ترجمه الإیمان و الکفر بحار الانوار؛ ج ۱، ص ۳۹۰.

۴. اسراء: ۵۳.

کار شیطان این است که هر کاری را خدا دوست ندارد، برای انسان زیبا جلوه می‌دهد تا به سوی آن کشانده شود؛ بنابراین یک مسلمان زیرک، هیچ‌گاه از دشمن خود غافل نمی‌شود. امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ نَامَ لَمْ يَنْمَ عَنْهُ»^۱ هر کس از دشمن خود غفلت کند، [دشمنان] از او غافل نخواهند بود.

اسرائیل فرزند آمریکا:

دشمن دیگر مسلمانان، اسرائیل فرزند نامشروع آمریکاست. همان آمریکایی که امام خمینی رحمته الله علیه فرمودند: آمریکا شیطان بزرگ است.

امروز اسرائیل خون‌آشام به کمک ابرقدرت زورگو، آمریکای جنایت‌کار به جان مسلمانان افتاده و خون سرخ مسلمانان را می‌مکند و روزی بر مسلمانان نمی‌گذرد؛ مگر اینکه گوش‌هایی از جنایات این قوم ناپاک را مشاهده می‌کنند؛ اما غافل هستند مسلمانان با ایمانی وصف ناپذیر، مرگ را پایان زندگی خود نمی‌دانند و با جانفشانی از قدس شریف دفاع می‌کنند.

قدس اولین قبله اسلام و مسلمانان و قبر پیامبران زیادی است که در کشور فلسطین قرار دارد. این کشور که در حال حاضر بیشتر آن در دست اسرائیل غاصب است، ۸۰ درصد آن مسلمان هستند.

امام خمینی رحمته الله علیه فلسطین را پاره تن اسلام معرفی کرده است. اسرائیل به دلیل ضعیف کردن اسلام و طمع فراوان خود بر این سرزمین آن را اشغال کرده است. به همین دلیل به آنها اسرائیل اشغالگر می‌گویند.

امام خمینی رحمته الله علیه روز جمعه آخر ماه مبارک را روز قدس نامیدند تا مسلمانان جهان با راهپیمایی و بیان جنایات‌های اشغالگران، یاد قدس زنده مانده و فراموش نگردد.

تنوع:

شخصی در خواب شیطان را دید که زنجیرهای زیادی داشت. بعضی از زنجیرها نازک و بعضی ضخیم بودند. سؤال کرد: این زنجیرها چیست؟ ابلیس گفت: من به وسیله این زنجیرها، افراد را به سوی خود می‌کشم و آنها را منحرف می‌کنم. یکی از زنجیرها از همه ضخیم‌تر بود. از او پرسید: این زنجیر برای کیست؟ گفت: برای شیخ انصاری. مرد سؤال کرد: آیا تا به حال توانسته‌ای او را زنجیر کنی؟ گفت: یکبار موفق شدم؛ ولی او زنجیر را پاره کرد. مرد سؤال کرد: زنجیر من کدام است. شیطان گفت: تو نیاز به زنجیر نداری و خودت همین‌طور به دنبال من می‌آیی.

۱. نهج البلاغه: ص ۴۵۲.

جدول:

رعد	۱. مردم می گویند . . . و برق شد، الان باران می آید؟
ورق	۲. آن چیست که هم آهن دارد و هم کاغذ؟
زاغ	۳. عکس پرنده‌ای که پرنده دیگر می شود؟
قصص	۴. نام سوره‌ای که به معنای داستان‌ها است؟
داود	۵. کدام پیامبر شمشیر و زره را ساخت؟
سجده	۶. نام سوره‌ای که جزء ارکان نماز هم هست؟

حال حرف اول جوابها را کنار هم قرار دهید تا جمله زیر کامل شود.
رمز: یوم الله است.

دعا:

۱. خدای مهربان! به ما کمک کن تا دوست و دشمن خود را بهتر بشناسیم.

تکلیف:

- چند شعار معروف در روز قدس را یادداشت نمایید.
- نام‌های کوتاه به هم سن و سال‌های فلسطینی خود بنویسید.

کوچه باغ بیست و هشتم: شادی و نشاط

«قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ؛ بگو: به فضل و رحمت خدا باید خوشحال شوند که این، از تمام آنچه گردآوری کرده‌اند، بهتر است.
یونس: ۵۸.

خدای من و تو خدای جهان
خداوند بخشنده مهربان

بنام خداوند رنگین کمان
خدای مکان و خدای زمان

ایجاد انگیزه:

پیرزنی بر اثر پیری دندان‌هایش افتاده بود. پیامبر ﷺ او را دید و فرمود: «پیرزن بی‌دندان به بهشت نمی‌رود!»
پیرزن گریه کرد. پیامبر آیه او فرمود: چرا گریه می‌کنی؟
او عرض کرد: ای رسول خدا! من بی‌دندان هستم.
پیامبر خندید و فرمود: «لَا تَدْخُلِينَ الْجَنَّةَ عَلَىٰ حَالِكٍ!» تو با این حال وارد بهشت نمی‌شوی [منظور این است که با دندان وارد بهشت می‌شوی]

متن:

وقتی صحبت از شادی و نشاط می‌شود، بعضی از جوانان و نوجوانان فکر می‌کنند حتماً باید عروسی، رقص و نوار باشد و شادی به غیر از آن نیست. اما وقتی به سیره و کلام اهل بیت علیهم‌السلام رجوع می‌کنیم، می‌بینیم به شادی در اسلام اهمیت زیادی داده شده و نمونه و

روش‌های صحیح شادی و نشاط در سیره بیان شده است. نمونه‌هایی از شادی حلال، حرام و شادی‌های اصلاح‌شدنی به طور خلاصه در ادامه آمده است:

شادی‌های حلال

۱. شادی با شوخی و خوشمزگی

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الْمُدَاعِبَ فِي الْجَمَاعَةِ بِلَا رَفْتٍ»^۱! خدای عزوجل آن کسی را که میان جمعی شوخی و خوشمزگی کند، دوست دارد؛ در صورتی که فحشی در میان نباشد. همچنین امام صادق علیه السلام فرمود: «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَفِيهِ دُعَابَةٌ قُلْتُ وَمَا الدُّعَابَةُ قَالَ الْمَزَاحُ»^۲؛ هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه در او دعابه است. عرض کردم: دعابه چیست؟ فرمود: شوخی.

۲. شادی در شادکردن کودکان

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ دَارًا يُقَالُ لَهَا: دَارُ الْفَرَحِ، لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا مَنْ فَرَحَ يَتَامَى الْمُؤْمِنِينَ»^۳؛ خانه‌ای در بهشت است که به آن خانه شادی گفته می‌شود. جز کسی که کودکان را شاد کرده باشد، وارد آن نمی‌گردد. همچنین در جای دیگر فرمود: «همانا در بهشت، سرایی به نام «شادی‌سرا» هست که تنها کسانی به آن در می‌آیند که کودکان را شاد کنند»^۴.

۳. شادی با شادکردن یتیمان

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «در بهشت، سرایی به نام "شادی‌سرا (دار الفرح)" هست که تنها کسانی وارد آن می‌شوند که یتیمان مؤمنان را شاد کنند»^۵.

۴. شادی با بخشش به مؤمن

امام صادق علیه السلام فرمودند: «خداوند عزوجل به داود وحی کرد: بنده‌ای از بندگانم تنها یک حسنه می‌آورد و من بهشت خودم را ارزانی می‌کنم. داود عرض کرد: پروردگارا آن چه حسنه‌ای است؟ فرمود: شادکردن مؤمن، اگر چه با یک خرما. داود عرض کرد: پروردگارا بر کسی که تو را شناخته، سزا است که امیدش را از تو نبرد».

۱. کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۶۶۳.

۲. همان.

۳. حکمت نامه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم؛ ج ۷، ص ۳۱۷.

۴. همان؛ ج ۱۴، ص ۱۸۹.

۵. همان.

شادی‌های حرام:

۱. شادی که باعث ناراحتی دیگران شود؛
۲. شادی حاصل از موسیقی حرام؛
۳. شادی حاصل از رقصیدن؛
۴. شادی حاصل از استفاده از قرص‌های روان‌گردان؛
۵. شادی که در آن تهمت، غیبت و یا تمسخر دیگران باشد؛
۶. شوخی با نامحرم؛
۷. شادی که باعث تزیین حق دیگران باشد.

شادی‌های اصلاح‌شدنی

۱. شادی حاصل از بازی‌های بیش از حد (رایانه، فوتبال و ...);
اصلاح: برنامه‌ریزی برای بازی در حد معمول و لازم.
۲. شادی حاصل از جوک و لطیفه (درباره طایفه خاص);
اصلاح: لطیفه‌ها درباره کفار باشد یا به طور کلی باشد.
۳. شوخی زیاد؛
اصلاح: شوخی به اندازه‌ای باشد که شخصیت انسان از بین نرود.
۴. شادی رفتاری؛
اصلاح: باعث تحقیر دیگران نباشد و از طرفی دیگران آن را لوس‌بازی ندانند.
۵. شادی گفتاری؛
اصلاح: لطیفه‌ها بی‌مزه و بی‌هدف نباشد و یک هدف مثبتی داشته باشد.

نتیجه بحث:

- الف) نوجوان باید شاد زندگی کند.
ب) شادی‌های پایدار داشته باشد.
ج) شادی او باعث نشود تا دیگران ناراحت شوند.

تنوع

بازی: اجرای یک بازی شاد مثل:

آب خوردن با حالت خمیده (مانند رکوع)، یا پیام‌رسانی با دهان بسته، یا بی‌نقطه‌نویسی (هر کدام امکانش بود)

لطیفه: پدر: رضا به من بگو بلندترین شب سال چه نام دارد؟ رضا: شب امتحان!

شعر: مربی با صوت بخواند و بچه‌ها جواب دهند.

بر چهره دلگشای مهدی صلوات
بر قامت دلربای مهدی صلوات
بر جلوه روی ماه مهدی صلوات
بر جذبه هر نگاه مهدی صلوات
ای دوست بر حنجر شهیدان صلوات
بر قامت بی‌سر شهیدان صلوات
من دست پدر شهید را می‌بوسم
بر چادر مادر شهیدان صلوات
برای سلامتی خودتون صلوات

دعا:

ای خدای بچه‌های شاد و مهربان! امام مهربان ما را برسان تا ما عید واقعی را ببینیم.
ای خدای شهیدان! به همه ما نشاط و سلامتی عطا کن تا بتوانیم.

تکلیف:

امشب در منزل سعی کنید با گفتن یک لطیفه یا انجام یک کار خوب، پدر و مادرتان را شاد کنید. پس از آن به آنها درباره کلاس امروز توضیح دهید.

کوچه باغ بیست ونهم: باغ بهشت

«لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدًا مَسْئُولًا؛ هر چه بخواهند در آنجا [بهشت] برایشان فراهم است. جاودانه در آن خواهند ماند. این وعده‌ای است مسلم که پروردگارت بر عهده گرفته است.»

فرقان: ۱۶.

به نام:

خدایی که سرشار از آرامش است
طرفدار سرسبزی و دانش است
خدایی که از بوی گل بهتر است
و از نور باران صمیمیتر است

ایجاد انگیزه:

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عازم یکی از جنگ‌ها بودند که مرد صحرانشینانی به محضرشان آمد و رکاب حضرت را گرفت و گفت: ای رسول خدا! عملی به من یاد بدهید که مرا به بهشت رهنمون باشد.

حضرت فرمودند: با مردم آن‌گونه رفتار کن که دوست داری با تو رفتار کنند و آن‌طوری که دوست نداری با تو برخورد نمایند، با آنان برخورد نکن!

متن:

علی علیه السلام فرمود: بهشت هشت در دارد: دری که پیامبران و صدیقان از آن داخل می‌شوند و دری که شهدا و صالحان از آن وارد می‌شوند و پنج در دیگر هستند که شیعیان و دوستان ما از آنها وارد می‌شوند و من همواره در کنار پل صراط می‌ایستم و دعا می‌کنم و می‌گویم: پروردگارا! شیعیان و دوستداران و یاران من و هر کسی را که در دنیا مرا دوست می‌داشت، سلامت بدار و از داخل عرش ندا می‌رسد که دعای تو را اجابت کردم و شفاعت شیعیان تو را پذیرفتم و هر مردی از شیعیان من و کسانی که مرا دوست داشته‌اند و یاری نموده‌اند و با دشمنان من با عمل یا زبان مبارزه کرده‌اند، به هفتاد هزار نفر از همسایگان و خویشان خود شفاعت می‌کند و دری است که سایر مسلمانان از آن وارد می‌شود و آنان کسانی هستند که به یگانگی خدا گواهی داده و در قلبشان به مقدار یک ذره دشمنی ما اهل بیت نباشد.^۱

ویژگی بهشتیان**۱. اهل ایمان و عمل صالح**

و آنها که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، آنان اهل بهشتند و همیشه در آن خواهند ماند.^۲

ابن مبارک می‌گوید: در سالی که قحطی شدیدی عارض شده بود، وارد مدینه شدم. دیدم مردم برای طلب باران از شهر خارج می‌شوند، من هم با آنها همراه شدم. در این هنگام غلام سیاهی را دیدم که با دو قطعه پارچه خشن خود را پوشانده بود، همراه جمعیت آمد و در کنار من نشست. شنیدم که می‌گفت: گناه زیاد انجام داده‌ایم و اعمال بدی به جای آورده‌ایم، تو باران را از ما منع کرده‌ای تا ما را ادب کنی، از تو می‌خواهم ای مهربان و رئوف و ای کسی که بندگان جز خوبی از تو نمی‌شناسند، باران بر این مردم بفرستی در این لحظه او مرتب می‌گفت: «الساعة الساعة»؛ تا اینکه ابر در آسمان پدیدار شد و باران شدیدی باریدن گرفت. ابن مبارک می‌گوید: به شهر بازگشته و نزد فضیل رفتم. او به من گفت: چرا غمگین و ناراحت هستی؟ گفتم برای اینکه یک غلام سیاه در تقرب به خدا از ما پیشی گرفت و خداوند او را بیش از ما دوست می‌دارد. قصه را برای او تعریف کردم؛ فضیل همین که این مطلب را شنید، صیحه‌ای زد و بیهوش شد.^۳

۱. خصال؛ ج ۲، ص ۴۰۸.

۲. بقره: ۸۲.

۳. داستان معنوی؛ ص ۳۴۵۹.

۲. دوست داشتن دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا

«هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند، نمی‌یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هرچند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه دل‌هایشان نوشته و با روحی از ناحیه خودش آنها را تقویت فرموده و آنها را در باغ‌هایی از بهشت وارد می‌کند که نهرها از زیر [درختانش] جاری است. جاودانه در آن می‌مانند؛ خدا از آنها خشنود است و آنان نیز از خدا خشنودند. آنها «حزب‌الله» اند؛ بدانید «حزب‌الله» پیروان و رستگارانند»^۱.

۳. اهل نماز

«آنها که نمازها را پیوسته به‌جا می‌آورند، آنان در باغ‌های بهشتی [پذیرایی و] گرمی داشته می‌شوند»^۲.

شب آخر زندگی امام خمینی بود. تاریکی بر همه جا حکم‌فرما بود. از آسمان تیره و ابری نهم باران می‌بارید. امام از ساعت یک و نیم بعد از ظهر روی تخت بیمارستان بیهوش شده بود. صورت بی‌خون امام، نشانه ضعف او بود. پزشکان با ناامیدی به صورت لاغر و استخوانی امام نگاه می‌کردند و در دل می‌گفتند: ای کاش خدا سلامت را به امام باز می‌گرداند.

هنگام مغرب با شنیدن صدای اذان، یکی از نزدیکان امام آهی از سینه برآورد و سکوت را شکست؛ آقا! وقت نماز است. امام که ساعت‌ها به هیچ صدایی واکنش نشان نداده بود، وقتی این حرف را شنید، ابروهایش را به آرامی تکان داد. امام با حرکت ابروها، آخرین نماز مغرب و عشاء خود را خواند. قطره‌های اشک در چشم‌ها و روی گونه‌های پزشکان درخشید.^۳

۴. اهل امانت

«و آنها که امانت‌ها و عهد خود را رعایت می‌کنند، آنان در باغ‌های بهشتی [پذیرایی و] گرمی داشته می‌شوند»^۴.

۵. اهل صداقت

خداوند می‌فرماید: «امروز روزی است که راستی راستگویان به آنها سود می‌بخشد. برای

۱. مجادله: ۲۲.

۲. معارج: ۲۳.

۳. امام خمینی؛ ص ۶۴۳ به نقل نرم افزار هدایت در حکایت.

۴. معارج: ۳۲.

آنها باغ‌هایی از بهشت است که نهرها از زیر [درختان] آن می‌گذرد و تا ابد جاودانه در آن می‌مانند. هم خداوند از آنها خشنود است و هم آنها از خدا خشنودند. این رستگاری بزرگ است.»^۱

۶. اهل احسان

«ما این‌گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم.»^۲

۷. اهل جهاد در راه خدا

«خداوند از مؤمنان، جان‌ها و اموالشان را خریداری کرده که [در برابرش] بهشت برای آنان باشد.»^۳

حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی در خاطرات خود می‌نویسد: «گردهمایی بسیار مهمی در پاکستان بود. من هم با دعوت در آن جلسه شرکت کرده بودم. هر چند بعضی‌ها تعریف‌هایی درباره شیعه داشتند؛ ولی اکثراً علما و دانشمندان اهل سنت بودند و بر علیه شیعه صحبت می‌شد. نوبت به من رسید، فکر کردم چه بگویم، رفتم پشت تریبون و گفتم: نه شیعه و نه سنی! همه خوشحال شده و برایم کف زدند. بعد گفتم: برای شیعه سه دلیل از قرآن دارم، اگر شما هم دارید، ارائه دهید. اول: قرآن می‌فرماید: «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ»؛ حضرت علی و امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام از سابقین هستند و ائمه چهارگانه اهل سنت «مالکی، شافعی، حنبلی، حنفی» همه از متأخرین می‌باشند. دوم: قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا» و «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ»؛ تمام پیشوایان شیعه، جهاد کرده و در راه خدا شهید شده‌اند؛ ولی ائمه چهارگانه اهل سنت چطور؟ سوم: قرآن درباره اهل بیت علیهم‌السلام می‌فرماید: «أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»؛ ولی درباره ائمه چهارگانه یک آیه هم نداریم.

تنوع:

شعر: مربی با صدا بخواند:

بله بچه‌ها، روز جزا	راهها همه از هم جدا	یه دسته راهی بهشت
یه دسته توی دوزخند	بهشت جای آدم خوبا	همه آدمای باصفا
اما جهنم جای کی؟		جای همه آدم بدا

۱. مائده: ۱۱۹.

۲. مرسلات: ۴۴.

۳. توبه: ۱۱۱.

جدول:

به جای هر عدد از اعداد ابجد، حرف مورد نظر را گذاشته و در پایان حروف را به هم بچسبانید و رمز جدول را به دست آورید.

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰	۱۰۰۰

رمز جدول:

۵	۲۰۰	۲۰	۵	۷	۲	۱	۵۰	۳۰۰	۲۰۰	۱	۸	۸۰	۹۰۰	۲۰
۵۰	۴	۶	۱	۲۰۰	۴	۲	۵	۳۰۰	۴۰۰	۴۰	۱۰	۳۰۰	۶	۴

دعا:

ای خدای مهربان! ما را در بهشت، همسایه پیامبر مهربانمان قرار بده.
ای خدای من! به ما نیرو بده تا تو را اطاعت کنیم تا در بهشت تو میهمان امیرالمومنین علیه السلام باشیم.

تکلیف:

با رجوع به قرآن ترجمه سوره واقعه را بخوانید، سپس در دفتر خود خصوصیات بهشت و بهشتیان را طبق آیات بنویسید: فرار از جهنم و جهنمیان

کوچه باغ سی ام: فرار از جهنم و جهنمیان

«فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَ لَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ؛
پس اگر چنین نکنید- که هرگز نخواهید کرد- از آتشی بترسید که هیزم آن بدن‌های
مردم [گنجهکار] و سنگها [بتها] است و برای کافران آماده شده است.
بقره: ۲۴»

خداوندا تویی پروردگارم
همه از توست یا رب هر چه دارم
چگونه شکر این نعمت گزارم
که در دل پرتو مهر تو دارم

ایجاد انگیزه:

یکی از کارکنان محمدبن‌راشد گوید: در سر غذای شام امام صادق علیه السلام در تابستان حاضر شدم.

سفرهای گسترده که در آن نان بود و سپس کاسه بزرگی آوردند که در آن آب گوشت بود و می‌جوشید. حضرت دست بر آنها نهاد، دید داغ است، دستش را برداشته و فرمود: پناه می‌برم به خدا از آتش، پناه به خدا از آتش. ما طاق‌حرارت این آتش را نداریم؛ چه رسد به آتش دوزخ و هم‌چنان این سخنان را تکرار می‌کرد تا آب گوشت خنک و خوردنی شد.^۱

۱. روضه الکافی؛ ص ۱۶۴.

متن:

محمد بن فضیل رزقی از امام صادق علیه السلام و او از پدرانش نقل می‌کند که فرمودند: «جهنم هفت در دارد: دری که فرعون، هامان و قارون از آن وارد می‌شوند، دری که مشرکان، کافران و کسانی که یک لحظه به خدا ایمان نیاورده‌اند، از آن وارد می‌شوند، دری که بنی‌امیه از آن وارد می‌شوند و آن در مخصوص آنهاست و کسی با آنان نیست و آن در شعله آتش و در آتش برافروخته و در فرو برنده است که به اندازه هفتاد خریف (هر خریف مسیر هشتاد سال است) فرو می‌برد و هر بار که آنان را هفتاد خریف فرو می‌برد، جهنم آنها را هفتاد خریف به بالا پرتاب می‌کند و دوباره هفتاد خریف به پایین انداخته می‌شوند و همواره این کار تکرار می‌گردد و آنان در جهنم جاویدان هستند و دری که دشمنان و مبغضان ما و کسانی که با ما جنگیدند و ما را خوار کردند، از آن وارد می‌شوند و این در بزرگترین و پرحرارترین درهاست»^۱.

ویژگی جهنمیان:**۱. بی‌نماز در دنیا**

«چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟ می‌گویند: ما از نماز گزاران نبودیم»^۲.

۲. منکران ولایت امام علی علیه السلام

«ای علی، تو از من و من از توام. گوشت تو با گوشت من و خون تو با خون من مخلوط شده است. تو سبب بین خدا و خلق او بعد از من هستی. هر کس ولایت تو را انکار کند، رابطه‌ای که بین او و خداوند است قطع می‌شود و به درجات پایین جهنم می‌رود»^۳.

۳. منافقان و کافران

«و خداوند [این حکم را] در قرآن بر شما نازل کرده که هر گاه بشنوید افرادی آیات خدا را انکار و استهزا می‌کنند، با آنها ننشینید تا به سخن دیگری بپردازند؛ و گرنه شما هم مثل آنان خواهید بود. خداوند منافقان و کافران را همگی در دوزخ جمع می‌کند»^۴.

۴. پیروی از شیطان

فرمود: «از آن [مقام] با ننگ، عار و خواری بیرون رو و سوگند یاد می‌کنم که هر کس

۱. خصال؛ ج ۲، ص ۳۶۲.

۲. مدثر: ۴۲ - ۴۳.

۳. اسرار آل محمد؛ ص ۵۴۷.

۴. نساء: ۱۴۰.

از آنها از تو پیروی کند، جهنم را از شما همگی پر می‌کنم»^۱.

۵. ظالم و ستمگر

«و اما ظالمان آتشگیره و هیزم دوزخند»^۲.

۶. جلوگیری از هدایت مردم

«ولی جمعی از آنها به آن ایمان آوردند و جمعی راه [مردم را] بر آن بستند. و شعله فروزان آتش دوزخ برای آنها کافی است»^۳.
 «به یقین گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم. آنها دلها [عقل‌ها]یی دارند که با آن [اندیشه نمی‌کنند و] نمی‌فهمند و چشمانی که با آن نمی‌بینند و گوشهایی که با آن نمی‌شنوند. آنها همچون چهارپایانند، بلکه گمراهتر. اینان همان غافلانند [چرا که با داشتن همه‌گونه امکانات هدایت، باز هم گمراهند]»^۴.

تنوع:

شعر:

آی بچه‌ها؛ آی بچه‌ها * فصل بهار وقتی میاد * یادم میفته به معاد
 * یه روز سخت، روز حساب * یه روز پر از تب و تاب * اون روز تمام آدمای *
 کوچیک، بزرگ * پیر و جوان، بینا و کور * تا می‌شنوند صدای صور * مثل گیاه از دل
 خاک * بیرون میان از توی گور * تا که خدای مهربون * برسه حساب همه‌شون.
 * اونها که کارنامه شونو * به دست راستشون دارن * خوشحال و شاد و پر امید *
 چهره‌هاشون ناز و سفید * میدن به اونها این نوید.
 آی آدمای باصفا * شما که مهربون بودید * شما که خوشزبون بودید * شما که از
 یاد خدا * یه لحظه غافل نبودید * بهشت سزاوار شماست.
 * اما اونا که دست چپ * یه دونه کارنامه دارن * تو دل‌هاشون پراز غمه *
 چهره‌هاشون زشت و کبود * تو چشما اشک ماتمه.
 * می‌گن که:
 * کاشکی نبودیم * کاشکی که خاکستر بودیم * تو دنیایی که فانی بود * به

۱. اعراف: ۱۸.

۲. جن: ۱۵.

۳. نساء: ۵۵.

۴. اعراف: ۱۷۹.

فکر سیم و زر بودیم * کاری نکردیم که خدا * راضی باشه از دست ما * کاشکی خدا
امان میداد * یه فرصتی به ما می داد... .

* اما فرشته‌ها میگن: * « ساکت باشید آی آدما * با این همه بدی، شما * جاتون
میون آتسه... .

* بله بچه‌ها، روز جزا * راه‌ها همه از هم جدا * یه دسته راهی بهشت * یه دسته
توی دوزخند * بهشت جای آدم خوبا * همه آدمای باصفا * اما جهنم جای کی؟ *
جای همهٔ آدم بدا .

* دنیای ما یه مزرعه است * هرکسی چیزی می‌کاره * تا اینکه در روز جزا *
محصولشو برمی‌داره * هر کسی یک روز می‌میره * در دل خاک فرو میره * چیزی که
می‌ذاره به جا * یا خوبی‌ها یا بدی‌ها.

* واسه همینه وقتی بهار * سر می‌زنه به هر دیار * زمین سرد و یخزده * میشه پر
از نقش و نگار * یادم میفته به معاد * یادم میفته به معاد.

دعا:

ای خدای مهربان! ما طاقت عذاب آخرت تو را نداریم، به مهربانیت ما را از آتش قهرت
نجات بده.

ای ارحم الراحمین! ما به غیر تو کسی را نداریم، اگر کار اشتباه کردیم، ما را ببخش.

تکلیف:

با کمک پدر یا مادر خود به قرآن رجوع کنید و دو آیه از آیاتی که درباره جهنم سخن
گفته را در دفتر خود بنویسید.

